

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

آموزش زبان عبری

باروش مکالمه ای

نویسندگان:

سید هادی شهیدی فیاض و منصور خداکریمی

ویراستار علمی:

منصور خداکریمی

استاد راهنما در روش آموزشی گفتگو محور:

دکتر محمودرضا صادقی طجر

سرشناسه: شهیدی فیاض، سید هادی، ۱۳۵۹-
عنوان و نام پدیدآور: آموزش زبان عبری به زبان مکالمه‌ای / نویسندگان سیدهادی شهیدی فیاض
منصور خداکرمی؛ ویراستار علمی منصور خداکرمی.
مشخصات نشر: قم: میراث ماندگار، ۱۴۰۱.
مشخصات ظاهری: ۱۸۱ص.
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۳۱۴-۹۴۳-۴
وضعیت فهرست نویسی: فیپا
موضوع: زبان عبری -- مکالمه و جمله‌سازی -- فارسی
موضوع: Hebrew language -- Conversation and phrase books -- Persian
موضوع: زبان عبری -- واژه‌نامه‌ها -- فارسی
موضوع: Hebrew language -- Dictionaries -- Persian
شناسه افزوده: خداکرمی، منصور، ۱۳۶۸-، ویراستار
رده بندی کنگره: ۴۵۶۷PJ
رده بندی دیویی: ۴۸۲۴۲۱/۴۹۲
شماره کتابشناسی ملی: ۸۹۹۵۴۰۱

نام کتاب: آموزش زبان عبری به روش مکالمه‌ای
نویسندگان: سید هادی شهیدی فیاض، منصور خداکرمی
ویراستار علمی: منصور خداکرمی
ناشر: میراث ماندگار
نوبت چاپ: دوم
چاپخانه: دیجیتال
قیمت: ۴۰۰,۰۰۰ تومان
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۳۱۴-۹۴۳-۴

مرکز پخش:

قم، خیابان معلم، مجتمع ناشران، طبقه ۳، واحد ۳۱۸

۰۲۵۳۷۸۴۲۳۹۸

فهرست

پیشگفتار.....	۸
مقدمه پروفیسور طَجر.....	۱۰
راه حل های عملی.....	۱۱
معرفی زبان و فرهنگ عبری.....	۱۳
تاریخ زبان های سامی.....	۱۴
لهجه های زبان عبری.....	۱۹
تاریخچه زبان عبری.....	۲۱
پروژه احیای زبان عبری.....	۲۲
مراحل احیای زبان عبری.....	۲۲
مخالفان و موافقان احیای زبان عبری.....	۲۳
شباهت های دستوری عبری و عربی.....	۲۴
حرف تعریف.....	۲۴
ضمیر.....	۲۵
مذکر و مونث.....	۲۵
موصوف و صفت.....	۲۶
افعال.....	۲۶
اعداد.....	۲۶
شباهت در کلمات.....	۲۶
چرایی شباهت زبان عبری و عربی.....	۲۹
خاستگاه یکسان.....	۲۹
تاثیر ادبیات عربی.....	۳۰
حروف اصلی و زاید مشترک.....	۳۱
فرهنگستان زبان عبری.....	۳۱
تأثیرپذیری گویشوران از عرب زبانان.....	۳۱

حروف الفبای زبان عبری به همراه مثال.....	۳۲
سیر تحول خط ها در زبان عبری.....	۳۵
انواع خط های عبری	۳۵
انواع کتابت خط عبری استاندارد.....	۳۵
اطلاعات اولیه درباره الفبای عبری	۳۵
حرکت گذاری در زبان عبری	۳۵
توضیحات تکمیلی درباره حرکات و حروف زبان عبری.....	۳۶
انواع متون عبری	۴۱
حرکت ها و مثال های آن در یک نگاه:.....	۴۳
نحوه تایپ حرکات و علامت های زبان عبری در کیبورد گوشی	۴۴
توضیحات حروف	۴۶
دسته بندی حروف بر مبنای مخارجشان	۵۲
حرکت های مسروقه	۵۲
حرکت های بلند	۵۳
حرکتهای کوتاه	۵۴
چگونگی ترکیب کلمات.....	۵۷
نکات ضروری؛.....	۵۸
حروف عبری، نام و تلفظ فارسی و همچنین شمارش ابجد	۶۱
حروف عبری و نام فارسی و لاتین	۶۳
اشتراکات دو زبان عبری و عربی	۶۴

بخش اول: مکالمات کاربردی / ۶۶

صیغه ها.....	۶۷
درس یکم «معرفی».....	۷۰
درس دوم/جملات روزمره ۱	۷۲
درس سوم/جملات روزمره ۲.....	۷۴
درس چهارم/جملات روزمره ۳	۷۶
درس پنجم/ سفر	۷۸

درس ششم / گفتگو	۸۰
درس هفتم / پیرس	۸۲
درس هشتم / جملات پیشرفته	۸۴
درس نهم / رسیدن	۸۷
درس دهم / خرید	۸۹

بخش دوم: لغات پرکاربرد/۹۱

درس اول: خانواده	۹۲
درس دوم: اعداد	۹۵
درس سوم: تقویم	۱۰۰
درس چهارم: مشاغل	۱۰۸
درس پنجم: فضای مجازی	۱۱۲
درس ششم: میوه و سبزیجات	۱۱۶
درس هفتم: مواد غذایی	۱۱۸
درس هشتم: رنگ و لباس	۱۲۲
درس نهم: حیوانات و پرندگان	۱۲۶
درس دهم: آناتومی (اعضای بدن انسان)	۱۲۹
درس یازدهم: حمل و نقل عمومی	۱۳۴
درس دوازدهم: خانه	۱۳۷
درس سیزدهم: ورزش و تفریح	۱۴۱
درس چهاردهم: مسافرت	۱۴۴

بخش سوم: صرف افعال/۱۴۸

واژه‌نامه/۱۵۴

پیشگفتار

این کتاب آموزشی، برای شروع یادگیری و مرحله مقدماتی تألیف گردیده است. مجموعه پیش رو، در قالب یک معرفی درباره روش آموزش و معرفی زبان و فرهنگ عبری، ۱۰ درس گفتگوهای کوتاه و کاربردی، ۱۴ درس لغات پُرکاربرد به همراه تصاویر مربوطه و صرف افعال در نظر گرفته شده است. به طوری که فقط استارت مکالمات ابتدائی زده شود و مخاطب با این کتاب یاد می‌گیرد که همانند یک کودک که در حال زبان باز کردن است، چگونه با شنیدن و تکرار لغات، خودش نیز تکرار کرده و به کار بگیرد. محتوای عبری برای این سطح هم با تلفظ فارسی و هم با حرکت گذاری صحیح به جهت آموزش ابتدائی لحاظ گردیده است.

در ابتدا معرفی زبان و فرهنگ عبری بیان میشود و سپس حروف الفبای زبان عبری به همراه چند مثال کاربردی برای هر لغت، در نظر گرفته شده است و سپس توضیحات هر حرف این زبان باستانی به همراه تعاریف حرکات مطرح میشود تا زبان آموز با توجه به لغات زبان آموزشی، و با به کارگیری جملات در گفتگو و مکالمه، در ذهن تصور درستی از آموزش ها، داشته باشد. ولی آموزش گرامر و دستور زبان عبری، جز در مواردی اندک، در این کتاب آورده نشده است و در کتاب آموزشی دوره متوسطه مطرح خواهد شد، تا به روش استاد طَجَر (استاد راهنما در روش مکالمه محور) به درستی عمل شود.

در پایان نیز لغات عمومی شامل تمام موارد استفاده شده در کتاب و برخی لغات مهم بعلاوه معانی آنها گردآوری شده است تا زبان آموز احتیاج چندانی به دیکشنری یا فرهنگ لغات نداشته باشد و بتواند در حد امکان یاد بگیرد. برای مطالب ابتدائی به خصوص مقدمه کتاب، از تالیفات آموزشی زبان عبری «انجمن کلیمیان تهران» استفاده شده است. به همین جهت از مسئولین و به خصوص مدیریت محترم انجمن کلیمیان تهران، کمال تشکر و سپاسگزاری را دارم.

تالیف این کتاب با زحمات فراوان صورت گرفته است و سعی شده محتوای آموزشی به خصوص لغات مربوطه بدون غلط و صحیح وارد شود. با این همه اگر هرگونه مشکل و ایرادی داشت، میتوانید با مجموعه رجعت عیسی علیه السلام واقع در قم، خیابان عمار یاسر، بین کوچه ۴ و ۶، پلاک ۹۲، مطرح بفرمایید.

مقدمه پروفیسور طَجر

در معرفی روش مکالمه‌ای و ضرورت آن در این زمان

بنام او که جان داد و زبان داد زبان در کام هر پیر و جوان داد
بیش از شصت سال آموزش ۱۲ زبان گوناگون، و تدریس پنجاه ساله چهار زبان
فارسی، عربی، انگلیسی، اسپانیایی و حتی کمی لاتین و عبری، مرا به این نتیجه رسانده
است که بقول شیخ سعدی شیرازی:

ترسم که به کعبه نرسی، اعرابی! کین ره که تو میروی به تورکستان است.
این همان معضلی است که حوزه‌های علمیه و دانشگاه‌های کشورهای مختلف، از
جمله کشور گرامی مان ایران، به آن گرفتار هستند.

فقط کافیست شما سری به این مراکز بزرگ بزنید، و با چند زبان آموز در آنجا یک
گفتگوی ساده داشته باشید، و عکس‌العمل آنها را با یک نفر بومی آن زبانها ببینید.
یعنی پس از سالها کوشش، امکان مکالمات اولیه که یک کودک از مادر خودش در
عرض دو تا سه سال یاد گرفته است، از عهده‌ی سالیان دراز اساتید بزرگ و صاحبان
دکترای این و یا آن زبان غیر بومی، بر نیامده است.

دلیل اصلی اینکار چندین روش غلط است، که بطور خلاصه یادآوری میکنم:
(۱) فاصله‌گیری از روش طبیعی آموزش و اشتغال به فوت و فن‌های مصنوعی
علمای صرف و نحو، یا گرامر.

(۲) سختگیری‌های غیر لازم در مورد قواعد زبان، و توقعات غیر عملی از دانش آموزان
(مثلاً اینکه باید زبان بیگانه را صد درصد بدون غلط در مورد عربی، با تلفظ «مومنانه» ادا کرد!)
چنین چیزی نه شدنیست و نه اصولاً برای نوآموزان زبان لزومیت دارد، بلکه زیانش
بیشتر از نشانش میشود)

۳) ورود از راه سخت الفبا و حفظ غیر ضروری قواعد، بجای «آموزش مستقیم» و ساده‌ی زبان که هر «مادری» در هر کجای دنیا و با هر زبانی، بطور عملی، هر روز انجام میدهد. همانطور که «استاد اول جامعه شناسی و زبانشناسی، ابن خلدون» در کتاب «المقدمه» یادآوری می‌کند: «زبان را باید بدون صرف و نحو، به صورت طبیعی آموخت!»^۱

حالا چرا علمای زبان آموز ما، از این پند ششصد ساله‌ی دانشمند با تجربه‌ی مثل ابن خلدون، غافل مانده و عمر میلیونها زبان آموز را ضایع کرده اند؟! بماند... شرح این حرمان و این خون جگر این زمان بگذار تا وقت دگر!

راه حل های عملی

از آنجا که نگارنده خود نیز تجربه منفی یا مثبت زبان آموختن و آموزاندن را داشته است، در اینجا میکوشد چندین پیشنهاد عملی را هم برای زبان آموزان و هم برای آموزندگان، بیان کند.

(البته باختصار، چون شرح تفصیلی آن «مثنوی هفتادمن» لازم دارد):

۱) زبان را باید با اصول «اول و اکثر» آموخت و آموزاند؛ به این معنا که: اولین کلماتی که یک زبان آموز، در اولین ملاقات، با اولین فرد، لازم دارد بگوید، باید همان روز اول و ساعت اول، درس اول او باشد (و هرچه بجز آن باشد، راه تورکستانست، نه زبان!)

۲) دومین قاعده در آموختن و آموزاندن زبان، آنست که:

اکثر جملات (و گاهاً کلمات) کاربردی، و استفاده‌ی روزانه، باید اکثریت تدریس در اتاق آموزش را به خود اختصاص دهد (و هرچه از این حالت خارج است، باید برای سطوح بالاتر بعدی کنار گذاشته شود).

در تدریس زبان «گفتار» بر نوشتار، تقدم دارد (چرا که انسانها میلیونها سال مکالمه میکردند و الفبا، پنج هزار سال هم قدمت ندارد؛

قواعد «اختراعی» زبانها خیلی دیرتر، ساخته و پرداخته بر اساس مکالمات روزمره‌ی مردم عادی و عوام، نه علمای زبان، ساخته شده و بشکل «سماعی، قیاسی و مصنوعی» بوجود آورده شده‌اند.

بنابراین، بجای آموزاندن حروف «هیروگلیف» مصری و شکلک‌های چینی، ژاپنی و غیره (که پیچیدگی آنها کمتر از هیروگلیف نیست!) و یا اصرار به آموزاندن قواعد صرف و نحو غیر عملی در زبانهای «لاتین» و مذکر و مونث برخی زبانهای دیگر، باید از «ساده‌ترین روش عملی» یعنی مکالمه و مکالمه و بازهم مکالمه، استفاده کرد، و در مراحل بسیار پیشرفته، به نوشتن قواعد خشک و تلفظات سنگین برخی حروف، در برخی زبانها (مانند عربی، هندی و غیره) پرداخت، و بقول معروف:

«از پله‌ی اول به بالا رفت، و نه از بالا به بالا، و یا از بالا به پایین!»

معرفی زبان و فرهنگ عبری

عبری به شاخه شمال غربی از زبان‌های سامی خانواده زبان‌های «آفریقایی-آسیایی» تعلق دارد و تنها زبان باقی‌مانده از زبان‌های کنعانی و تنها نمونه واقعاً موفق احیای یک زبان مُرده است. عبری همچنین در کنار آرامی که بیشتر توسط آشوری‌ها، مندائی‌ان و برخی از یهودیان خاور نزدیک گویش می‌شود، یکی از دو زبان زنده شاخه سامی شمال غربی است. سخن گفتن به عبری به‌عنوان زبان روزمره، در حدود سال‌های ۲۰۰ الی ۳۰۰ میلادی، در پی شورش بارکوخبا^۱، متوقف شد. از آن پس یهودیان، به‌ویژه فرهیختگان و مهاجران آن‌ها، به زبان آرامی^۲ و به اندازه کمتری یونانی، که زبان‌های بین‌المللی آن دوران بودند، گفتگو می‌کردند. با این حال، زبان عبری برای عبادات یهودی، ادبیات مذهبی، تبادلات تجاری میان یهودیان و سروده‌های یهودی استفاده می‌شد، تا اینکه در سده ۱۹ میلادی به‌عنوان زبان گفتاری احیا شد. سپس به زبان میانجی یهودیان فلسطین تبدیل گشت و در نهایت با تاسیس دولت اسرائیل به‌عنوان زبان رسمی این کشور پذیرفته شد.

عبری نوین، تنها زبان رسمی در اسرائیل است، در حالی که عبری توراتی برای امور دینی و مطالعه جوامع یهودی مورد استفاده قرار می‌گیرد. عبری سامری نیز به‌عنوان زبان دینی سامری‌ها استفاده می‌شود، و زبان محاوره‌ای آن‌ها عبری نوین و عربی است. عبری به‌عنوان زبانی خارجی، اغلب توسط یهودیان و پژوهشگران منطقه خاورمیانه به

۱ - شورش بارکوخبا (عبری: מרד בר כוכבא) شورش یهودیان در استان یهودا به رهبری شمعون بار کوخبا علیه امپراتوری روم بود. این درگیری در بین سال‌های ۱۳۲ تا ۱۳۶ میلادی اتفاق افتاد و آخرین جنگ از سه جنگ بزرگ یهودیان-رومیان بود. از این رو نام دیگر این درگیری جنگ سوم یهودی-رومی است.

۲ - لهجه از زبان عبری را گویند.

خصوص اسرائیل و یهودیت، و باستان‌شناسان، متخصصان زبان‌شناسی در خاورمیانه و دین‌شناسان تاریخ مسیحیت^۱ مطالعه می‌شود.

تورات (۵ کتاب نخستین)، و بخش‌های زیادی از دیگر قسمت‌های کتاب مقدس عبری، به زبان عبری توراتی نوشته شده‌اند، که بخش اعظم آن با لهجه‌ای نوشته شده که پژوهشگران غربی اعتقاد دارند در حدود سده ششم پیش از میلاد، در حدود زمان اسارت یهودیان در بابل استفاده می‌شد. به همین دلیل، یهودیان از زمان‌های بسیار دور، از زبان عبری به عنوان لُشان هَکودِش (לְשׁוֹן הַקֹּדֶשׁ)، «زبان مقدس» یاد می‌کنند. در یکی از قسمت‌های میثنا نیز از عبری به نام آشوریت یاد شده که به معنای آشوری است.

عبری در فارسی از واژه آرامی ایبرای (ibrāy) ریشه گرفته که خود از واژه ایوری (Ivri، לַבְרִי) در عبری توراتی می‌آید و یکی از نام‌های عبرانیان یا بنی‌اسرائیل (یهودیان و سامری‌ها) است. به نظر می‌رسد این نام از ریشه سامی ع-ب-ر به معنای «فراتر»، «سمت دیگر»، و «آن سمت» آمده‌است. اصطلاح «عبری» به‌طور کلی معنی «از آن طرف [رودخانه/صحرا]» می‌دهد و یک نام خارجی برای ساکنان اسرائیل و یهودا از طرف بین‌النهرینی‌ها، فنیقی‌ها و اردنی‌ها است که رودهای فُرات، اُردن، رود لیتانی^۲ یا شاید شمال بیابان عربی را میان خود و آن‌ها در نظر می‌گرفتند و عبرانیان را بدین صورت «اهل آن طرف» می‌نامیدند.

تاریخ زبان‌های سامی

اساتید زبان‌شناسی، زبان‌های جهان را به دو درخت بزرگ زبانی تقسیم می‌نمایند. اولین درخت و بزرگترین درخت زبانی جهان درخت زبان‌های آریایی می‌باشد که ریشه آن به تمدن‌های آریایی منطقه هند و ایران باز می‌گردد و زبان سانسکریت^۳ و

۱ - کریستین

۲ - مرز بین لبنان و فلسطین اشغالی

۳ - سانسکریت یا سَنسکریت (saṃskṛtam संस्कृतम्) زبان باستانی مردم هندوستان و زبان دینی مذاهب هندوئیسم، بودیسم و جاینیسم می‌باشد که از دیدگاه زبان‌شناسی با زبان پارسی باستان، هم‌ریشه است و زبان سانسکریت؛ از خانواده ی زبان‌های

اوستایی از قدیمی ترین این زبان ها میباشند، که از نظر این محققین از یک زبان مشترک اولیه جدا شده اند. اکثر زبان های اروپایی نظیر لاتین، یونانی، رومی، آلمانی، انگلیسی و اسکاندیناوی و... ریشه در زبان آریایی دارند.

درخت دوم و بزرگ زبان جهانی، درخت زبان های سامی می باشد که زبان فرزندان سام پیامبر^۱ است که حیطه حضور این زبان در دنیای باستان از فلسطین و شبه جزیره عربستان تا بخش هایی از نیمه غربی فلات ایران بوده است.

زبان آشوری، بابلی، آرامی، کنعانی، آکدی، فنیقی، سُرّیانی، عبری و عربی از مهمترین زبان های سامی می باشند که همه از یک زبان اولیه منشعب شده اند، زبان عبری یکی از شاخه های زبان سامی می باشد. چون حضرت ابراهیم در سفر خویش از رود اُردن و بنا به روایتی از رود فُرات عبور نمود، به ابراهیم خلیل الله اولین عبرانی می گویند. ابراهیم ابتدا به زبان کهن آرامی و یا سایر زبان های میان رودانی از شاخه زبان های سامی، سخن می گفته است ولی در کنعان احتمالاً وی و فرزندان کم کم با زبان کنعانی آشنا شدند و بدین زبان سخن گفتند. بنابراین ریشه زبان عبری باستان را باید در زبان کنعانی جستجو نمود. حضرت ابراهیم(ع) در کنعان ساکن شد و پس از وی نوهی ایشان یعنی یعقوب(ع) فرزند اسحاق(ع) که ملقب به اسرائیل بود، به همراه فرزندان خویش (بنی_اسرائیل) به سرزمین مصر سفر نمود. پس از گذشت چند نسل بنی اسرائیل، به همراه موسی (ع) از مصر خارج شدند و در سرزمین فلسطین و کنعان ساکن شدند و بار دیگر بنی اسرائیل با زبان کنعانی برخورد نمودند. عبری کهن به مرور زمان از زبان کنعانی شکل گرفت و تا زمان سقوط سامریان، پایتخت دولت افرایم (اسرائیل_شمالی) در سال ۷۲۱ قبل از میلاد به دست آشوریان و سپس سقوط قدس پایتخت دولت یهود (اسرائیل جنوبی) در ۵۸۷ قبل از میلاد، زبان عبری کهن به عنوان

هندوآریایی به حساب می آید. نوشته های مقدس وداها به این زبان است. در دوره ی نوین، دانش سانسکریت کمک بسیاری به خوانش نوشته های این دو زبان باستانی کرده است. سانسکریت یکی از زبانهای رسمی ایالت اوتاراکنند هند است.

۱ - سام یکی از پسران نوح در تورات می باشد. وی علاوه بر جانشینی پدر و بزرگی قوم، پیامبر زمان خود نیز بود. از نسل این پیامبر الهی، انبیای بزرگی به وجود آمدند. مهم ترین و بزرگ ترین آنها حضرت ابراهیم (علیه السلام) می باشد.

یک زبان زنده وجود داشت. اسرائیلیان عقیده دارند ده سبط از اسباط دوازده گانه بنی اسرائیل پس از سقوط دولت افرایم، از بین رفتند و دولت یهودیان و سبط یهودا پس از سقوط دولت یهودیان به عنوان برده به بابل منتقل شدند؛ بنابراین بین یهودی و بنی اسرائیلی از نظر یهودیان تفاوت وجود دارد. پس از این تاریخ و نابودی دولت های یهودیان و مهاجرت عده ای از آنان، این قوم در محاورات روزانه خویش به زبان آرامی سخن می گفتند و زبان عبری فقط به عنوان زبان تورات مقدس در نیایش های دینی استفاده میشد. به مرور خاخام های یهودی زبان عبری کهن را با کمک آرامی، احیا نمودند. از این زبان با عنوان زبان عبری میانه (یهودی) یاد میشود. عده ای از محققین زبان عبری کتاب مقدس را متعلق به همین دوران زبانی می دانند. گفته شد که یهودیان برای احیای زبان عبری از زبان آرامی استفاده نمودند و با کمک زبان آرامی که زبان رایج در منطقه میان رودان بود، توانستند زبان خویش را احیا نمایند. البته آنان از زبان پارسی میانه نیز اندکی وام گرفتند.

پس از ظهور اسلام، دانشمندان اسلامی اقدام به نوشتن کتب بسیاری در علم صرف و نحو و لغت ادبیات عرب نمودند و زبان عربی بسیار پیشرفت نمود. در این دوران یهودیان از زبان عربی استفاده می نمودند و برخی از نویسندگان نظیر موسی بن میمون (از دانشمندان و فیلسوفان بزرگ یهودی) بیشتر آثار خویش را به زبان عربی می نوشت، اما با رسم الخط عبری.

بنابراین زبان عربی نیز بر زبان عبری تاثیر بسیاری گذاشت و لغات زیادی از عربی به عبری منتقل شد. در قرن ۱۹ عده ای از اندیشمندان یهود به فکر استفاده از زبان عبری به عنوان یک زبان محاوره ای افتادند؛ بسیاری از این اندیشمندان عضو حزب صهیونیسم بودند و هدف آنان ایجاد یک کشور مستقل برای اسرائیل بود و طبیعی است که کشور جدید نیاز به زبان واحد دارد و برای ایجاد این کشور لازم بود که یهودیان بسیاری از نقاط مختلف جهان کوچ نمایند که اشتراک زبانی با یکدیگر نداشتند. پس تنها عنصری که می توانست، یهودیان را متحد نماید و به کشور جدید هویت ببخشد، زبان عبری بود. یهودیان برای ایجاد زبان عبری مدرن، بیش از ۸۰۰۰

لغت از کتاب عهد عتیق در اختیار داشتند و سایر لغات خویش را از زبان آرامی عهدعتیق و آرامی تلمودی وام گرفتند (تلمود^۱، دارای لغات پارسی میانه نیز میباشد) ولی با این همه باز دایره لغات عبری برای ایجاد زبانی متناسب با عصر جدید کافی نبود. در نتیجه از لغات زبان عربی و زبان های اروپایی نظیر آلمانی، انگلیسی، روسی و فرانسه نیز استفاده نمودند. پس از تکمیل خزانه لغات زبان عبری، یهودیان نیاز به نوشتن قواعد و دستور برای زبان عبری داشتند. با توجه با اینکه در گذشته عده ای از دانشمندان یهودی بر مبنای قواعد صرف و نحو عربی اقدام به نوشتن قواعد برای زبان عبری نموده بودند، یهودیان عصر جدید نیز همان راه گذشتگان را ادامه دادند و بر مبنای قواعد صرف و نحو عربی دستور نسبتاً کاملی برای زبان خویش ایجاد نمودند.

زبان عبری دارای دو لهجه معروف میباشد:

۱. لهجه ی سفارادی «اسپانیایی»

۲. لهجه ی اشکنازی «آلمانی و اروپایی»

در لهجه سفارادی که یهودیان منطقه خاورمیانه و آفریقا بدان لهجه صحبت مینمایند، تلفظ حروف به مانند عربی است. بعنوان مثال؛ سفارادی ها حرف [q] {قوف} را «ق» تلفظ می نمایند. در لهجه اشکنازی اروپایی، حرف [q] {قوف} به شکل {کوف} «ک» تلفظ میشود، زیرا اروپایی ها تلفظ «ق» ندارند. در اشکنازی حرف [ʒ] {صدی} «معادل صاد عربی» به صورت {تص} تلفظ می شود. در کلمه معروف [ʔʁets] {ارض} «eres» به عربی به معنای (زمین) در اشکنازی {ʔʁets} «erets» یا «eretz» خوانده میشود و روزنامه معروف اسرائیلی "هاآرتص" به معنی (سرزمین اسرائیل و ارض موعود) می باشد. در اسرائیل زبان عبری با لهجه اشکنازی زبان رسمی می باشد، اما اشکنازی اسرائیلی با اشکنازی اروپایی تفاوت دارد. در اشکنازی اسرائیلی علاوه بر حرف [q] {قوف} «ق» که {کوف} «ک» تلفظ می شود، حرف [ʁ] {رش}

۱ - تلمود (به عبری: תלמוד) به معنی آموختن، «تلمذ»-که از آن به عنوان «تورات شفاهی» نیز یاد می شود-یکی از کتاب های اصلی یهودیت ربانی است. نام دیگر آن به صورت سنتی، شاس (ש"ס) است که مخفف شیشا سداریم به معنی «شش دفتر» است. نام تلمود، معمولاً اشاره به «تلمود بابلی» است، بالینکه تلمود دیگری به نام «تلمود اورشلیمی» وجود دارد که رواج کمتری دارد.

«معادل را عربی» به شکل {غ} تلفظ می‌شود. یعنی در اسرائیل واژه [ישראל]
{ئیسراییل، اسرائیل} بصورت {ئیسغاییل} تلفظ می‌شود.

لهجه‌های زبان عبری

۱. عبری سفارادی (اسپانیایی)

עִבְרִית סְפָרָדִית

(ivrit sfaradit)

(Sephardi Hebrew or Sepharadi Hebrew)

یهودیان منطقه اسپانیا (معروف به لادینو)

(Judaeo-Spanish, Ladino).

به این لهجه صحبت می‌کردند که پس از تسخیر اندلس توسط مسیحیان و مهاجرت

یهودیان به شمال آفریقا، این لهجه به آن منطقه نیز گسترش پیدا کرد.

۲. عبری میزراحی یا میزراحی (شرقی)

עִבְרִית מִזְרָחִית

(ivrit Mizrachit or Mizrahit)

(Mizrahi Hebrew or Eastern Hebrew)

لهجه یهودیان سرزمین‌های اسلامی و آسیایی.

۳. عبری تیمانیت (یمنی)

עִבְרִית תִּיִּמָנִית

(ivrit Teymonith)

(Yemenite Hebrew)

لهجه یهودیان یمن که به عبری قدیم هم نزدیک‌تر است.

۴. عبری اشکنازی

עִבְרִית אֲשְׁכְּנַזִּית

(ivrit Aškenazit)

(Ashkenazi Hebrew)

لهجه یهودیان آلمان، فرانسه، هلند و سوئیس

۵. عبری جدید (ییسرائلی)

עברית חדשה (ישראלית, מודרנית)

(‘ivrít ḥadašá[h], ‘ivrít modernit)

(Modern Hebrew or Israeli Hebrew)

لهجه ای که امروزه در سرزمین‌های اشغالی فلسطین اغلب به آن تکلم می‌کنند.

تاریخچه زبان عبری

حدود ششصد سال قبل از میلاد مسیح، بنی اسرائیل استقلال سیاسی داشتند و عبری چندان تحت تأثیر دیگر زبان‌ها نبود. عبری در این دوره با خط کنعانی نوشته می‌شد. این خط که تفاوت کمی با خط فنیقی داشت را «عبری قدیم» می‌نامند. در عهد معبد دوم اورشلیم، «خط آرامی» جایگزین خط عبری قدیم شد که تا امروز نیز عبری زبانان از این خط استفاده می‌کنند. خط آرامی به دلیل شکل ویژه حروفش به خط مربع مشهور شد. بعدها در قرن نوزدهم، یهودیان خط جدیدی را برای نگارش غیر رسمی اختراع کردند که از آن پس خط مربع در خط جدید برای نوشتن با خودکار استفاده شد. زبان عبری نیز مانند خط عبری فراوانی را متحمل شد تا جایی که در سال ۱۹۱۱ میلادی در دانشنامه بریتانیکا^۱، مقاله‌ای در مورد زبان‌های سامی نوشته شد که در آن مقاله زبان عبری جزو زبان‌های مرده محسوب شده بود. البته عبری در آن زمان نمرده بود، اما در حال جان دادن بود چراکه در طول تاریخ، یهودیان از سرزمین مقدس پراکنده شدند و در دیگر کشورها سکنی گزیدند و رفته‌رفته زبان عبری در بین آن‌ها جای خود را به زبان کشورهای مقصد داد. استفاده از زبان عبری به مرور زمان صرفاً مختص به انجام امور و مناسک دینی شد و حتی اگر کسی می‌خواست در امور روزمره از عبری استفاده کند، الفاظ کافی برای بر طرف کردن نیازهای روزانه خود پیدا نمی‌کرد.

۱ - دانشنامه بریتانیکا (به انگلیسی: Encyclopædia Britannica) دانشنامه‌ای است که نخستین بار در سال ۱۷۶۸ در ادینبرو منتشر شد. این دانشنامه قدیمی‌ترین دانشنامه انگلیسی‌زبان محسوب می‌شود. این دانشنامه در حال حاضر یکی از مهم‌ترین و معتبرترین منابع به زبان انگلیسی به‌شمار می‌رود که تا به امروز ویرایش و انتشار آن ادامه یافته‌است. بریتانیکا توسط ۱۰۰ ویراستار تمام وقت و بیش از ۴۰۰۰ مشارکت‌کننده که خود شامل ۱۱۰ نفر از برندگان جایزه نوبل و ۵ رئیس‌جمهور است، به رشته تحریر درآمده و در بسیاری موارد، علمی‌ترین و آکادمیک‌ترین دانشنامه دنیا شناخته شده‌است.

البته در آن زمان تلاش‌هایی برای احیای عبری در حال انجام بود که در مقاله بریتانیکا ادعا شده بود که این تلاش‌ها به نتیجه نمی‌رسند، اما از قضا نتیجه داد و زبان عبری توسط الیعاذر بن یهودا^۱ جان تازه‌ای گرفت و احیا شد. و روش او در اختراع لغات جدید نبود بلکه استفاده از لغات سایر زبان‌ها بود که توانست بعلاوه ۸۰۰۰ لغات گرفته شده از تورات و تلمود و سایر کتب مذهبی خودشان، بیش از ۷۰۰۰ لغت دیگر از زبان‌های؛ عربی، انگلیسی، فرانسوی، آلمانی، روسی و فارسی گردآوری کند که امروزه عبری مدرن نامیده می‌شود.

پروژه احیای زبان عبری

در سال ۱۸۹۰، الیعاذر بن یهودا با همکاری اهل ادب و فرهنگستان زبان عبری، جمعیت زبان عبری را در فلسطین تشکیل داد و شروع به نوشتن فرهنگ نامه‌ای کرد که تمام کلمات عبری در طول تاریخ در آن جمع‌آوری شده بود، البته او تا قبل از مرگش توانست پنج جلد را تکمیل کند و بعد از مرگ او همفکرانش تا سال ۱۹۵۹ بقیه فرهنگ‌نامه را تکمیل کردند. الیعاذر اولین کسی بود که نظریه احیای زبان عبری را مطرح و مقالات مختلفی را در روزنامه‌ها و مجلات در این باره منتشر کند. او در پی احیای واژگان فراموش شده بود و برای معانی جدیدی که زبان عبری کلمه‌ای برای آن‌ها نداشت، با ترکیب کلمات مختلف با یکدیگر، استفاده از الفاظ قدیمی عبری با تغییر معنای آن‌ها و وام گرفتن از دیگر زبان‌ها معادل‌سازی می‌کرد.

مراحل احیای زبان عبری

مرحله نخست را می‌توان از سال ۱۸۸۲ تا ۱۹۰۳ دانست. بن یهودا در سال ۱۸۸۱ به فلسطین مهاجرت و سعی کرد افراد کمی که در قدس به عبری صحبت می‌کردند را با خود همراه کند. او تصمیم گرفت که در خانواده‌اش فقط به زبان عبری (که خودشان آن را «عوغیت» می‌نامیدند) صحبت شود و دیگر خانواده‌ها را نیز به این امر

۱ - الیعاذر بن یهودا (به انگلیسی: Eliezer Ben-Yehuda) فرهنگ نویس و ویرایشگر روزنامه اهل اسرائیل بود. او نقش مهمی در احیای زبان عبری در دوره معاصر داشته است.

ترغیب می‌کرد. در این دوره به همت الیعاذر چند مدرسه تاسیس شد که تدریس در آن‌ها به زبان عبری صورت می‌گرفت. اما تلاش‌های بن یهودا آن طور که باید مثمر ثمر نبود.

مرحله دوم از ۱۹۰۴ تا ۱۹۱۴ است. در این دوره زبان عبری رفته‌رفته از دل خانواده‌ها و مدارس ویژه، به اماکن عمومی وارد شد. در سال ۱۹۰۹ تل‌آویو شکل گرفت که عملاً در آن، همه به عبری سخن می‌گفتند. زبان عبری در قهوه‌خانه‌ها و خیابان‌های تل‌آویو مورد استفاده قرار می‌گرفت و مردم و مهاجران در آن مجبور بودند به زبان عبری صحبت کنند. سخن گفتن به دیگر زبان‌ها در این شهر با واکنش منفی شهروندان مواجه می‌شد تا جایی که یکی از ادبای یهودی، راجع به تل‌آویو در سال ۱۹۱۳ می‌گوید: «کسی که دوست دارد در اینجا به «ییدیش» (آلمانی یهودی) سخن بگوید باید شجاعت بسیاری داشته باشد». در این دوره مراکز آموزش زبان عبری به صورت فراوان به وجود آمدند و جمعیت زبان عبری تأسیس شد. این جمعیت با توجه به نیاز زبان عبری، کلمات جدیدی را وضع و قواعد دستور زبان عبری را تنظیم می‌کردند و بر آن بودند تا زبان عبری را آماده استفاده در تمامی شئون زندگی کنند. آن‌ها کتب درسی را به زبان عبری می‌نوشتند و برای کودکان شعرهای متناسبی به زبان عبری می‌سرودند.

مرحله سوم بعد از جنگ جهانی اول است که در آن ایام با این که مهاجرینی که به رژیم اشغال‌گر قدس می‌پیوستند عبری را به خوبی سخن نمی‌گفتند اما کودکان آن‌ها عبری را به عنوان زبان اول فرا می‌گرفتند. در این دوره، عملیات احیای زبان عبری دیگر به پایان رسیده بود و در واقع پیروان الیعاذر به دنبال انتشار و گسترش آن بودند.

مخالفان و موافقان احیای زبان عبری

عملیات احیای زبان عبری از ابتدا اعتراضاتی را از جهات مختلف به همراه داشت، مثلاً خریدی‌ها، طایفه یهودیان سنتی متعصب، به استفاده از زبان مقدس برای اغراض دنیوی اعتراض داشتند و می‌گفتند عبری باید مانند گذشته فقط برای عبادت و امور

دینی استفاده شود. بعضی نیز احیای زبان عبری را مسخره می‌کردند و می‌گفتند احیای زبان عبری ممکن نیست.

بعضی دیگر نیز بر این باور بودند که یهودیان باید به زبان ییدیش (متعلق به یهودیان اروپا) سخن بگویند، اما الیعاذر بی‌توجه به این اعتراضات و مخالفت‌ها، راه خود را پیش گرفت و توانست زبان عبری را که در حال جان دادن بود، احیا کند و آن را از دل معابد و مناسک به زندگی روزمره یهودیان بکشد تا جایی که امروزه به زبان عبری آموزش می‌دهند، گزارش فوتبال می‌دهند و آهنگ می‌خوانند. این تنها تجربه بشری از احیای وسیع یک زبان در حال مردن است.

شباهت‌های دستوری عبری و عربی

زبان‌های عبری و عربی با توجه به این‌که هر دو از خانواده زبان‌های سامی هستند و در طول تاریخ نیز بین گویشوران این دو زبان قرابت وجود داشته و با یکدیگر مرتبط بوده‌اند، شباهت‌های بسیاری به هم دارند که از آن جمله می‌توان به شباهت‌های دستوری اشاره کرد. در بسیاری از موارد، قواعد دستور زبان عبری و عربی تا حد زیادی به یکدیگر شبیه هستند و حتی می‌توان گفت در مواردی کاملاً با یکدیگر مطابقت دارند. در ادامه به بعضی از شباهت‌های دستوری و شباهت بین کلمات در این دو زبان می‌پردازیم.

حرف تعریف

در عربی برای معرفه کردن کلمات نکره، بر ابتدای آن‌ها «ال» و در عبری حرف «ה» را قرار می‌دهیم که به صورت «ه» تلفظ می‌شود و اصل بر این است که حرف اول کلمه، بعد از ورود «ה» مشدد شود. عالمان زبان عبری بر این عقیده هستند که حرف تعریف در اصل «هل» بوده که لام آن در حرف اول کلمه مدخول، ادغام شده است. باید گفت که هل در نزد بعضی از قبائل عرب نیز ادات تعریف به شمار می‌رفت. پس همانطور که «کتاب» در عربی نکره و «الکتاب» معرفه است، در عبری نیز «ספר» (سِفِر) نکره و «הספר» (هاسِفِر) معرفه خواهد بود. در عبری دقیقاً مانند عربی، حرف

تعریف فقط برای مضاف الیه استفاده می‌شود و اگر چنانچه بر اسم فاعل داخل شود به معنی اسم موصول خواهد بود.

ضمیر

ضمیر در عبری مانند عربی به پنج بخش منفصل رفعی، منفصل نصبی و متصل رفعی، متصل نصبی و متصل جری تقسیم می‌شود. ضمائر منفصل در زبان عبری تا حد بسیار زیادی مانند عربی هستند و تنها تفاوت اساسی آن‌ها در این است که ضمائر منفصل عبری بر خلاف عربی مثنی ندارند. می‌توان گفت تفاوت اساسی آوایشی ضمائر عبری و عربی، حذف حرف «نون» پیش از «تا» است. گویی واج «نون»، غُنه‌ای به میانه برخی کلمات عربی اضافه شده یا چنین واجی قبلاً وجود داشته و بعدها از واژگان عبری حذف شده است. مشابه همین نون غُنه اضافه در کلمات دیگر عربی هم وجود دارد اما معادل آن‌ها در عبری فاقد این «نون» است (مشابه همین وضعیت حذف و اضافه «نون» غُنه میان سایر زبان‌ها با قرابت شدید، دیده می‌شود).

مذکر و مؤنث

در بحث مذکر و مؤنث نیز تا حدود زیادی این دو زبان به یکدیگر شبیه هستند. در عبری علاوه بر الفاظ مؤنث حقیقی، الفاظ مؤنث دیگری نیز وجود دارند مانند اسم شهرها و کشورها یا الفاظی که به یکی از علامت‌های تأنیث ختم شوند. جالب اینکه تمام موارد گفته شده در عبری و عربی کاملاً یکسان هستند. علاوه بر موارد فوق در عبری بعضی از الفاظ وجود دارند که با آن‌ها هم برخورد مؤنث و هم مذکر میشود، مانند «שמש» (حرف‌نگاری: شِمِش) که در عربی می‌شود «شمس» و «אב» (حرف‌نگاری: روح) که در عربی می‌شود «روح»، از قضا چنانچه بخواهیم در عربی با این دو کلمه جمله فعلیه بسازیم، می‌توانیم هم فعل مذکر بیاوریم و هم فعل مؤنث.

موصوف و صفت

در عبری نیز دقیقاً مانند عربی موصوف و صفت از جهت مذکر و مؤنث بودن، معرفه و نکره بودن و تعداد، منطبق هستند.

افعال

علمای عبری ریشه افعال عبری را مانند عربی سه حرفی می‌دانند و افعال را به مجرد و مزید تقسیم می‌کنند. یکی از راه‌های متعددی کردن افعال لازم، مزید کردن آن‌هاست. در عربی و همچنین در عبری، با مشدد کردن عین الفعل می‌توانیم فعل مجرد را مزید کنیم. جالب است که در عبری نیز مانند عربی افعال سالم و معتل داریم.

اعداد

اعداد عبری و عربی نیز از جهت الفاظ و همچنین از جهت قواعد تا حد زیادی شبیه هستند. در هر دو زبان، اعداد، مذکر و مؤنث می‌شوند. عدد یک و دو از جهت مذکر و مؤنث بودن با معدود خود یکسان هستند اما عدد سه تا ده از جهت مذکر و مؤنث بودن، برخلاف معدود خود می‌آیند. اعداد عقود یعنی بیست، سی و ... تا نود و همچنین صد و هزار، مذکر و مؤنث ندارند.

شباهت در کلمات

زبان عبری ۲۲ حرف دارد که از راست به چپ نوشته می‌شوند. طریقه آوایش بعضی از این حروف با عربی کاملاً یکسان است و برخی دیگر نیز با هم متفاوت هستند. مثلاً حروف «ع» و «ح» که در عربی از حلق ادا می‌شوند در عبری نیز دقیقاً به همان صورت تلفظ می‌شوند.

البته لازم به ذکر است که عبری زبانان اشکنازی (آلمانی)، «ح» را به صورت «خ» تلفظ می‌کنند اما یهودیان سفاردی (جنوب اروپا) و میزراحی (غرب آسیا) آن را مانند عربی به صورت «ح» تلفظ می‌کنند. منشأ این اختلاف و دیگر اختلافات آوایشی بین اشکنازی‌ها و سفاردی‌ها این است که اشکنازی‌ها نمی‌توانند حروف حلقی‌ای که در

زبان‌های سامی وجود دارد را به درستی تلفظ کنند اما سفاردی‌ها و میزراحی‌ها با تلفظ این حروف مشکلی ندارند. پیش از ذکر کلمات مشابه در عبری و عربی به بعضی از حروفی اشاره می‌کنیم که در عبری تلفظ متفاوتی دارند. حرف «ج» در عبری به صورت «گ» تلفظ می‌شود. «ر» در عبری معاصر چیزی مابین «ر» و «غ» تلفظ می‌شود؛ درست مانند «K» فرانسوی پارسی که با صدایی شبیه «غ» تلفظ می‌شود. البته در عبری سنتی که یهودیان میزراحی و سفاردی برای نیایش و نماز به کار می‌برند، به همان صورت معمول «ر» تلفظ می‌شود. حروف «ب» و «ک» اگر بعد از حروف صدادار بیایند، به صورت «ف» و «خ» تلفظ می‌شوند. حروف «ض» و «ص» عربی در عبری به شکل «ص» نوشته می‌شوند که تلفظ آن در عبری معاصر، «تس» است، ولی در عبری کلاسیک شبیه «ص» عربی تلفظ می‌شود. در بسیاری از موارد حروف «ث» و «س» عربی تبدیل به «ش» می‌شود و در مواردی نیز بر عکس «ش» عربی به «س» عبری تبدیل می‌شود. حرف «ف» عربی با «پ» عبری یکی است که گاهی «پ» و گاهی «ف» تلفظ می‌شود. حرف «ق» نیز گرچه در عبری وجود دارد، اما در عبری معاصر، متأثر از زبان‌های اروپایی به شکل «ک» تلفظ می‌شود، درحالی‌که در عبری کلاسیک صدای «ق» دارد.

کلماتی که در ادامه می‌خوانید کلمات عبری مدرن در مقایسه با عربی فصیح است اما اگر بخواهیم این مقایسه را با عربی معاصر انجام بدهیم، در موارد متعددی شباهت بین کلمات بسیار بیشتر خواهد شد. مثلاً مصری‌ها، عمانی‌ها و برخی دیگر از عرب‌زبان‌ها نیز «ج» را به شکل «گ» تلفظ می‌کنند که با این حساب «غِگِل» یا «رِگِل» که در عبری به معنی پا است در لفظ و معنی با لهجه مصری مشابه خواهد بود. جالب است که در موارد متعددی کلمات عبری از بعضی کلمات عربی محاوره‌ای به عربی فصیح نزدیک‌تر هستند.

به طور مثال ضمیر «ما» که در عربی فصیح «نَحْنُ» و در عبری «آنَحْنُ» تلفظ می‌شود، در عربی محاوره «اِحْنَه» تلفظ می‌شود و واضح است که «آنَحْنُ» به «نَحْنُ» نزدیک‌تر است تا «اِحْنَه». همچنین حرف استفهام «مَتی» در عبری به صورت «مَتای»

و در عربی محاوره «يَمْتَه» تلفظ می‌شود. علاوه بر این بسیاری از کلماتی که در عبری عین‌الفعل آن‌ها متحرک اما در عربی فصیح ساکن هستند، در عربی محاوره نیز عین‌الفعل آن‌ها متحرک خواهد بود مانند «نَعْل» و «نَهْر» فصیح که در عبری و عربی محاوره به صورت «نَعْل» و «نَهَغ» تلفظ می‌شوند.

بسیاری از کلمات مشابه نیز ظاهرشان به یکدیگر شبیه است اما معنی کاملاً یکسانی ندارند بلکه در معنی به هم مرتبط هستند. مثلاً کلمه «מְדִינָה» (مدینه) که در عبری به صورت «مَدینا» و در عربی «مَدِينَه» تلفظ می‌شود در عبری به معنی کشور اما در عربی به معنی شهر است، یا «לֶחֶם» (لحم) که در عبری به صورت «لِحِم» و در عربی «لَحْم» تلفظ می‌شود در عبری به معنی نان، اما در عربی به معنی گوشت خواهد بود (شاید معنای اصلی این واژه در زبان سامی باستان «غذا» بوده است). بعضی کلمات نیز در ظاهر شباهتی به هم ندارند اما با کمی دقت در تغییر حروف در می‌یابیم که اتفاقاً از یک ریشه هستند؛ مثلاً «קָבֵר» (قبر) که در عبری به صورت «کَوَغ» تلفظ می‌شود با «قبر» عربی هم ریشه است و معنی یکسانی دارند. در این کلمه «ق» به صورت «ک» و «ب» به صورت «و» و «ر» نیز مانند «ر» فرانسوی تلفظ می‌شود. حرف اول و آخر این کلمه در نوشتار «ق» و «ر» است که در هنگام تلفظ «ک» و «غ» تلفظ می‌شود. در کلمات بسیار دیگری نیز شکل نوشتاری، از تلفظ به عربی نزدیک‌تر است. در جدول پیش رو سعی شده است تعدادی از کلماتی با ظاهر یکسان یا نزدیک به هم اما منطبق در معنی آورده شود. تلفظ‌های نوشته شده مطابق با عبری مدرن است اما توجه داشته باشید که تلفظ عبری کلاسیک و نیز عبری سفاردی و میزراحی به عربی از این هم نزدیک‌تر است.^۱

۱ - کلمات مشترک بین عربی و عبری آنچنان زیاد هستند که لغت‌نامه‌ای ۹۰۰ صفحه‌ای با همین موضوع توسط استاد «عادل غنایم» و دست‌کم دو لغت‌نامه دیگر توسط «جریس طنوس» و «محمود زحالفه» نوشته شده است که در این مختصر نمی‌گنجد که ذکر شود ولی در انتهای مقدمه تعدادی برای نمونه بیان شده است.

چرایی شباهت زبان عبری و عربی

با توجه به مطالب گفته شده در شباهت عبری و عربی، این سؤال پیش می‌آید که دلیل این شباهت چیست؟ به طور مختصر می‌توان دلایل این شباهت‌ها را در چهار مورد بررسی کرد:

خاستگاه یکسان

خاستگاه و قرابت یکسان بیان باشد از: تأثیر ادبیات عربی بر عبری، رویکرد فرهنگستان زبان عبری، اختلاط مردم عبری زبان و عرب زبان.

جمله‌ای جالب از یک تاریخ‌دان و دانشمند یهودی، که در این باره مطرح شده نقل می‌کنیم که گفته: «ریشه عربی و عبری یک جمله واحد است که در آن قلب صورت گرفته و حروف آن جابجا گردیده است». مراد از قلب، جابجایی حروف است؛ مانند آنچه در فارسی نیز وجود دارد و مثلاً کلمه «قفل» به صورت «قلف» تلفظ می‌شود. طبق نظر برخی از محققان، زبان‌های سامی همه از زبان سامی مادر گرفته شده‌اند. راجع به خاستگاه مکانی اولیه زبان سامی اختلاف وجود دارد اما با چشم‌پوشی از خاستگاه اولیه این زبان، مسئله بدین صورت بوده که سامی‌زبانان در کنار یکدیگر زندگی می‌کرده‌اند و الفاظ یکسانی داشته‌اند. به طور مثال، همه آن‌ها به خورشید لفظی را نزدیک به «شَمْس» عربی و «شِمِش» عبری می‌گفته یا به مادر لفظی را نزدیک به «أُم» عربی و «إِما» یا «ایما» عبری می‌گفته‌اند. اما با جابجایی این افراد و مهاجرت آن‌ها به مکان‌های دور از هم کلماتشان کم‌کم تغییر کرد و از طرف دیگر نیز هر کدام از آن‌ها برای اشیاء جدید، لفظ مختصی را وضع کردند.

برای روشن شدن این مطلب از خوردنی‌ها و حیوانات مثالی می‌زنیم: پیش از جدا شدن سامی‌زبانان از یکدیگر همه آن‌ها با «سِیب» و «مورچه» آشنا بوده‌اند و در زبان سامی نام مشخصی نزدیک به «تِپوَح» عبری و «تُفاح» عربی برای سیب و نامی نزدیک به «تِمْلَه» عبری و «تَمْلَه» عربی برای مورچه داشته‌اند اما در آن زمان با «گوجه» و «شغال» آشنا نشده بودند و عبری‌زبانان بعدها لفظ «آگوانیا» و «تان» و عرب‌زبان‌ها

نیز «طماطم» و «ابن آوی» را برای گوجه و شغال برگزیدند. البته لازم به ذکر است که الفاظ گفته شده صرفاً برای مثال است و چه بسا الفاظی که در عربی و عبری یکسان باشند اما هر دو وام واژه بوده و ربطی به زبان سامی نداشته باشند. برای تقریب به ذهن در این موارد می‌توان زبان سامی مادر را با زبان لاتین مقایسه کرد و گفت همانطور که زبان لاتین از بین رفت و زبان‌های اسپانیولی، پرتغالی، فرانسوی، ایتالیایی و... از آن مشتق شد، زبان سامی نیز از بین رفت و زبان عربی، عبری، کنعانی، فنیقی از آن گرفته شد؛ حال آنکه شاید شباهت عربی و عبری با ملاحظه این که دست‌کم چند هزار سال پیش از سامی مشتق شده‌اند در مقایسه با زبان‌های گرفته شده از لاتینی که قدمتی چند صد ساله دارند بسیار بیشتر باشد.

تأثیر ادبیات عربی

در طول تاریخ، ادبیات عرب تأثیر شگرفی بر زبان عبری و عبری‌زبانان گذاشته است به گونه‌ای که می‌توان بسیاری از علمای عبری‌زبان را نام برد که در زمینه‌های گوناگونی به عربی کتاب نوشته‌اند که از میان آن‌ها می‌توان به «موسی ابن میمون» و «اسماعیل بن نغریله» اشاره کرد. در این میان بعضی از علمای یهود به طور مشخص با تأثیر گرفتن از ادبیات عرب، ادبیات عبری را رو به جلو بردند. برای مثال «یحیی بن سلیمان حریزی» برای نخستین بار در سده دوازدهم میلادی، تالیفاتی را به زبان عبری نوشت. «سعید بن یوسف فیومی» نیز بر اساس روش سیبویه در نحو عربی، دستور زبان عبری را نوشت. «مروان ابن جناح» در قرن یازدهم میلادی بر اساس نظریات بصری‌ها، لُمع را در قواعد زبان عبری نوشت. همچنین، «دونش بن لبرط» عروض عربی را به درون ادبیات عبری برد. یحیی بن داود حیوج» را می‌توان اولین عالم نحوی در بین عبری‌زبانان دانست. او در سده دهم میلادی با تأثیر از نظریه قیاس سیبویه، کتاب «نقطه‌گذاری» را نوشت که در آن مباحثی درباره ریشه‌شناسی، ادغام، مجرد، مزید، اضافه و حروف حلق را آورده بود و ادعا می‌کرد که اشتقاق کلمات عبری مانند عربی از ریشه‌های سه حرفی است.

حروف اصلی و زاید مشترک

صیغه‌های مختلف اسماء بر وزن عربی و عبری، تصریف افعال و تقسیم آن‌ها به مجرد، مزید لازم و متعدی، افعال متعدی بنفسه و متعدی بغيره
واو عطف، اضافه لفظی و معنوی، ادغام، تثنیه و جمع، تقدیم و تأخیر، أدوات استفهام، معرفه و نکره، تذکیر و تأنیث و...

فرهنگستان زبان عبری

اليعاذر بن يهودا و فرهنگستانی که او تأسیس کرد، بر این باور بودند که برای ساخت الفاظ عبری جدید، باید از دیگر زبان‌های هم‌خانواده سامی مخصوصاً عربی کمک گرفت. زبان عربی برای فرهنگستان عبری، به عنوان منبع واژگان و ریشه کلمات بود و سعی می‌کردند با الگویی مشخص، با نظر به واژگان عربی، واژگان عبری جدیدی بسازند. البته اليعاذر معتقد بود که کلمات عربی نباید مستقیماً وارد عبری بشوند بلکه ابتدا باید شکل آن‌ها تغییر و بعد وارد شوند. مثلاً اليعاذر کلمه «أديو» به معنی «ادیب» و «عِشْمِي» به معنی «رسمی» را از عربی وام گرفت.

تأثیرپذیری گویشوران از عرب زبانان

علاوه بر مواردی که در فرهنگستان به صورت مستقل از عربی وارد عبری شده است، بعضی از الفاظ نیز در زندگی روزمره و بدون دخالت فرهنگستان وارد عبری شد. در واقع این کلمات را عبری‌زبانان از عرب‌هایی که با آنان ارتباط دارند یا از رسانه‌های جمعی گرفته‌اند که بیشتر الفاظ عامیانه‌ای است که در گفتگوهای روزمره کاربرد داشتند، می‌باشد.

این الفاظ بر خلاف الفاظ مصوب فرهنگستان، بدون برنامه ریزی و توسط گویشوران وارد شدند مانند بسیاری از الفاظ عربی که امروزه در زبان فارسی از آن‌ها استفاده می‌کنیم. به عنوان مثال «سبابا» به معنی جالب از «صبابه»، «فدیخا» به معنی رسوایی از «فضیحه»، «دیغ بالک» به معنی مراقب باش از «دیر بالک»، «اخلا» به معنی عالی از «احلی»، «مبسوط» به معنی خوشحال از «مبسوط»، و

حروف الفبای زبان عبری به همراه مثال

۱_ **א (آلف):** آ آ_ אֵל_ אֱמֶת_ אוֹכֵל_ אָבִא_ סָבֵא_ לֵמָּה

۲_ **ב (بت):** ב_ בֵּנֶק_ תֵּבֶר_ בִּירָה_ בּוֹסֶטוֹן_ רִבִּים_ בֶּן

۳_ **ג (گیمل):** ג_ גִּמְלָה_ לֵגוֹר_ גִּרְמָנִיָּה_ אֲנִגְלִיָּה_ רִגָּע

۴_ **ד (دالت):** ד_ דּוֹלֶפִּין_ יֵלֵד_ יִלְדָּה_ דּוֹקטוֹר_ עוֹד

۵_ **ה (ه):** ה_ הָר_ הוּא_ אוֹנִיבֶרְסִיטֶה_ הָרְבֵּה_ קֹהֵלָה

۶_ **ו (واو):** ו_ אוֹוִזִים_ לוֹ_ יוֹם_ לִימּוֹן_ תֵּבֶר_ חוֹשֵׁב

۷_ **ז (زین):** ז_ לִיזְכוֹר_ לְזוֹז_ זֶמֶר_ זֶמָן_ עֶזְרָךְ

۸_ **ח (حت خت):** ח_ חֵיִם_ חוֹפְשִׁי_ חֶדֶר

۹_ **ט (طت):** ט_ טָרִי_ סֶלֶט_ נִשְׁבֵּט_ מִלֶּפּוֹן_ טַעַם_ מִיֶּסֶה

۱۰_ **י (یود):** י_ יֵד_ יוֹנָה_ נְעִלִים_ מִי_ הֵיא_ אִמִּי

۱۱_ **ד** (کاف، خاف): **כ** לכתוב_ כתבה_ כן_ כאב

۱۲_ **ל** (لامد): **ל** לישון_ לי_ קוקהקולה_ אין

۱۳_ **מ** (میم): **מ** להמשיך_ ממנשלה_ מך_ יום_ שלום

۱۴_ **נ** (نون): **נ** נהג_ לנהוג_ רוני_ נגד_ נבחן_ נבי

۱۵_ **ס** (سامخ): **ס** סוס_ ספר_ אוטوبوس_ סול_ ספתה

۱۶_ **ע** (עین): **ע** ענבים_ עוד_ עוגה_ נעים_ מוד_ עם

۱۷_ **פ** (פ، ف): **פ** פרחים_ פיצה_ איפה

۱۸_ **צ** (صادی): **צ** צרעה_ עץ_ צעיר

۱۹_ **ק** (قوف): **ק** קר_ שוקולד_ אמריקה_ קנדה

۲۰_ **ר** (رش): **ר** رنש_ לرون_ רדיו_ יגבר_ رון

۲۱_ ש (شین، سین): ש ש נָשָׁם_שִׁבַּת_שִׁמְשׁ

۲۲_ ת (تاو): ת תָּמָר_תְּרַגִּיל_תֵּל אָבִיב_תוֹרָה

سیر تحول خط ها در زبان عبری

مقدم تر از همه خط هیروگلیف مصری است. و سپس خط و زبان سینایی ابتدائی. زبان فنیقی. خط آرامی. و در نهایت خط و زبان عبری.

انواع خط های عبری

۱. خط پالئو (Paleo)

که شبیه به خط فنیقی هست.

۲. خط استاندارد (Square)

که شبیه به خط آرامی است. و آنچه امروزه استفاده می‌شود، خط استاندارد است.

انواع کتابت خط عبری استاندارد

۱. کتابی: رسمی است و همه جا یکسان است و امروزه در کتاب‌ها و سایت‌ها و ...

می‌بینیم.

۲. دست خطی: غیر رسمی است و بنا بر زمان و مکان تغییر می‌کند.

اطلاعات اولیه درباره الفبای عبری

الف: از دسته حروف ابجد است که دو خاصیت دارند:

ب: در آنها حروف اصل است و حرکت حذف می‌شود.

ج: حروف ارزش عددی دارند و از راست به چپ نوشته می‌شود.

از این بین، شش حرف نقطه دار یا داگش‌دار هستند که به نام حروف بِگْدِکِفِت

شناخته می‌شوند. از بین این شش حرف نقطه دار، صدای چهار تایشان در حالت با

نقطه یا بی نقطه تغییر می‌کند.

حرکت گذاری در زبان عبری

حرکت گذاری در زبان عبری دقیقاً مشابه زبان فارسی است. به این ترتیب که

ابتدای یادگیری زبان، از حرکتها استفاده می‌شود، اما کم‌کم حرکت حذف و تنها

حروف باقی می‌ماند. از آنجا که حرکت‌ها در زبان عبری، بیشتر با نقطه (نِکودا یا نیکود گذاری) نشان داده می‌شوند، به این روند، نقطه گذاری گفته می‌شود و متن‌های حرکت دار، متن نقطه دار یا مَنوکاد نامیده می‌شوند.

توضیحات تکمیلی درباره حرکات و حروف زبان عبری

حرکت کاماتص (ֶ) است که صدای آ می‌باشد. این صدا، زیر حروف عبری قرار می‌گیرد. در صفحه کلید^۱ کامپیوتر یا گوشی و لپ تاپ، می‌توانید با فشردن طولانی کلید ֶ، کاماتص را بنویسید. ֶ ابتدای کلمه کاماتص است.

حرکت پֶتֵח (ִ) است که صدای فتحه (ִ) دارد. این صدا زیر حروف عبری قرار می‌گیرد. در صفحه کلید جی‌برد Gboard می‌توانید با فشردن طولانی کلید ִ ، پֶتֵח را بنویسید.

حرکت خَلام

חֹלָם (holam or kholam)

یکی از حرکت‌های الفبای عبری، معادل ضمه (ֹ) فارسی است. خلام به دو صورت نوشته می‌شود.

۱. نقطه‌ای بالای سمت چپ هر حرفی از حروف الفبا. که در این صورت اُی کوتاه یا خلام خاسر گفته می‌شود.

۲. نقطه‌ای روی حرف واو (ו) که در این صورت، واو صدای خود را از دست داده و حکم پایه برای ֹ پیدا می‌کند. به این اُ، اُی بلند یا خلام ماله گفته می‌شود. امروزه، برای راحت‌تر خوانده شدن متن‌های بدون نیکود (بدون نقطه‌گذاری)، بیشتر کلماتی که خلام خاسر دارند را با خلام ماله می‌نویسند. مثل: ֶֶֹ <= ֶֶֶ

برای نوشتن خلام در صفحه کلید جی‌برد، می‌توانید حرف ֶ را طولانی مدت نگه دارید. حرکتی که سمت چپ پنجره باز شده نشان داده می‌شود، خلام است. اگر خود

حرف واو را هم طولانی مدت نگه دارید، حرکتی که سمت چپ نمایش داده می‌شود، خلام ماله است.

حرکت شروک (ַ)

שורוק (Shuruk)

یکی از حرکت‌های الفبای عبری است، معادل او که به صورت نقطه‌ای در دل واو نوشته می‌شود. در این صورت، واو صدایش را از دست داده و تنها صدای او می‌دهد. برای نوشتن شروک در صفحه کلید جی‌برد، می‌توانید بعد از نوشتن واو (ַ)، حرف 7 را طولانی مدت فشار دهید. این همان نقطه داگش است، اما وقتی در دل واو قرار گیرد، با هم شروک را تشکیل می‌دهند.

اگر خود حرف واو را هم طولانی مدت نگه دارید، حرکتی که سمت راست نمایش داده می‌شود، شروک است.

حرکت خیریک (ֿ)

חיריק (khirík, hiriq)

یکی از حرکت‌های الفبای عبری و معادل ای فارسی است. خیریک به دو صورت نوشته می‌شود.

۱. تک نقطه‌ای زیر هر حرفی از حروف الفبا که به آن خیریک خاسر گفته می‌شود و به صورت ای کوتاه، گاه نزدیک به — تلفظ می‌شود.

חיריק חסר (khirík khaser, hiriq haser)

۲. تک نقطه‌ای زیر هر حرفی از حروف الفبا که بعد از آن هم حرف یُد بیاید. در این صورت صدای ای کشیده می‌دهد و به آن خیریک ماله (ֿֿ) گفته می‌شود.

חיריק מלא (khirík male, hiriq male)

امروزه، برای راحت‌تر خوانده شدن متن‌های بدون نیکود (بدون نقطه‌گذاری)، بیشتر کلماتی که خیریک خاسر دارند را با خیریک ماله می‌نویسند. مثل

כֶּתֶה <= כִּיתָה

برای نوشتن خیریک در صفحه کلید جی‌برد، می‌توانید حرف 7 را طولانی مدت نگه دارید. صدایی که سمت راست پنجره باز شده نشان داده می‌شود، خیریک است.

حرکت شوا یا شوا (پ)

שׁוּא \ שְׁוָא (sh'va_shěwa)

شوا دو نقطه زیر هم است که زیر حروف قرار می‌گیرد. هرچند شوا، حرکت محسوب نمی‌شود، اما در ذیل نیکودها بیان می‌شود.

دو نوع شوا داریم:

۱. شوا ناع یا شوا متحرک

שְׁוָא נָע (shva na', mobile shva)

شوايي که زیر حرف اول کلمه می‌آید و کمی به سمت — تلفظ می‌شود.

۲. شوا ناخ یا شوا ساکن

שְׁוָא נָח (shva nach, resting shva)

شوايي که زیر حروف وسط کلمه می‌آید و حکم ساکن دارد و با علامت (Ø) هم نشان داده می‌شود. اگر وسط کلمه‌ای دو شوا پشت سر هم بیاید، شواي اول ناخ، و دومی ناع می‌شود. هیچگاه دو شوا ابتدای کلمه با هم نمی‌آیند، اگر بیایند، طبق قاعده تغییر می‌کنند. برای نوشتن شوا در صفحه کلید جی‌برد، می‌توانید حرف װ را طولانی مدت نگه دارید.

حرکت سه‌گل (پ)

סֶגוֹל یا סֶגוֹל (Segol)

از حرکت‌های الفبای عبری و معادل کسره کوتاه (ـِ) در زبان فارسی است. فرق سه‌گل با تصره (ـِ) در کوتاه‌تر تلفظ شدن است. برای نوشتن سه‌گل در صفحه کلید جی‌برد، می‌توانید حرف ס را طولانی مدت نگه دارید.

حرکت کوبوتص (پ)

קִבּוּץ (Kubutz or Kibbutz)

از حرکت‌های الفبای عبری و معادل او در زبان فارسی است. کوبوتص اوی کوتاه است. فرق کوبوتص با شروک در کوتاه‌تر تلفظ شدن است. برای نوشتن کوبوتص در صفحه کلید جی‌برد، می‌توانید حرف ק را طولانی مدت نگه دارید. در پنجره باز شده، اولین علامت از سمت راست، کوبوتص است.

علامت داگش

داگش نه حرف است و نه حرکت، اما معمولا در کنار حرکتها به آن اشاره می‌شود. داگش، همان نقطه‌ای است که هنگام آموزش بت، گیمِل و دالت با آن آشنا شدیم. دو نوع داگش داریم:

۱. داگش کل یا ساده: این داگش، نقطه‌ای است که بود و نبودش در دل حروف، بر صدای آنها اثر می‌گذارد. مثل بت (ב) که بدون داگش وت (בּ) می‌شود. این داگش، فقط برای حروفی است که در اصل خودشان داگش‌دار هستند؛ یعنی همان حروف **בְּ** گِدِکِفِت.

۲. داگش خازاک یا قوی: این داگش شبیه تشدید عمل می‌کند و حرف را مشدد می‌سازد. این داگش در دل برخی حروف غیرداگش‌دار هم مینشیند و آنها را مشدد می‌سازد.

حروفی مانند بت و گیمِل که داگش‌دار هستند، چنانچه ابتدای کلمه یا هجا باشند معمولا داگش می‌گیرند. اما اگر بین هجا یا آخر کلمه باشند، داگش نمی‌گیرند. دسته‌ای از حروف که به نام حروف حلقی شناخته می‌شوند، تحت هیچ شرایطی داگش نمی‌گیرند. در صفحه کلید جی‌برد می‌توانید با فشردن طولانی کلید 7، داگش را بنویسید.

چند مثال؛

בָּ (با) به معنی آمد

בָּבָא (آبا) به معنی بابا.

این کلمه برای بزرگان دینی هم به کار می‌رود، مانند آبا ماری، از شاگردان ابن میمون.

אָב (آو) هم به معنی آب و هم به معنی پدر. پنجمین و دردناک ترین ماه تقویم عبری است. تخریب معبد اول و دوم، هر دو در نهم این ماه صورت گرفته است. **גָּג** (گگ) به معنی پشت‌بام.

طبق آموزشی که از داگش داشتیم، گیمِل اولی، چون ابتدای کلمه است، داگش گرفته، اما گیمِل دوم، نه اول کلمه است، نه اول هجا. پس داگش ندارد.

לֵב (گُو) به معنی پشت، پشت سر

נָאֵק (داآگ) به معنی نگران شد

הָאָו (ها-آو) به معنی پدر که با حرف تعریف، معرفه شده است.

دو جمله جهت مثال:

בָּאָבָא. یعنی (بابا آمد)

הָאָו נָאֵק. یعنی (پدر نگران شد)

تَصֵרֶה ()

צִירִי یا צִירָה

Tzere (Tsere, Tzeirei, Zere, Zeire, Şērê)

از جمله حرکت‌های الفبای عبری است که معادل کسره (ـِ) فارسی است و کمی بلند تلفظ می‌شود، اما به ای نمی‌رسد. برای نوشتن آن در صفحه کلید جی‌برد می‌توانید از فشردن طولانی کلید لا استفاده کنید.

انواع متون عبری

در زبان عبری امروز، سه نوع متن استفاده می‌شود:

۱. کُتیو خاسِر نیکود (متن بدون نقطه)

Ktiv hasar (missing spelling)

متنی که نقطه گذاری ندارد. همانطور که در تعریف دوره های زبان عبری گفتیم، در دوره اولیه، نقطه گذاری نداشتیم. به این ترتیب، متن‌های اصیلی چون تورات، جزء این متن‌ها شمرده می‌شوند و آن طوماری که در کنیسه‌ها خوانده می‌شود، نقطه گذاری ندارد. امروزه، هنوز هم در روزنامه‌ها و کتاب‌ها معمولاً از این رسم‌الخط استفاده می‌شود.

۲. کُتیو منوکاد (متن نقطه‌گذاری شده)

Ktiv menuqad (dotted spelling or vowelized spelling)

معمولاً متن‌های آموزشی، کودکانه، شعر و متن‌هایی که صحیح خواندنشان مهم است، از این روش استفاده می‌کنند، اما در متن‌های زندگی روزمره معمول نیست.

۳. کُتیو ماله (متن کامل)

Ktiv male (full spelling)

امروزه، برای اینکه متن‌های بدون نقطه، راحت خوانده شود، تغییراتی در رسم‌الخط داده شده و چون این تغییرات سبب بلندتر شدن شکل ظاهری کلمات شده، به این متن‌ها ماله یا کامل می‌گویند. اکثر کتاب‌ها و وبگاه‌های عبری زبان، امروزه از این نوع نوشتار استفاده می‌کنند.

در اینجا به برخی از این تغییرات اشاره می‌کنیم:

(۱) برخی خلام خاسرها تبدیل به خلام ماله می‌شوند:

כָּב <= כּוּב

۲) برخی خیریک خاسرها، تبدیل به خیریک ماله می‌شوند:

כִּתָּהּ = < כִּתָּה

۳) جایی که حرف واو (ו) صدای ו (و نه اُ یا او) می‌دهد، دو واو نوشته می‌شود:

בְּוֹדָאִי = < בְּוֹדָאִי

۴) جایی که حرف یود (י) صدای י (ی نه ای) می‌دهد، دو یود نوشته می‌شود:

בְּנִיָּן = < בְּנִיָּן

طبق این بند (۴)، کلماتی که در حالت مثنی هستند، چون یود حالت مثنی، صدای

י می‌دهد، دو تا نوشته می‌شود.

יָמִים (دو روز) = < יָמִים

اما حالت جمع اینگونه نیست، چون در آنجا، یود صدای ای می‌دهد.

יָמִים = < יָמִים

۵) کاماتص کاطانها تقریبا همه‌جا تبدیل به خلام ماله می‌شوند.

תְּכַנִּית = < תְּכַנִּית

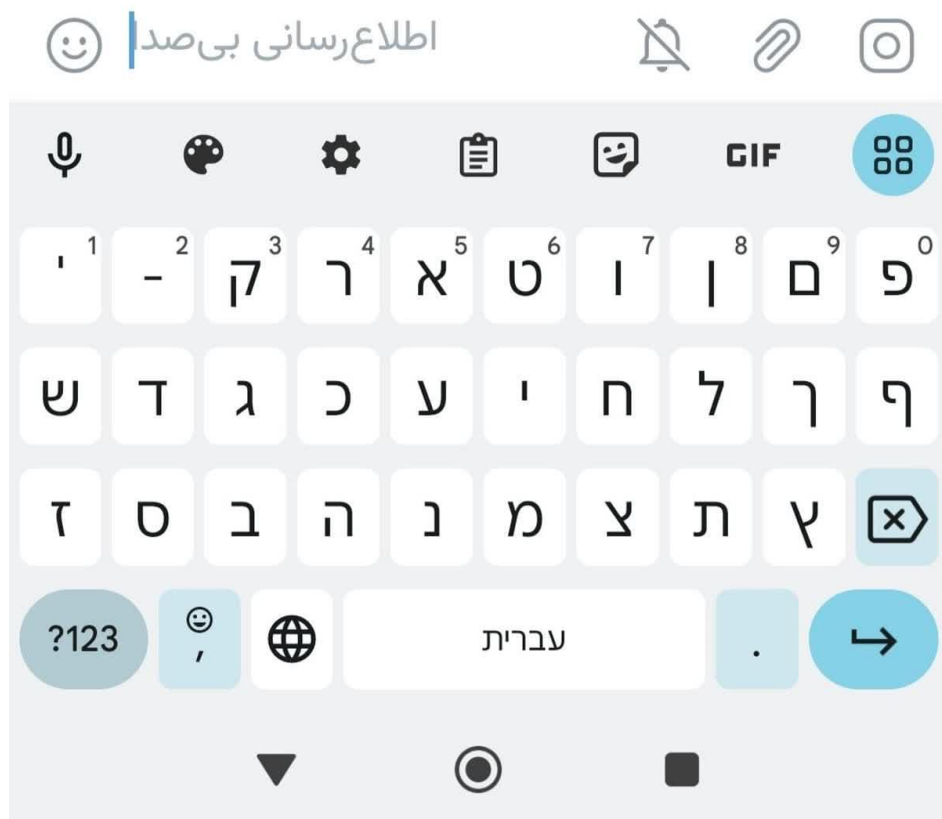
دقت داشته باشید این قوانین همیشگی نیست و برای تمامی کلمات به کار نمی‌رود.

حرکت ها و مثال های آن در یک نگاه:

نام	آ	ا	ا	ئ	او	ا
شکل	ַ	ֿ	ֿ	ֿ	ֿ	ֿ
اصطلاح	کاماتص	پَتَخ	سه گُل	تِصره	خیریک	کوبوتص
א	אָ א	אֵ א	אִ א	אֵ א	אָ א	אִ א
ב	בָּ ב	בֵּ ב	בִּ ב	בֵּ ב	בָּ ב	בִּ ב
ג	גָּ ג	גֵּ ג	גִּ ג	גֵּ ג	גָּ ג	גִּ ג
ד	דָּ ד	דֵּ ד	דִּ ד	דֵּ ד	דָּ ד	דִּ ד
ה	הָ ה	הֵ ה	הִ ה	הֵ ה	הָ ה	הִ ה
ו	וָ ו	וֵ ו	וִ ו	וֵ ו	וָ ו	וִ ו
ז	זָ ז	זֵ ז	זִ ז	זֵ ז	זָ ז	זִ ז
ח	חָ-חַ	חֵ ח	חִ ח	חֵ ח	חָ خ	חִ خ
ט	טָ ט	טֵ ט	טִ ט	טֵ ט	טָ ט	טִ ט

علامت سکون یا ساکن به شکل دو نقطه در زیر هم است که با انتخاب و نگه داشتن حرف ׀ نمایان می شود.

نحوه تایپ حرکات و علامت های زبان عبری در کیبورد گوشی



با انتخاب حرف (پی یا פ) و نگه داشتن آن حرکت پتخ نمایان میشود.
 با انتخاب و نگه داشتن حرف (واو یا ו) حرکات او و ا نمایان میشود.
 با انتخاب و نگه داشتن حرف (کوف-قوف یا ק) حرکات کوبوتص و کاماتص نمایان میشود.
 با انتخاب حرف (خت-حت یا ח) علامت های ئی که یک داگش یا نقطه

است که زیر حروف قرار میگیرد و علامت اُ که به شکل یک نقطه است که بالای حروف قرار میگیرد که صدای اُ را برساند.

با انتخاب و نگه داشتن حرف (دالد یا 7) نقطه ای که داخل برخی حروف داگش دار قرار میگیرد، ظاهر میشود.

با انتخاب و نگه داشتن حرف (سین-شین یا 7a) حرکت سکون و سین شین داگش دار ظاهر میشود..

با انتخاب و نگه داشتن حرف (صدی یا 7b) حرکت تصره نمایان میشود.

با انتخاب و نگه داشتن حرف (سامخ یا 7c) حرکت سه گل ظاهر میگردد.

ممکن است در برخی گوشی ها حرکات و علائم کمی متفاوت باشد.

توضیحات حروف

حرف اول א (آلف)

دقیقاً معادل «آلف» در زبان فارسی است. به خودی خود صدایی ندارد و با صداهایی که رو یا زیر آن گذاشته می‌شود، تلفظ می‌گردد. اگر صدایی نداشته باشد نیز خوانده نمی‌شود. ارزش عددی آلف، ۱ هست.

حرف دوم ב (بت)

صدای آن «ب» هست، با ارزش عددی ۲. بت از جمله حروف نقطه داری است که با برداشتن نقطه، صدای آن عوض می‌شود. به این ترتیب بت بدون نقطه، ב (وت) خوانده می‌شود، با صدای و (V). اما وت دیگر ارزش عددی خاصی ندارد و در شمارش حروف الفبا هم وارد نمی‌شود، بلکه زیر مجموعه بت است.

حرف سوم ג (گیمِل)

صدای آن «گ» هست، با ارزش عددی ۳. گیمِل جزء حروف نقطه دار است، اما امروزه صدای با نقطه یا بی نقطه آن فرقی ندارد. هرچند در لهجه‌های کهن و در لهجه امروز یمنی (تِیمَانِیت) گیمِل با نقطه ג ج و بدون نقطه ג گ تلفظ می‌شود.

حرف چهارم ד (دالت)

صدای آن د هست، با ارزش عددی ۴. دالت جزء حروف نقطه دار است، اما امروزه صدای با نقطه یا بی نقطه آن فرقی ندارد. هرچند در لهجه‌های کهن و در لهجه یمنی (تِیمَانِیت)، دالت با نقطه ד د و دالت بدون نقطه ד (د) تلفظ می‌شود.

حرف پنجم ה (ه یا هی)

صدای آن ه هست، با ارزش عددی ۵.

هی با صدای הֵ (ה) حرف تعریف می‌سازد که ابتدای کلمات می‌آید و آنها را معرفی می‌کند. این حرف تعریف مانند ال در زبان عربی است و به کلمه بعد از خود می‌چسبد. البته ممکن است طبق قواعدی صدای حرف تعریف عوض شود.

حرف ششم ו (واو)

واو گاهی صدای و (V) می‌دهد، اما بیشتر حکم پایه برای حرکت (او) و ا را دارد. به این ترتیب، اگر حرکتی غیر از (او) و ا زیر آن قرار گیرد، صدای و (V) می‌دهد، مثلاً وی، وا، و می‌شود. اما اگر پایه دو حرکت (او) و ا شود، دیگر از خودش صدایی ندارد. ارزش عددی واو، ۶ است.

در متن‌های تاییپی، واو با حرف آخر نون شبیه هم هستند. برای تشخیص آنها باید دقت کنیم که واو کوچک است و بلندایش بین دو خط فرضی است، اما حرف آخر نون، بلند است و از خط زمینه هم پایین‌تر می‌رود. در صفحه کلید هم، واو و شکل پایانی (سُفیت) نون، کنار هم در ردیف بالا هستند. آنی که سمت راست است، نون و سمت چپی، واو است. یهودیان یمن واو را گاه با صدای W تلفظ می‌کنند. امروزه برای اینکه حرف واو با صدای و (V) از حرف واو با صدای (او) و ا باز شناخته شود، معمولاً از دو واو پشت سر هم (וּו) استفاده می‌کنند.

حرف هفتم ז (زین)

زین صدای ز می‌دهد و ارزش عددی آن ۷ است.

حرف هشتم ח (خت یا حت)

بنا به لهجه، صدای آن خ یا ح است، با ارزش عددی ۸. در لهجه میزراخی، سفارادی و یمنی، این حرف، ح تلفظ می‌شود و در لهجه اشکنازی و ییسرائلی، خ.

حرف نهم ט (طت)

طت، صدای ط می‌دهد، با ارزش عددی ۹. برای نوشتن اسم‌های غیرعبری، در صورتیکه ت در آنها باشد، از این حرف استفاده می‌شود. البته زبان‌هایی مثل فارسی

و عربی که هم ط دارند و هم ت، برای نوشتن ت از حرف آخر الفبای عبری که ת (تاو) هست هم می‌توان استفاده کرد.

حرف دهم י (یُد)

یُد، هم صدای ی (Y) می‌دهد و هم می‌تواند پایه صدای (ای) باشد. به این ترتیب، چنانچه صدای خیریک (ای) زیر حرف ماقبل آن قرار بگیرد، حکم پایه دارد و اگر صداهاى دیگر، بالا یا پایین آن قرار گیرند، حکم ی (Y) پیدا می‌کند و با آن صدا خوانده می‌شود. مثلاً ی، یا، و... ارزش عددی آن، ۱۰ است.

حرف یازدهم כ (کاف)

صدای آن ک هست، با ارزش عددی ۲۰. کاف، از جمله حروف داگش‌دار است که با برداشتن داگش، صدای آن عوض می‌شود.

به این ترتیب کاف بدون داگش (כּ) «خاف» خوانده می‌شود و صدای خ دارد. خاف دیگر ارزش عددی ندارد و در شمارش حروف الفبا هم نمی‌آید. کاف، اولین حرف در الفبای عبری است که دارای سُفیت (شکل پایانی) است و به آن «خاف سُفیت» אָפּ گفته می‌شود. از آنجا که طبق قاعده، چنانچه حروف داگش‌دار، اول کلمه، یا اول هجا بیابند، داگش می‌گیرند، سُفیت این حرف چون تنها در پایان کلمه می‌آید، همیشه خاف خوانده می‌شود. گاهی به ندرت، خاف سُفیت با ارزش عددی ۵۰۰ ظاهر می‌شود.

حرف دوازدهم ל (لامد)

لامد صدای ل می‌دهد و ارزش عددی آن، ۳۰ است.

حرف سیزدهم מ (میم)

מ (mem)

مم صدای م می‌دهد و ارزش عددی آن، ۴۰ است. مم دومین حرف الفبای عبری است که شکل پایانی دارد و به آن مم سُفیت מְ گفته می‌شود.

מֶם סוֹפִית (mem sofit, final mem)

حرف چهاردهم נ (نون)

נ (nun)

نون صدای ن می‌دهد و ارزش عددی آن ۵۰ است. نون سومین حرف الفبای عبری است که شکل پایانی دارد و به آن نون سُفیت ַ گفته می‌شود.

(noon sofit, final noon) (נוֹן סוֹפִית)

حرف پانزدهم «ס» (سامخ)

סָמֶךְ (samekh)

سامخ صدای س می‌دهد و ارزش عددی آن ۶۰ است. معمولاً برای نوشتن ث از این حرف استفاده می‌شود. برای برگردان اسم‌های غیرعبری که س دارند هم از این حرف استفاده می‌شود.

حرف شانزدهم לָ (عَین)

לַיִן (ayin)

عین مانند آلف از خودش صدایی ندارد و با توجه به صداهایی که بالا و پائینش قرار گیرد، تلفظ می‌شود. از قدیم، بین تلفظ عین به صورت حلقی یا غیرحلقی در مکتب‌ها و لهجه‌ها اختلاف بود. از همان اوایل سال‌های میلادی که دو مکتب بزرگ هیلل^۱ و شمای را داشتیم، این اختلاف بوده، تا امروز که یهودیان در سراسر دنیا پراکنده‌اند. امروزه لهجه‌هایی همچون سفارادی و یمنی آن را حلقی تلفظ می‌کنند.

حرف هفدهم פֶּ (پ)

פֵּי (pei or pey)

صدای آن پ هست، با ارزش عددی ۸۰.

پ، از جمله حروف داگش‌دار است که با برداشتن داگش، صدای آن عوض می‌شود. به این ترتیب پ بدون داگش פֶּ (ف) خوانده می‌شود و صدای ف دارد. ف دیگر ارزش عددی ندارد و در شمارش حروف الفبا هم نمی‌آید. پ، چهارمین حرف در الفبای عبری

۱ - هیلل (عبری: הלל) از دانشمندان و رهبران مذهبی یهودی (زاده نزدیک به سال ۱۱۰ پیش از میلاد، درگذشته در سال ۱۰ میلادی) و از شخصیت‌های تأثیرگذار در تاریخ دین یهود بود. او بنیانگذار بیت هیلل (בית הלל) در بود. هیلل در بابل زاده شده بود و نسبش از سوی پدر به طایفه بنیامین و از سوی مادر به خاندان داوود می‌رسید. بر اساس میشنا، هیلل بابل را ترک گفت تا در نزد شمعی و اوطلیون در اورشلیم تورات را بیاموزد. سرانجام وی به عنوان رئیس سنهدرین برگزیده شد و چهل سال در این مقام باقی ماند. فرزندان هیلل تا چندین سال رهبری قوم یهود را برعهده داشتند. هیلل در زمان تولد عیسی مسیح کاهن اعظم معبد سلیمان بود.

است که دارای سُفیت (شکل پایانی) است و به آن «ف سُفیت» ֆ گفته می‌شود. از آنجا که طبق قاعده، چنانچه حروف داگش‌دار، اول کلمه، یا اول هجا بیایند، داگش می‌گیرند، سُفیت این حرف چون تنها در پایان کلمه می‌آید، همیشه ف خوانده می‌شود. حرف هجدهم ֆ (تصادی)

ֆֿ یا ֆֿֿ (sadhe, tsadi, tzaddik)

صدای آن تص هست، با ارزش عددی ۹۰. لهجه اشکنازی تصادی را تزد تلفظ می‌کند که صدای تز دارد. تصادی، پنجمین و آخرین حرف در الفبای عبری است که دارای سُفیت (شکل پایانی) است و به آن «تصادی سُفیت» ֿ گفته می‌شود. حرف نوزدهم ֿ (کُف)

ֿֿ (Qoph or Qop or kuf)

کف بسته به نوع لهجه، صدای ک یا ق می‌دهد و ارزش عددی آن، ۱۰۰ است. کف در لهجه یمنی و میزراحی، قُف نامیده می‌شود و صدای ق دارد. بقیه لهجه‌ها همان ک تلفظ می‌کنند. اگر بخواهیم کلمه‌ای را از زبان‌های غیرعبری، به عبری بنویسیم، چنانچه دارای ق باشد، از ֿ استفاده می‌شود و بسته به نوع لهجه عبری، آن را ق یا ک تلفظ می‌کنیم. مثلاً:

قم به صورت ֿֿ نوشته می‌شود. حال اگر با لهجه میزراحی آن را بخوانیم، می‌شود: قم. و چنانچه با لهجه سفارادی بخوانیم، می‌شود: کُم.

حرف بیستم ֿ (رِش)

ֿֿ (Resh)

رش، صدای ر می‌دهد، با ارزش عددی ۲۰۰. اغلب در لهجه‌های ییسرائلی و اشکنازی و گاه سفارادی رش را غِش می‌نامند و غ تلفظ می‌کنند. در صورت انتخاب تلفظ غ، حلقی گفتن آن الزامی است، در غیر این صورت، با ق و ֿ اشتباه می‌شود. این حرف برای نوشتن غ عبری یا فارسی به کار نمی‌رود و صرفاً برای حرف ر هست.

حرف بیست و یکم ֿ (شین)

ֿֿֿ (Shin or šin or Sheen)

شین، صدای ش می‌دهد و ارزش عددی آن ۳۰۰ است. نقطه روی شین، داگش نیست و صرفاً نقطه خود شین است. پس قوانین داگش بر آن حاکم نیست. چنانچه نقطه بالای شین، از سمت راست، به سمت چپ برود، این حرف، سین لا خوانده می‌شود و صدای س دارد. שׂין (Sin) سین در شمار حروف الفبا نمی‌آید.

حرف بیست و دوم פ (تاو)

פ (Tav)

تاو، صدای ت می‌دهد و ارزش عددی آن ۴۰۰ است. تاو آخرین حرف داگش‌دار است، اما با برداشتن داگش، صدایش تغییری نمی‌کند. در گذشته، تاو داگش‌دار تلفظ می‌شد. امروزه هم یمنی‌ها و گاه اشکنازی‌ها آن را ت تلفظ می‌کنند، بنابراین گاهی در نویسه‌گردانی آن را به صورت th می‌بینیم.

دسته‌بندی حروف بر مبنای مخارجشان

حلقی: א, ב, ג, ד, لا, (ה)

۱. شوا پذیر نیستند، جز در موارد استثنا.

۲. تحت هیچ شرایطی داگش نمی‌گیرند.

لبی: ו, ז, ט

کامی: י, כ, ק

زبانی: פ, צ, ל, נ, ס

دندانی: ע, ש, ז, (ח)

حرکت‌های مسروقه

از آنجا که چهار حرف א, ב, ג, ד, لا به همراه ו, معمولاً شوا نمی‌گیرند، در صورتی که طبق وزن یا مکان کلمه، این حروف ناچار به گرفتن شوا شوند، برای راحت‌تر تلفظ شدنشان معمولاً حرکت مسروقه می‌گیرند.

حرکت‌های مسروقه شامل سه حرکت است:

۱. خطف پتخ (ֿ) با صدای فتحه کوتاه؛

۲. خطف سه‌گل (ֿֿֿ) با صدای کسره کوتاه؛

۳. خطف کاماتص (ֿֿֿֿ) با صدای ضمه کوتاه.

این حرکتها با توجه به حرکت‌های قبل و بعد معین می‌شوند.

نکته: حرکت‌های مسروقه مختص حروف حلقی است و بسیار به‌ندرت پیش می‌آید که ذیل حروف دیگر قرار گیرند.

حرکتها در الفبای عبری یا سیستم نیکود (ניקוד or niqqud)

حرکتها در الفبای عبری به سه دسته کوتاه، بلند و مسروقه تقسیم می‌شوند.
حرکت‌های کوتاه عبارت‌اند از:

۱. پَتَخ یا پَتَح

פֶּתַח (پ)

((Pataḥ

با صدای —

۲. خیریک خاسر

חִירִיק חָסֵר (ب)

((ḥiriq haser, deficient ḥiriq)

با صدای ای کوتاه

۳. سه‌گُل

סֶגוֹל یا סְגוּל (پ)

((Segol

با صدای — کوتاه

۴. کوبوتص یا کیبوتص

קִבּוּץ یا קִבּוּץ (پ)

((Kubutz or qibbûṣ)

با صدای اوای کوتاه

۵. کاماتص کاطان

קָמָץ קָטָן (پ)

((Qamatz Qaṭan or small qamatz)

با صدای — (در شرایط خاصی، علامت کاماتص که صدای آ دارد، — تلفظ می‌شود).

حرکت‌های بلند

۱. کاماتص

קָמָץ (پ)

(Kamatz or qamatz)

با صدای آ

۲. خیریک ماله

חִירִיק מָלֵא (بی)

(ḥiriq male or full ḥiriq)

با صدای ای بلند

۳. تُصِرِه

צִירִי یا צִרִי (پی)

(Tzere Tsere, Tzeirei, Zere, Zeire, Şērê)

با صدای — بلند

۴. شروک

שׁוּרוּק (و)

(Shuruk)

با صدای اوی بلند

۵. خُلام خاسِر

חֹלֶם חָסֵר (ـ)

(ḥōlem haser, deficient ḥōlem)

با صدای — کوتاه

۶. خُلام ماله

חֹלֶם מָלֵא (و)

(ḥōlem male or full ḥōlem)

با صدای — بلند

حرکتهای کوتاه

۱. خَطَفَ پَتَخ

חָטָף פָּתַח (پ)

(ḥaṭaf pataḥ or Reduced Ḥaṭaf)

با صدای — کوتاه

۲. خَطَف سه‌گل

חָטָף סֶגוֹל (پ)

(Ḥaṭaf Segol or Reduced Segol)

با صدای — کوتاه

۳. خَطَف کاماتص

חָטָף קָמֶץ (پ)

(Ḥaṭaf Qamatz or Reduced qamatz)

با صدای — کوتاه

علامت‌های دیگری هم هستند در سیستم نیکود که صدا و حرکت نیستند، اما نیکود محسوب می‌شوند.

شوا

שְׁוָא (ب)

Shva or shēwa

۱. شوا ناع یا شوای متحرک שְׁוָא נָע

(shva na', mobile shva)

شوایی که کمی به سمت — تلفظ می‌شود.

۲. شوا ناخ یا شوای ساکن שְׁוָא נָח

(shva nach, resting shva)

حکم — دارد.

علامت داگش

דָּגֶשׁ (.)

(dagesh)

۱. داگش کل یا داگش ضعیف / سبک דָּגֶשׁ קָל

(dagesh kal or dagesh qal or weak/light dagesh)

صدای حرف را تغییر می‌دهد.

۲. داگش خازاک یا داگش قوی یا مشددکننده דַּגֵּשׁ חָזָק

Dagesh ḥazak or dagesh ḥazaq or strong dot or
(gemination dagesh)

حرف را مشدد می‌سازد.

تعریف کامل تمامی نیکودها قبلا در معرفی خودشان آمده است.

پتخ گُنوا یا فتحه مستعاره

פְּתַח גְּנוּבָה

(pataḥ gnuva, furtive pataḥ, stolen pataḥ)

هنگامی که یکی از سه حرف א, ט, י یا ל در پایان کلمه بیاید و قبلش صدای بلند آمده باشد، این سه حرف، پتخ می‌گیرند که به آن پتخ گنوا گفته می‌شود. در این صورت، برخلاف همیشه که ابتدا حرف خوانده می‌شود، بعد صدا، در اینجا ابتدا پتخ خوانده می‌شود، بعد حرف.

مثال:

גְּבוּאָה : گاواَه (بلند) gavao(h)

תְּפוּאֵחַ : تپواخ (سیب) tapuach

נֹסֵעַ : نُسِاع (سفر می‌رود) nosea

چگونگی ترکیب کلمات

عبری نیز همانند فارسی از سمت راست به چپ نوشته میشود. و مثل عربی اعراب میگیرد، یعنی مثل زبان ترکی استانبولی یا کردی سورانی نیست که هر چیزی که خوانده می‌شود، نوشته شود. حروف به دو قسمت صدا دار و بی صدا تقسیم می‌شوند. حروف بی صدا با استفاده از حروف باصدا و یا اعراب حروف که در بالا و یا کنار آن قرار می‌گیرند، دارای صدا می‌شوند.

حروفی که در زبان عبری وجود ندارد، نام و شماره عددی آنها طبق لیست زیر است؛

حروف عبری	ו'	ז'	ח'	ט'	י'	כ'	ל'	מ'
حروف فارسی	ظ	ج	ذ	ز	غ	ض	چ	ث
اعداد ابجد	۹	۳	۴	۷	۳ یا (۷۰)	۹۰	۳ یا (۹۰)	۴۰۰

نکات ضروری؛

- ۱_ کلمات عبری نیز مانند عربی مذکر و مؤنث بوده و دارای اِعراب (أَ اُ) هستند. و شکل اِعراب آن را می‌توان در تورات دید.
- ۲_ کلمات مذکر با (...ם) "ایم" و کلمات مؤنث با (...ת) "اوت" جمع بسته میشوند.
- ۳_ در جمله سازی زبان عبری برخلاف فارسی، فعل در ابتدای جمله قرار می‌گیرد.
- ۴_ در زبان عبری برای مخاطب، دوم شخص مفرد (تو) به کار برده میشود و نه لفظ شما.
- ۵_ در مواردی که بخواهند شخصیت بزرگی را مورد احترام قرار دهند از سوم شخص مفرد استفاده می‌نمایند.
- ۶_ حرف (ב) "بت" اگر در وسط کلمه قرار گیرد، گاهی صدای (و) میدهد.
- ۷_ حرف (ר) "رش" گاهی اوقات صدای (غ) میدهد.
- ۸_ برخی حروف در زبان عبری به دو شکل کوچک و سوفیت (آخری) نوشته میشوند مانند حرف کاف، خاف (כ کوچک) و (ך سوفیت) یا حرف صدى یا صتى و یا تصدى (צ کوچک) و (ץ سوفیت) یا حرف پى (פ کوچک) و (ף سوفیت) یا حرف نون (נ) کوچک) و (ן سوفیت) یا حرف مِم (מ کوچک) و (ם سوفیت).
- ۹_ برخی حروف در زبان عبری، بدون اینکه حرف جدا برای کوچک و یا سوفیت داشته باشند، به دو شکل نوشته می‌شوند. مانند؛ حرف سامِخ (ס شبیه اُنْگلیسی) و (ס سامخ عبری) یا حرف یود، شبیه واو کوچک (ו) و شبیه الف کوچک که در دستور زبان فارسی، بر روی (ی) قرار می‌گیرد (مثل موسی') (') یا حرف واو که یا به شکل آی انگلیسی نوشته میشود (I) یا به این شکل در عبری (ו)

۱۰. حرف هی یا ه (ה) اگر در آخر کلمات بیاید، اکثر مواقع صدای (آ) میدهد. گاهی هم به دلیل شنیداری بودن، صدای (ی) و (و) میدهد.
۱۱. حرف سین، شین (ש) اگر نقطه طرف راست آن باشد صدای (شین) و اگر طرف چپ باشد صدای (سین) میدهد.
۱۲. به حروف مشدد در زبان عبری (דגש) می‌گویند. (שגשג)
۱۳. به حروف و یا کلماتی که از بیرون به زبان عبری ملحق شده باشند و با کمی تغییر در اعراب در این زبان به وجود می‌آیند لوعزی (לועזי) می‌گویند.
- مانند حروف (چ، ژ، ث) و کلماتی جدید که اکثراً از زبان انگلیسی وارد عبری شده اند که عبارتند از: טלפון یا דוקטור یا אוניברסיטה و ...
۱۴. زبان عبری یک زبان مقدس به شمار می‌رود که برخی از آرتدوکس ها از آن تنها در عبادت و دعا استفاده می‌کنند.
۱۵. عبری در ابتدا زبان کتاب مقدس بود و بعد از ۲۰۰۰ سال دوباره مورد استفاده قرار گرفت. امروزه به عنوان زبان مدرن (عبری مدرن) توسط ۲۵ الی ۲۷ میلیون نفر مورد استفاده قرار می‌گیرد.
۱۶. الفبای عبری ابجد می‌باشد، یک سیستم نوشتاری که به خواننده امکان می‌دهد تا حروف صدا دار مناسب را به کار ببرد. عبری حروف صدا دار ولی مشخص نشده اند و شما باید بدانید که هر کلمه چگونه تلفظ میشود.
۱۷. درحالی که کلمه bible از زبان یونانی آمده، بسیاری از کلمات عبری داخل کتاب مقدس از زبان انگلیسی آمده اند.
۱۸. زبان عبری بسیار نزدیک به زبان عربی است، چون هر دوی آنها زبان سامی هستند. اگرچه نوشتار آنها با یکدیگر متفاوت است ولی سیستم گرامر یکسان و کلمات مشابه زیادی دارند.
۱۹. بسیاری از کلمات عربی، توسط گویشگران عبری در زبان عامیانه مورد استفاده قرار می‌گیرد.

۲۰. در حرف כ «کاف-خاف» و פ «پ-ف» اگر داگش یا نقطه در داخل حرف قرار گیرد صدای اصلی می‌دهد ولی اگر نقطه نداشته باشد صدای فرعی می‌دهد. به این معنا که در حرف כ اگر در داخل آن نقطه باشد כ صدای ک ولی اگر نباشد صدای خ می‌دهد و همچنین در حرف פ اگر داخل آن نقطه باشد صدای پ ولی اگر نباشد صدای ف می‌دهد. حرف ב نیز از این قاعده مستثنا نیست. اگر نقطه دار باشد صدای ب ولی اگر نقطه نداشته باشد صدای و می‌دهد.

حروف عبری، نام و تلفظ فارسی و همچنین شمارش ابجد

י	ט	ח	ז	ו	ה	ד	ג	ב	א	حروف عبری
ی	ط	ح	ز	و	هـ	د	گ	و	ا	حروف فارسی
יוד	טת	חת	זיין	וואו	ה	דאלט	גימל	וית	אית	نام حروف
۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	اعداد ابجد
ע	ס	א	נ	מ	ל	ק	י	ח	פ	حروف عبری
ع	س	ن	د	م	ل	خ	ح	ک	پ	حروف فارسی
עין	سامיך	نون سوفیت	نون	میم سوفیت	עין	لامד	خاف سوفیت	کاف		نام حروف
۷۰	۶۰	۵۰	۵۰	۴۰	۴۰	۷۰	۳۰	۲۰	۲۰	اعداد ابجد
ת	ש	ש	ר	ק	ץ	צ	ך	פ	ח	حروف عبری
ت	س	ش	ر	ق	ص	ص	ف	ف	ت	حروف فارسی
תאו	סין	شین	ریش	قوف سوفیت	صدی سوفیت	ف سوفیت	פ	ב	תאו	نام حروف
۴۰۰	۳۰۰	۳۰۰	۲۰۰	۱۰۰	۹۰	۹۰	۸۰	۸۰	۴۰۰	اعداد ابجد

حرف	اسم	کتابی	دستخطی
ה	הָ (سوفیت آخر)	הָ	הָ
ו	וּ (نون)	וּ	וּ
ז	זֶ (نون سوفیت آخر)	זֶ	זֶ
ח	חָ (سامخ)	חָ	חָ
ט	טָ (עین)	טָ	טָ
י	יָ (פ)	יָ	יָ
כ	כָ (פ)	כָ	כָ
ל	לָ (פ سوفیت آخر)	לָ	לָ
מ	מָ (صدی)	מָ	מָ
נ	נָ (صدی سوفیت آخر)	נָ	נָ
ס	סָ (قوف)	סָ	סָ
ע	עָ (رش)	עָ	עָ
פ	פָ (شین)	פָ	פָ
צ	צָ (سین)	צָ	צָ
ק	קָ (تاو)	קָ	קָ
ר	רָ (تاو)	רָ	רָ

حرف	اسم	کتابی	دستخطی
א	אָ (آلف)	אָ	אָ
ב	בָ (بت)	בָ	בָ
ג	גָ (وت)	גָ	גָ
ד	דָ (گیمیل)	דָ	דָ
ה	הָ (دالت)	הָ	הָ
ו	וָ (واو)	וָ	וָ
ז	זָ (زین)	זָ	זָ
ח	חָ (حت)	חָ	חָ
ט	טָ (طت)	טָ	טָ
י	יָ (یود)	יָ	יָ
כ	כָ (کاف)	כָ	כָ
ל	לָ (خاف)	לָ	לָ
מ	מָ (خاف سوفیت آخر)	מָ	מָ
נ	נָ (لامد)	נָ	נָ
ס	סָ (میم)	סָ	סָ

حروف عبری و نام فارسی و لاتین

ע	ה	ז	ו	ה	ד	ג	(ב)	ב	א	عبری
ط	خ	ز	و	ه	د	گ	و	ب	ا	فارسی
T	H	Z	V	H	D	G	Y	B	A	لاتین

ס	נ	מ	מ	ל	ך	(כ)	כ	י	עברי	
س	ن	م	م	ل	خ	خ	ک	ی	فارسی	
S	N	N	M	M	L	KH	KH	K	Y	لاتین

ש	ש	ר	ק	ץ	צ	ף	(פ)	פ	ל	عبری
س	ش	ر	ق	ص	ص	ف	ف	پ	ع	فارسی
S	SH	R	K	TS	TS	F	F	P	A	لاتین

اشتراکات دو زبان عبری و عربی

از سال‌ها پیش که در رشته کلام و ادیان ابراهیمی مشغول به تحصیل شدم و می‌خواستم برای تعدادی از علاقمندان تدریس کنم، درمورد زبان عبری و اشتراکات آن با عربی سوالات زیادی داشتند که چون من بلد نبودم جوابی نداشتم و فقط از شنیده‌هایی که در این زمینه بود، جواب میدادم که به اشتراکات زیاد دارند و نمی‌دانستم چطور و به چه شکل...

تا اینکه برای فهمیدن متن اصلی کتب عهدین، به سراغ یادگیری زبان عبری رفتم و کم‌کم متوجه شدم که اشتراکات زیادی بین این دو زبان وجود دارد و تعدادی از اشتراکات رو تصمیم گرفتم در مقدمه کتاب آموزشی، بیاورم.

کلمات مشترک بین عبری و عربی

عبری	تلفظ عبری	عربی	معنی	عبری	تلفظ عبری	عربی	معنی
אֱלֹהִים	اِلَهِه	الله	خدا	אֲנִיחֻנוּ	آنحنو	نחנו	ما
רַחֲמָן	رحمان	رحمن	رحیم - رؤوف	רַחֵם	- خیم	کیم	شما
הַרְחֵם	هارحمان	الرحمن	خدای مهربان	הֵם	هم	هم	آنها
שָׁלוֹם	شالم	سلام	سلام	זְמַן	زمن	زمان	زمان
תּוֹרָה	تورا	توراة	کتاب مقدس تورات	עֵנָו	عناو	عنب	انگور
עֲלֵיכֶם	علیخیم	علیکم	بر شما	מֶלַח	ملخ	ملح	نمک
אָב	او	آب	پدر	זָהָב	ذاهاو	ذهب	طلا
אִם	ام	أم	مادر	זֶג	زوغ	زوج	جفت
אָח	آخ	أخ	برادر	שָׁנָה	شانا	سنة	سال
יוֹם	یوم	يوم	روز	רֹאשׁ	رُش	رأس	سر
לַיִל	لیل	لیل	شب	עֵינִי	عینین	عین	چشم
בֵּן	بن	ابن	پسر	זֵיבַח	زُوح	ذبح	ذبح
יָד	ید	يد	دست	רֶסֶן	رِسن	رسن	طناپ - افسار

פֶּלֶל	پیلپل	فلفل	فلفل	זָאב	زئو	ذئب	مَری
מִטְבָּח	میطباح	مطبخ	آشپزخانه	אָסיר	أسیر	اسیر	زندانی
תַּחַת	تَحَت	تحت	زیر	אָדָם	آدام	آدم	آدم
צִיד	صیاد	صیاد	شکارچی	קָצֵב	قصابو	قصاب	قصاب
עָלָם	عالم	عالم	عالم	אָרְבֵּעַ	أربع	أربع	چهار
טוֹב	طوو	طوبا	خوب	חָמֵשׁ	حامش	خمس	پنج
שׁוּק	شوق	شوق	بازار	מוֹת	موت	موت	مرگ
טֵלֶפֿון	تلفن	تلفن	تلفن	קוֹל	قوَل	قل	گفته - صدا
אֶרֶץ	إِرض	ارض	زمین - کشور	תִּשְׁעָה	تیشعا	تاسوعا	نه
בֶּטֶן	بطن	بطن	شکم	עֶשְׂרֵה	عسارا	عاشورا	ده
שֵׁן	شین	سن	دندان	שִׁבְעַ	شیوع	سبع	هفت
שושן	شوشن	سوسن	سوسن	נֶגֶד	نگار	نجار	نجار
לוּחַ	لوح	لوح	تابلو	סֶרֶסֶן	سرطان	سرطان	سرطان
כִּרּוּב	کروو	کروبی	فرشته	נְבִיא	ناوی	نبی	پیغمبر
כֶּרֶס	کرپس	کرفس	کرفس	נֶדֶר	نذر	نذر	عهد
מָשִׁיחַ	ماشیح	مسیح	مسیح	נֶפֶשׁ	نیفس	نفس	جان
רֶמֶז	رمز	رمز	اشاره	פֶּלֶח	پلاح	فلاح	کشاورز
כוֹכֵב	کوخاو	کوکب	ستاره	כָּל	کُل	کُل	تمام
סְפִינָה	سفینا	سفینه	کشتی	חֵיט	حیاط	خیاط	خیاط
צִדְקָה	صیداقا	صدقه	صدقه	בָּקָר	باقار	بقر	گاو
טַעַם	طعم	طعم	مزه	עוֹלָם	عولام	عالم	دنیا
עֲדָשׁ	عدش	عدس	عدس	רוּחַ	رووح	روح	روح
לֶשׁוֹן	لاشون	لِسان	زبان	עֶבֶד	عود	عبد	بنده - غلام
מַחְסָן	مَحسان	مخزن	انبار-مخزن	צִמְרָה	صیمر	سمر	پشم
יָם	یام	یَم	دریا	דָם	دام	دم	خون
חַנוּת	حانوت	حانوت	دکان	מִפְתָּח	مفتح	مفتاح	کلید
אֲצִיל	اصیل	اصیل	نجیب	פִּיל	پیل	پیل	فیل
עֵדֶן	عیدن	عَدْن	بهشت	צִדִּיק	صَدِیق	صديق	پرهیزگار - مومن
צֵל	صیل	ظل	سایه	בָּקָר	بقور	قبر	آرامگاه
אָמֵן	آمن	آمین	چنین باد-آمین	רוּחָנִי	روحانی	روحانی	روحانی
קָדֵשׁ	قُدش	قُدس	مقدس	בָּשָׂר	باسار	بشر	بشر
זָכָר	زاخار	ذکر	جنس نر	קֶרְבֵּן	قربان	قربان	تقدیمی-قربانی
חַי	حی	حی	زنده	שָׁטָן	ساطان	شیطان	شیطان
אָמַר	أمر	امر	امر کرد-گفت	מִשְׁלַל	ماشال	مثل	مثل
מֶלֶךְ	ملخ	ملک	پادشاه	מַמְלָכָה	مَملاخا	مملکت	مملکت
בֵּין	بِن	بین	وسطا	יְתוֹם	یاثوم	یتیم	بی پدر، یتیم
צִדִּיק	صَدِیق	صدق	عدل - صداقت	דָב	دو	دب	خرس
מִזְבִּיחַ	مِذْبَح	مذبح	قربانگاه	קָזָב	کاذاو	کذب	دروغ
בָּטָל	باطل	باطل	باطل	בְּחִיבָה	کیتوا	کتیبه	نوشته
כֹּהֵן	کهن	کاهن	کاهن - کشیش	שָׁמֶן	شیمن	سمن	روغن
כּוֹפֵר	کوفر	کافر	خدانشناس	נֶפֶט	نفت	نفت	نفت
מִשְׁכָּן	میشکان	مسکن	مسکن	טָהוֹר	طاهر	طاهر	پاک



بخش اول: مکالمات کاربردی

החלק הראשון: שיחות מעשיות

صیغه ها

شش صیغه مذکر

او (مرد) / הוא = هو	تو (مرد) / אתה = آتا	من / אני = אני
ایشان (مردان) / הם = هم	شما (مردان) / אתם = اَتم	ما / אנחנו = أنحن

شش صیغه مؤنث

او (زن) / היא = هی	تو (زن) / את = آت	من / אני = אני
ایشان (زنان) / הן = هن	شما (زنان) / אתن = آتن	ما / אנחנו = أنحن

ضمیر اشاره به نزدیک

اینها (مردان-زنان) / ה-אלה = هال	این (زن) / ה-זאת = هزت	این (مرد) / ה-זה = هزه
--	----------------------------------	----------------------------------

شش صیغه ملکیت (مذکر) مفرد و جمع

برای او (مرد)، مال او/לו = לו	برای تو (مرد)، مال تو/ך = לְךָ	برای من، مال من/י = לִי
برای ایشان، مالشان/להם = להם	برای شما، مالتان/לکم = לכם	برای ما، مال ما/נו = לנו

شش صیغه ملکیت (مونث) مفرد و جمع

برای او (زن)، مال او/ה = לה	برای تو (زن)، مال تو/ך = לְךָ	برای من، مال من/י = לִי
برایشان (زنان)، مالشان/להן = להן	برای شما (زنان)، مالتان/לכן = لכן	برای ما، مال ما/לנו = לנו

مثال برای مفرد و جمع

مردان / אנשים = אנשים	مرد - شوهر / איש = איש
زنان / נשים = נשים	زن - همسر / אישה = אישה

کلمات استفهامی

کی؟ چه زمانی؟ / מתי = مائی	کجا؟ / איפה = ایفُ	کی؟ چه کسی؟ / מי = می
چطور؟ / איך = ایخ	کدام؟ / איזה = ایزه	چرا؟ برای چی؟ / למה = لامّا

درس یکم «معرفی»

شיעור ראשון/مבוא

שלום = شالوم / سلام

מה שלומך؟ = مَ شالومخا (م) / مَ شالوماخ (ث) // چطوری؟

בסדר! = بَسِدر / خوبم!

נאתה (م)؟ = وَاَتَا؟ / و شما؟

נאת (ث)؟ = وَاَتْ؟ / و شما؟

בסדר גמור! = بَسِدر گامور! / بسیار خوبم!

השם שלך؟ = هَشَم شِلخا (م)؟ / شِلاخ (ث)؟ / اسم شما؟

שמی... = شِمی ... / اسم من....

בוקר טוב! = بوقِر طوو! / صبح بخیر!

ערב טוב! = عِرَو طوو! / عصر بخیر!

תודה = تودا / متشکر/ممنون

אנא = آنا / בבקשה = بَوَقَاشا / خواهش میکنم

סליחה = سَلِیحا / ببخشید، عذر میخواهم

לך לך = لِخ لِخا / קדימה = قادیما / بفرما.... (در مقام تعارف به رفتن)

בני בני = بای بای / خدا حافظ

שלום = شالوم / خدا نگهدار

להיترאות = لِهیتراؤت / خدا حافظ

تمرین؛

حرکات لغات دروس دوم و سوم بخش اول کتاب را انجام دهید.

درس دوم/جملات روزمره ۱

شیعور שני/משפטים יומיים ۱

מה אתה רוצה؟ (م) = ما اَتَا رُص؟ / چی می‌خواهی؟

מה את רוצת؟ (ث) = ما اَت رُصِت؟ / چی می‌خواهی؟

אני רוצה (م) אוכל = אני رُص (م) اوخِل / غذا می‌خواهم

... רוצת (ث) ... = ... رُصِت (ث) ... / غذا می‌خواهم

אני רוצה/רוצת מים = אני رُص/رُصِت مَیِم / آب می‌خواهم

איפה המסעדה؟ = إیفو هَمَّيسَعَادا؟ / رستوران کجاست؟

אני לא יודע (م) = אני لو یودِأع (م) / نمیدونم

... لا יודעת (ث) = ... لو یودِعَت (ث) / نمیدونم

אני יודע/יודעת! = אני یودِأع/یودِعَت! / من میدونم!

שם! = شام! / آنجا!

אהה، אני ראיתי = أهه، אני رااِیتی / آهان، دیدم!

אני מבין! = אני مَوین! (م) / من بلدم/واردم

אני מבינה! = אני مَوینا! (ث) / من بلدم/واردم

מה חדשה؟ = مَ حَدَاشا؟ / چه خبر؟

שום דבר! = شوم دِبار! / هیچ چی!

מה קרה؟ = مَ قارا؟ / چی شد؟

חדשות טובות! = حَدَاشوت طوَوْتُ! / خبرهای خوب!

טוב מאוד! طوو مؤد! / خیلی خوب!

כן / בסדר = خن / بسدر / بله/باشه

לא! = لو! / نه!

זה לא יכול להיות! = زه لو یاخول لیهیوت! / نمیشه!

درس سوم/جملات روزمره ۲

شیعور שלישי/ משפטים יומיים ۲

מי זה؟ = می زه؟ (م) / کیه؟ (شما؟ جنابعالی؟)

מי زوت؟ = می زُت؟ (ث) / کیه؟ (شما؟ جنابعالی؟)

זה אני! עלי... = زه أنى! على ... / منم! على...

زوت אני! פאטמה... = زُت أنى! فاطمه ... / منم! فاطمه ...

מי זה היה؟ = می زه هایا؟ (م) / کی بود؟

מי זה היתה؟ = می زُت هایتا؟ (ث) / کی بود؟

זה היה חבר שלי = زه هایا حاور (م) شلى / دوستم بود

... חברה ... = ... حَورا (ث) ... / دوستم بود

אני עיף (م) / עיפה (ث) = أنى عایف (م) / عَیفا (ث) / من خسته ام

אני רעב (م) / רעבה (ث) = أنى راعو (م) / رِعَوا (ث) / من گرسنه ام

אני מלא (م) / מלאה (ث) = أنى مال (م) / مِلاً (ث) / من سیرم!

מי צמא (م) / צמאה (ث) = می صام (م) / صِماً (ث)؟ / کی تشنه است؟

האדון הזה = هأذن هزّه / آن آقا

הלידי הזوت = هالیدی هزّوت / آن خانم

אני רוצה לישון = أنى رُص ليشون (م) / میخواهم بخوابم

.... رוצת = ... رُصت ... (ث) / میخواهم بخوابم

זה מוקדם יותר מדי! = זה موقدام یوتر میدی! / خیلی زوده!

זה מאוחר מאוד! זה ماحار مؤدا! / خیلی دیره!

אתה צודק! (م) = آتا صدق! / درست میگی! / راست میگی!

את צודקת! (ث) = أت صدقت! / درست میگی! / راست میگی!

אתה טועה! (م) = آتا طوع! / اشتباه میکنی!

את טועת! (ث) = أت طوعت! / اشتباه میکنی!

סליחה! = سلیحا! / ببخشید!

این בעיה! = این بعا! / عیب نداره!

درس چهارم/جملات روزمره ۳

شیعور رביעי/ משפטים יומיים ۲

מתי באת؟ = مَتّی باتا (م)/ بات (ث)؟ / کی آمدی؟

לפני שעה = لیفنی شاعا / یک ساعت پیش

מתי הפגישה؟ = مَتّی هفّ گیشا؟ / ملاقات کی هست؟

לאחר שעה = لِإِحر شاعا / یک ساعت بعد

האם אתה מוכן؟ = هَ إیم اّتا موخان؟ / شما حاضری؟ (م)

האם את מוכנה؟ = هَ إیم اّت موخانا / شما حاضری؟ (ث)

כן، כמובן! = خن، خِموخن! / بله، البته!

אז בוא נלך! = اّز بو نلّخ! / پس بریم!

אנא! = آنا! / بفرما! (در مقام تعارف)

איפה זה؟ = إیفو זה؟ / کجاست؟

הנה! = هینّه! / هان، ببین!

בוא נשאל! = بو نیشأل! / بیا پرسیم!

ממי؟ = م مّی؟ / از کی؟

מהעם = م هاعم / از مردم

האם אתה יודע؟ = هَ ایم اّتا یوداع؟ / شما میدونی؟ (م)

האם את יודעת؟ = هَ ایم ات یودعت / شما میدونی؟ (ث)

כן، אני יודע = خن، أنّی یوداع (م) / بله، میدونم

... יודעת = ... یودعت (ث) / بله، میدونم

לא، אני לא יודע = لو، أنّی لو یوداع (م) / نه، نمیدونم

...לא יודעת = ... لو יודעת (ث) / نه، نمیدونم

אני מצטער! (م) = אני מיصطער / متاسفم!

אני מצטערת! (ث) = אני מיصطערת / متاسفم!

אנא، אין בעיה = آنا، این بَعا / خواهش میکنم، عیبی نداره

درس پنجم / سفر

שיעור חמישי / טיול

איפה המלון؟ = ایفو همالون؟ / هتل کجاست؟

בצד הזה = بَصَد هَزه / آن طرف

האם זה רחוק؟ هَ ایم زه راحوق؟ / دوره؟

לא، זה קרוב! = لو، زه قاروب! / نه، نزدیکه!

תודה הרבה = تُدا هَرِب / خیلی ممنون

איפה אתה؟ (م) = ایفو اُتا؟ / کجایی؟

איפה את؟ (ث) = ایفو اُت؟ / کجایی؟

פה = فُ / پُ / اینجا

שם = شام / آنجا

אני בטهران! = اُنی بَطهران! / من تهرانم!

אני אבוד! (م) = اُنی آبود! / من گم شدم!

אני אבודה! (ث) = اُنی آبودا! / من گم شدم!

אל תדאג! = اَل تیدأگ! / نترس!

אני יודע את הדרך = אני יודע־אֵת הַדֶּרֶךְ / من این مسیر را بلدم

אני מצאתי את זה = אני מֵאֵצְתִי אֶת זֶה / من پیدا کردم

נתן לי את זה = נִיתַן לִי אֶת זֶה / بده من

כן، اَدونِي! = כֵּן، אֲדוֹנָי! / بفرما آقا / چشم آقا

درس ششم / گفتگو

השיעור השישי / שוּיחָה

שלום=سلام

מאיפה אתה؟ (م) = מ-إيفُ أتا؟ / شما اهل کجایی؟

מאיפה את؟ (ث) = م-إيفُ أت؟ / شما اهل کجایی؟

אני מאיראן = אני م-إيران / من ایرانی ام

הו, מאוד מענין! = هو، مؤد مَعْنين! / آهان، خیلی جالب!

איפה באיראן؟ = أيفُ بايران؟ / کجای ایران؟

מ-צפון לאיראן = م-صَقُون لایران / از شمال ایران

מ-דרום לאיראן = م-دَرُوم لایران / از جنوب ایران

מ-מערב לאיראן = م-مَعْرَو لایران / از غرب ایران

מ-מזרח לאיראן = م-مִּזְרָח لایران / از شرق ایران

כמה זמן תשאר؟ (م) = کَمَا زَمَن تیشأر؟ / تا کی هستی؟ / تا کی میمانی؟

כמה זמן תשארי؟ (ث) = کَمَا زَمَن تیشأری؟ / تا کی هستی؟ / تا کی میمانی؟

שלושה ימים/שבועות = شلوشا یامیم / شِبوْعַת / سه روز در هفته

בוא נלך אל הבית! = בו נלֵךְ אֶל הַבַּיִת! / بریم منزل (خانه)

לא, אני עסוק = לו، أَنی عاسوق / نه، من مشغولم

בעוד פעם = بְעֵד פַּעַם / یه روز دیگه/ بعدا

איך שתרצה (م) = إیخ شِ-تیرصِ / میل شما

איך שתרצי (ث) = إیخ شِ-تیرصی / میل شما

תודה! = تُدا! / ممنون!

להתראות! = لِهیترَاؤت! / خدا حافظ!

درس هفتم / پیرس

השיעור השביעי / לשאול

איזה רחוב؟ = איזו רחוב؟ / کدام خیابان؟

איזו חנות؟ = איזو חנות؟ / کدام فروشگاه؟

איזה צבע؟ = ایزه صَبَع؟ / چه رنگی؟

איזו מידה؟ = ایزه میدا / چه اندازه‌یی؟

כמה זה עולה؟ = کَمَا زه عُل؟ / این چند است؟

כמה גדול! = کَمَا گادول! / چقدر زیاد! (چقدر بزرگ)

כמה טוב! = کَمَا طوو! / چقدر خوب!

איזה אוכל אתה אוהב؟ = איזِ אָחַל אָתָּא אָהוּ/אֶהֱב؟ / چه غذایی دوست داری؟

כל אוכל שיש לך = כָּל אָחַל שִׁישׁ לִי (م) / لاخ (ث) / هر غذایی داری

זה מאוד טעים! = زه مؤد طاعیم! / خیلی خوشمزه اس!

זה رע טעם! = زه رَع طَعَم! / بد مزه اس!

זה חסר טעם! = زه حَسَر طَعَم / بی مزه اس!

מר = מָר / מלוח = مالוח / מתוק = ماتوق / تلخ / شور / شیرین

שנה את זה, בבקשה! = שִׁנֵּה אֶת זֶה, בְּיֻקָּשָׁא! / لطفا عوض کن!

תביא עוד אחד! = תָּבִי עֹד אֶחָד! / یکی دیگه بیار

חכה דקה! = חֶכֶּ דְּקָא! / یه لحظه صبر کن!

טוב מאוד! = טוּוּ מוֹד! / خیلی خوب!

درس هشتم / جملات پیشرفته

השיעור השמיני / משפטים מתקדם

בן כמה אתה؟ (م) = בֶּן כָּמָא אָתָא؟ (م) / شما چند سال داری؟

בת כמה את؟ (ث) = בֵּת כָּמָא אַתְּ؟ (ث) / شما چند سال داری؟

من ۱۰/۲۰/۳۰/۴۰/۵۰/۶۰/۷۰/۸۰/۹۰/۱۰۰ سال دارم

אני בן עשר = אֲנִי בֶּן עֶסֶר / עשרים = עֶסְרִים / שלושים = שְׁלוּשִׁים / ארבעים =

אַרְבָּעִים / חמישים = חֲמִישִׁים / שישים = שִׁשִּׁים / שבעים = שְׁבוּעִים / שמונים =

שְׁמוֹנִים / תשעים = תִּשְׁעִים / מאה = מֵאָ (م)

אני בת עשר = אֲנִי בֵּת עֶסֶר (ث)

אתה מאוד צעיר / خیلی جوانی!

لا، אני זקן/זקנה = לו، אֲנִי זָקֵן / זָקֵנָה / نه، من پیر هستم

יש לך אישה؟ = יֵשׁ לְךָ אִשָּׁה؟ / زن داری؟

יש לך בעל؟ = יֵשׁ לְךָ בַּעַל؟ / شوهر داری؟

כן، יש לי = כֵּן، יֵשׁ לִי / بله، دارم

لو، לצערי! = לו، لְصָעֲרִי! / نه، متاسفانه!

יש לך אח؟ = یش لَخا (م) / لاخ (ث) آح؟ / برادر داری؟

יש לך אחות؟ = یش لَخا (م) / لاخ (ث) أحت؟ / خواهر داری؟

כן יש לי = خن، یش لی / بله، دارم

כמה؟ = کَمّا؟ / چند تا؟

אחד אח = إحد آح / آخ / یک برادر

אחת אחיות = أحت آحت / آخت / یک خواهر

دوتا / سه / چهار / پنج / شش / هفت / هشت / نه / ده برادر

שני = شِنِی / שלושה = شلوشا / ארבעה = أربعا / חמשה = حَمِشا / שישה =

שیشا / שבעה = شَبعا / שמונה = شِמוنا / תשעה = تیشعا / עשרה אחים = عِسرِه

أحيم

دوتا / سه / چهار / پنج / شش / هفت / هشت / نه / ده خواهر

שתי = شَتِی / שלוש = شلوش / ארבע = أربع / חמש = حَمش / שיש = شیش /

שבע = شَبع / שמונ = شِمون / תשע = تیشع / עשר אחיות = عِسرِ أحيوت

יש לך משפחה גדולה! = یش لَخا مِشفاحا گدولا! / خانواده بزرگی داری!

מה העסוק שלך؟ = مَها-عیسوق شِلخا؟ / کار شما چیه؟

אני שכיר = אני شاخیر / من کارمندم

כמה השכירות שלך؟ = کما ه-شخירות شلخا؟ / حقوق شما چنده؟

אלף דולר, בלבד! = إلف دولار، بیلبد! / فقط هزار دلار!

זה מאוד קטן! = زه مؤد قاطان! / خیلی کمه!

לא, זה מספיק! = لو، زه مسفیک! / نه، کافیه!

אני שמח! = אני شامح (م)! / من خوشحالم!

אני שמחה! = אני شمحا (ث)! / من خوشحالم!

אני עצוב! = אני عاصوب (م)! / من ناراحتم!

אני עצובה! = אני عاصوبا (ث)! / من ناراحتم!

אל תדאג! = أل تیدگ (م)! / غصه نخور!

אל תדאגי! = أل تیدگی (ث)! / غصه نخور!

אלוהים עמנו! = إلهیم عیمانوا! / خدا با ماس!

درس نهم / رسیدن شیعور תשע / להשיג

הגענו לטהרן = هاگَعَنو لَطَهْران / ما به تهران رسیدیم

מה השעה؟ = مَ هَشَّاعا؟ / ساعت چند است؟

השעה שבע בבוקר = هَشَّاعا سَبْعَ بَبْقَر / ساعت هفت صبح

השעה ארבע באחרי הצהריים = هَشَّاعا أَرْبَع بِأَحْرَى هَصْهَرِيم / ساعت چهار بعد

از ظهر

השעה עשר בלילה = هَشَّاعا عِסْرَ بَلِيلَا / ساعت ده شب

המטוס הגע באחור = هَمَّاطوس هاگَع بِأَحور / هواپیما دیر آمد

אין בעיה! יש לנו זמן = إين بَعِيَاه! يَش لَانو زَمَن / اشکال نداره، وقت هست

כמה ימים ה"סיום" שלנו؟ = كَمَّا ياميم ه-سَيور شِلَانو؟ / چند روز "تور" داریم

اولی حمیשה ימים / חמש לילות = أَوَّلَى حَمِيشَا ياميم حَمَش / لילות / شاید پنج

روز / شب

מה קיצור הזה! = م-قَيِّصور هَزَّه! / چه کوتاه!

זה מאוד קצور! = زه مؤد قَيِّصور! / این خیلی کوتاه است!

אִירָאן יִפֶּה מְאוּד! = ایران یافا مؤد! / ایران خیلی زیباست!

כן، זה נכון! = خن، زه ناخُن! / بله، درسته!

אחרי אִירָאן נסע לדובאי = أَحَرَى ایران نيسَع لِدَوْبَى / بعد از ایران سفر میکنیم

به "دبی"

בסדר! = بِسִדֵּר! / به به!

זה נפלא! = زه نیفلا! / عالیه!

درس دهم / خرید

שיעור העשירי / לקניות

בוא נלך לקניות = בו נלך ליקניות / בیا ברیم خرید

לאן נלך? = לָאן נֵלֵךְ? / کجا بریم؟

נלך לבזאר שטיחים = נֵלֵךְ לְבַזָּר שְׁטִיחִים / میریم بازار فرش

אני רוצה "שטיח פרסי" = אֲנִי רֹצֵה (م) شَاطِیْح פֶּרְסִי / من "قالی ایرانی"

میخوام

... رוצת ... = ... רֹצֵת (ث) ... / من "قالی ایرانی" میخوام

آبل شטיח יקר! = אֲוָל שֹׁאֲטִיחַ יָקָר! / ولی قالی گرونه!

כן! لا نקנה, נראה! = כֵּן! לוֹ נִיֶּקֶן, נִירָא! / باشه! نمی خریم، نگاه میکنیم!

נחפש = נִיֶּחַפֵּשׁ / می گردیم، جستجو میکنیم!

وואו! זה כל כך יפה! = וּוָאוּ! זֶה כָּל כָּךְ יָפֵה! / به به! چه قشنگه!

כן! פֶּאָמֶת! = כֵּן! יָאִמֶת! / آره! واقعا!

אפשר לשאול? = אִפְשֵׁר לִישׁוֹל? / میشه پرسیم؟

אֲדוֹנִי! כִּמָּה עוֹלָה הַשְּׂמִיחַ הַזֶּה? = אَدونى! كَمَا عَلِى ه-شَاطِیْح ه-زَه؟ / آقا! این قالى

چنده!

מכרנו את זה! = ماخرنو اِت زه! / این را فروختیم!

אבל אתה יכול לעשות הזמנה = أوال اَتَا ياخول لَعسوت هيزمينا / ولى ميتوانيد

سفارش بدهيد

שישה חדשים לאחר מכוון, זה מוכן! = شيشا حاداشيم لِأَحَر ميخِن، زِه موخان!

/ شش ماه بعد، حاضره!

אבל אנחנו "תיירים"! = أوال أَنحنو تَيَّاريم! / ولى ما "توريست" هستيم!

זאת הבעיה! = زُت هَبَّعِيا! / مشکل همينه!

בסדר! = بَسِدر! / خيلى خُب / باشه!

תודה מאוד! = تُدا مُؤدا! / خيلى ممنون!

בבקשה! = بَوَقَّاشا / خواهش ميکنم!

بخشی دوم: لغات پُرکاربرد
حלק שני: מילים נפוצות

درس اول: خانواده

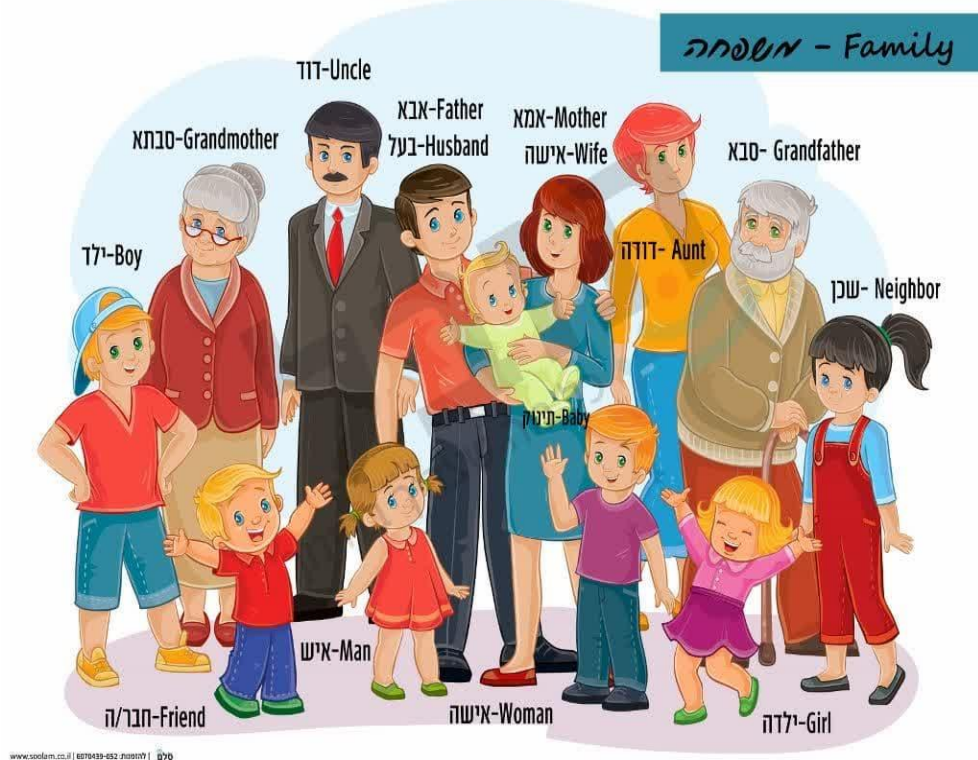
شیعور ראשון: משפחה

אָמאָ: مادر	אבא: پدر	אח: برادر	אחות: خواهر	בן: پسر
הורים: والدین	ילדים: فرزندان	ילד: فرزند	אישה: زن	בת: دختر



סבים: پدر بزرگ و مادر بزرگ	סבא: پدر بزرگ	סבתא: مادر بزرگ
דוד: عمو	דודה: عمه	קרוב משפחה: فامیل
חתן: داماد	בת דודה: دختر عمه	גיס: برادر زن
כלה: عروس	בן דוד: پسر عمو	גיסה: خواهر زن

אם חורגת: نامادری	אח חורג: برادر ناتنی	נכד: نوه پسری	נכדה: نوه دختری
אב חורג: ناپدری	אחות חורגת: خواهر ناتنی	אחיין: پسر برادر	אחיינית: دختر برادر
חותן: پدرزن	חותנת: مادرزن	נכדים: نوه ها	



האם אתם נשויים؟ متاهل هستید؟

כמה זמן אתם נשואים؟ چه مدت ازدواج کرده اید؟

בן כמה אתה؟: چند ساله هستید؟

יש לך ילדים؟: بچه دارید؟

זו אמא שלך؟: این خانم مادرتون هستن؟

מי הוא האבא שלך؟: پدر شما کیست؟

האם אתם קרובי משפחה؟: آیا شما باهم نسبت دارید؟

בת כמה אחותך؟: خواهر شما چند ساله است؟

درس دوم: اعداد

شیعור שני: מספרים



تمرین:

حرکات لغات و کلمات زیر را اضافه کنید.

מספרים: اعداد

אחת: یک	שתיים: دو	שלוש: سه	ארבע: چهار	חמש: پنج
שש: شش	שבע: هفت	שמונה: هشت	תשע: نه	עשר: ده
אחת עשרה: یازده	שתיים עשרה: دوازده	שלוש עשרה: سیزده	ארבע עשרה: چهارده	חמש עשרה: پانزده
שש עשרה: شانزده	שבע עשרה: هفده	שמונה עשרה: هجده	תשע עשרה: نوزده	עשרים: بیست
עשרים: بیست و یک	؟	עשרים و شלוש: بیست و سه	עשרים و ארבע: بیست و چهار	עשרים و חמש: بیست و پنج



עשרים ושש: ביست و שש	עשרים ושבע: ביست והفت	עשרים ושמונה: ביست והשט	עשרים ותשע: ביست ו נה	שלושים: סי
-------------------------------	--------------------------------	----------------------------------	--------------------------------	---------------

עשר: ۱۰	עשרים: ۲۰	שלושים: ۳۰	ארבעים: ۴۰	חמישים: ۵۰
שישים: ۶۰	שבעים: ۷۰	שמונים: ۸۰	תשעים: ۹۰	מאה: ۱۰۰
מאתיים: ۲۰۰	שלוש מאות: ۳۰۰	ארבע מאות: ۴۰۰	חמש מאות: ۵۰۰	שש מאות: ۶۰۰
שבע מאות: ۷۰۰	שמונה מאות: ۸۰۰	תשע מאות: ۹۰۰	אלף: ۱۰۰۰	אלפים: ۲۰۰۰
שלושת אלפים: ۳۰۰۰	ארבעת אלפים: ۴۰۰۰	חמשת אלפים: ۵۰۰۰	ששת אלפים: ۶۰۰۰	שבעת אלפים: ۷۰۰۰
שמונת אלפים: ۸۰۰۰	תשעת אלפים: ۹۰۰۰	עשרת אלפים: ۱۰۰۰۰		

تمرین در کلاس

با هم مباحثه ای خود از شماره یک الی ۱۰۰ را بشمارید و بنویسید:

نحوه کامل مذکر و مونث بودن اعداد در زبان عبری

נקבה		זכר	
<u>נסמך</u>	<u>נפרד</u>	<u>נסמך</u>	<u>נפרד</u>
אחת	אחת	אחד	אֶחָד
שתי	שתיים	שני	שְׁנַיִם
שלוש	שלוש	שלושת	שְׁלוֹשָׁה
ארבע	ארבע	ארבעת	אַרְבָּעָה
חמש	חמש	חמשת	חֲמֵשֶׁה
שש	שש	ששת	שֵׁשׁ
שבע	שבע	שבעת	שִׁבְעָה
שמונה	שמונה	שמונת	שְׁמוֹנָה
תשע	תשע	תשעת	תִּשְׁעָה
עשר	עשר	עשרת	עֶשְׂרֵה

تصویر اعداد اصلی و ترتیبی در دو صورت (مذکر و مؤنث)؛

اعداد اصلی : מספרים יסודיים			اعداد ترتیبی : מספרים סדוריים		
شماره	مذکر	مؤنث	شماره	مذکر	مؤنث
שש	ששה	שישה	שש	שש	שיש
השבע	שבועה	שבועה	השבע	שבוע	שבוע
השמונה	שמונה	שמונה	השמונה	שמונה	שמונה
תשעה	תשעה	תשעה	תשעה	תשעה	תשעה
עשרה	עשרה	עשרה	עשרה	עשר	עשר

شماره	مذکر	مؤنث
اول	ראשון	ראשונה
دوم	שני	שנייה-שנית
سوم	שלישי	שלישית
چهارم	רביעי	רביעית
پنجم	חמישי	חמישית

تمرین

از شماره ۶ الی ۲۰ به دو صورت مذکر و مؤنث اعداد ترتیبی را بنویسید.

درس سوم: تقویم

שיעור שלישי: לוח שנה



עונות: فصل‌ها

קייט: «קיט» تابستان	אביב: «آویو» بهار
חורף: زمستان	סתو: «سِتاو» پاییز



شמים: آسمان	קר: سرد	חם: گرم	יורד שלג: برفی است
ענן: ابر	קר עכשיו: سرد است	חם עכשיו: گرم است	הרוח נושבת: باد می‌وزد
קשת בענן: رنگین کمان	עכשיו לח: مرطوب است	עכשיו מעונן: ابری است	השמש זורחת: آفتابی است
יורד גשם: بارانی است	מזג אוויר רע: آب و هوای بد	מה הטמפרטורה?: دما چند است؟	מזג אוויר טוב: آب و هوای خوب

מה מזג האוויר?: آب و هوا چطور است؟	הטמפרטורה ۲۴ מעלות: ۲۴ درجه است
------------------------------------	---------------------------------

ماه های سال میلادی

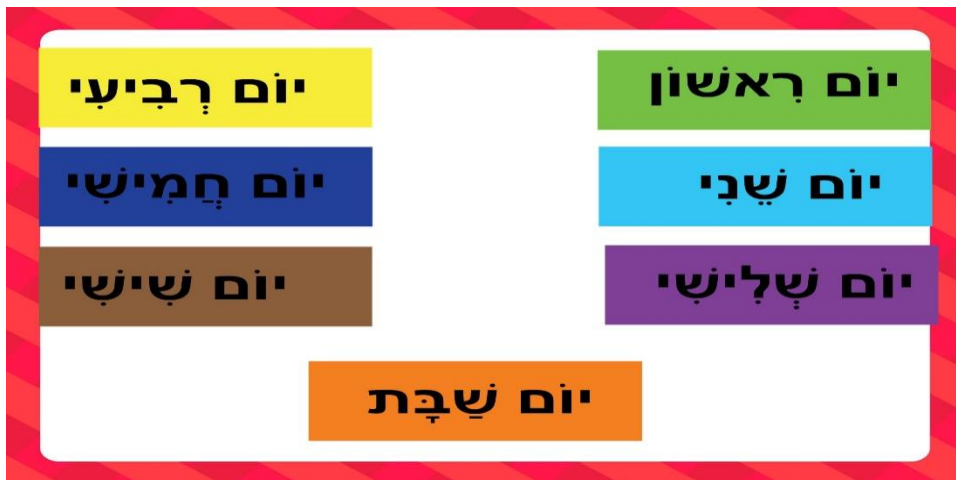
ינואר: ژانویه	فبرואر: فوریه	מרץ: مارس
אפריל: آوریل	מאי: مه	יוני: ژوئن
יולי: ژوئیه	אוגוסט: اوت	ספטמבר: سپتامبر
אוקטובר: اکتبر	נובמבר: نوامبر	דצמבר: دسامبر

ماه‌های سال عبری:



יָמֹת הַשָּׁבוּעַ: روزهای هفته

יום: روز שבוע: هفته סוף השבוע: آخر هفته



יום שיש': روز جمعه

יום שבת: روز شنبه	יום ראשון: روز یکشنبه	יום שני: روز دوشنبه
יום שלישי: روز سشنبه	יום רביעי: روز چهارشنبه	יום חמישי: روز پنجشنبه

زمان؛ זמן

מחר בבוקר: فردا صبح	שלשום: پریروز	מחרתיים: پس فردا
בשבוע הבא: هفته بعد	בשבוע שעבר: هفته گذشته	בחודש הבא: ماه بعد
בחודש שעבר: ماه گذشته	בשנה הבאה: سال بعد	שנה שעברה: سال گذشته

بایזה یوم؟ چه روزی؟	بایזה חודש؟ چه ماهی؟
---------------------	----------------------

שעון: ساعت



איזה יום היום؟: امروز چه روزی است؟
היום העשרים ואחד בנובמבר: امروز ۲۱ نوامبر است
תעיר אותי בשעה ۸:۰۰: من را ساعت ۸ بیدار کن
מתי הפגישה שלך؟: وقت ملاقات شما چه موقع است؟
אנחנו יכולים לדבר על זה מחר?: آیا می‌توانیم فردا درمورد آن صحبت کنیم؟



מה השעה؟؛ ساعت چند است؟	دקה؛ دقیقه
השעה שלוש וחמישה (۳:۰۵)؛ ساعت ۳ و پنج دقیقه است	השעה ۳ (۳:۰۰)؛ ساعت ۳ است
השעה שתיים וחצי (۲:۳۰)؛ ساعت ۲:۳۰ است	השעה חמישה לשלוש (۲:۵۵)؛ ساعت ۵ دقیقه به سه است
השעה רבע לשלוש (۲:۴۵)؛ ساعت یک ربع به سه است	השעה שלוש ורבע (۳:۱۵)؛ ساعت سه و ربع است

הַיָּמִים בַּשָּׁבוּעַ : روزهای هفته

יום ראשון	-	יום א' (אָלף)	یکشنبه	יום רביעי	-	יום ד' (דָּלֶת)	چهارشنبه
יום שני	-	יום ב' (בֵּית)	دوشنبه	יום חמישי	-	יום ה' (הָא)	پنجشنبه
יום שלישי	-	יום ג' (גִּימֶל)	سه‌شنبه	יום شשי	-	יום ו' (וָו)	جمعه
(ערב שַׁבָּת)				שַׁבָּת (מוצאי-שַׁבָּת)			
(آدینه شبات)				شنبه (شنبه شب)			

מָה הַשָּׁעָה ? ساعت چند است ؟



אחת-עשרה	שתיים-עשרה	שש (בדיוק)	שש ורבע	שש וחצי	שבע פחות רבע
یازده	دوازده	شش (دقیق)	شش و ربع	شش و نیم	یک ربع به هفت

درس چهارم: مشاغل

השיעור הרביעי: מקומות תעסוקה



מוכר: فروشنده مرد	אשת מכירות: فروشنده زن
-------------------	------------------------

מלצר: پیشخدمت مرد	מלצרית: پیشخدمت زن
-------------------	--------------------

רופא: پزشک	
מורה: معلم	
ספר: آرایشگر	
שוטר: پلیس	

	וטרינר: دامپزشک
	אמן: هنرمند
	צייר: نقاش
	שופט: قاضی

	טייס: خلبان
	מכונאי: مکانیک
	מהנדס: مهندس
	חקלאי: کشاورز
	שרברב: لوله باز کن
	חשמלאי: تکنسین برق
	אדריכל: معمار
	כבאי: آتش نشان
	קצב: قصاب
	עיתונאי: روزنامه نگار
	מזכיר: منشی
	נהג אוטوبوس: راننده اتوبوس
	עורך דין: وکیل
	רואה חשבון: حسابدار
	עובד משרד: کارمند اداری

בקשת עבודה: درخواست شغل



אני מחפש עבודה: מן دنبال کار هستم

אני יכול לראות את קורות החיים שלך؟: ممکن است رزومه کاری شما را ببینم؟

הנה קורות החיים שלי: بفرمائید این رزومه من است

האם יש ממליצים שألiahם אוכל לפנות؟: آیا با معرف ها میتوانم تماس بگیرم؟

הנה רשימה של ההמלצות שלי: در اینجا فهرست معرف های من است

כמה ניסיון יש לך؟: چقدر تجربه دارید؟

כמה זמן אתה כבר עובד בתחום זה؟: چه مدت در این زمینه مشغول به کار بوده

اید؟

۳ שנים: ۳ سال

אני בוגר תיכון: من فارغ التحصیل دبیرستان هستم

אני בוגר מכללה: من فارغ التحصیل کالج هستم

אני מחפש עבודה במשרה חלקית: من به دنبال یک کار پاره وقت می‌گردم

אני רוצה לעבוד במשרה מלאה: من می‌خواهم تمام وقت کار کنم

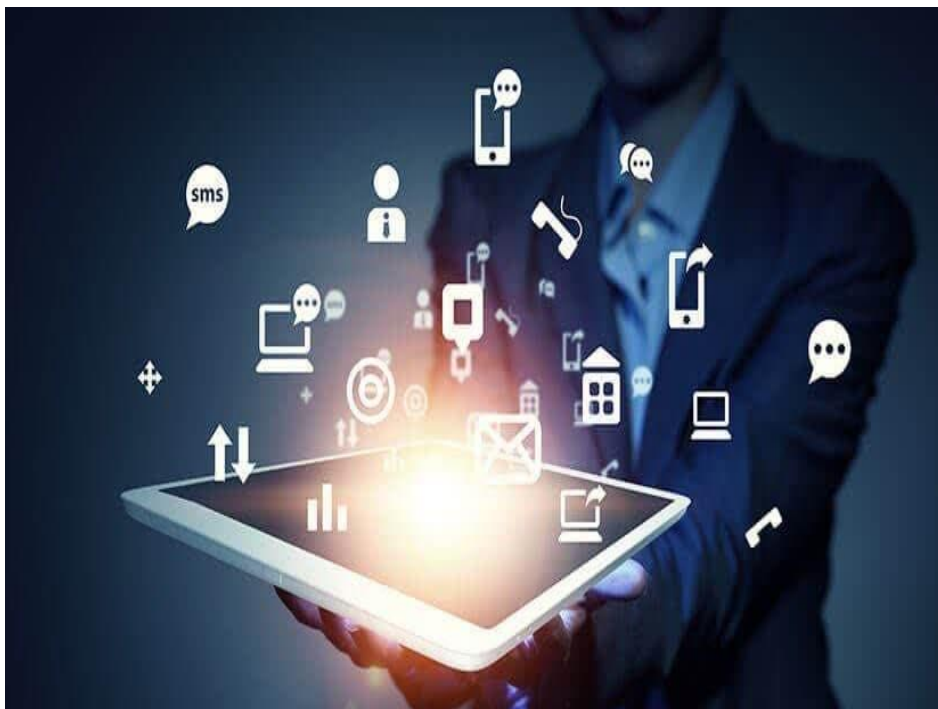
تمرین در کلاس

اطلاعات شخصی خود را به عبری بنویسید:

نام و نام خانوادگی:	
محل تولد:	
تحصیلات:	
وضعیت تاهل:	
آدرس:	

درس پنجم: فضای مجازی

שיעור חמישי: סייברספייס



סייברספייס: فضای مجازی	אינטرنט: اینترنت	לגלוש: וِب گردی	קישור: پیوند
רשת: شبکه	אתר אינטرنט: وب سایت	דפדפן: مرورگر	תיקייה: پوشه
חזרה: بازگشت	לעדכן: به روزرسانی	לחץ: کلیک کردن	העלה: بارگذاری
שרת מאובטח: سرور امن	הורד: دانلود	שמור: ذخیره	בחר: انتخاب کنید

סימנייה: نشانک گذاری	הפעל: اجرا	מנוע חיפוש: موتور جستجو	דף האינטרנט: صفحه اینترنتی
סרגל כלים: نوار ابزار	דף הבית: صفحه خانگی	אתר אינטרנט مأوبטח: وب سایت امن	כתובת דף אינטרנט: آدرس صفحه و وب

ספק שירותי אינטרנט: ارائه دهنده خدمات اینترنت

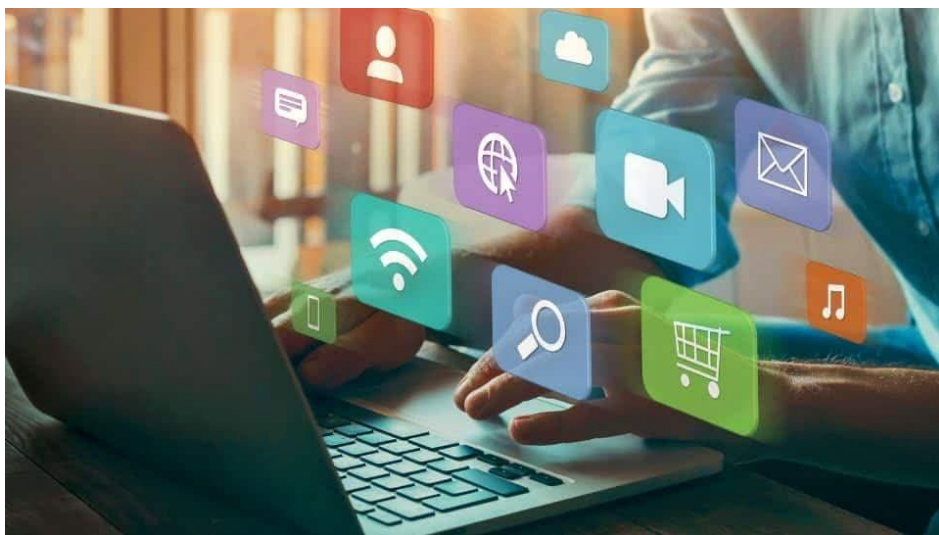
تمرین در کلاس

اسامی شبکه ها و رسانه های مجازی را بنویسید.

אתר אינטרנט؛ وب سایت



(:) נקודותיים: نقل قول	(/) סלאש: اسلش
חזרה: بازگشت	دوت کوم: دات کام
מעודכן: به روز شد	קדימה: هدایت
תבנית: الگو	מודגש: (متن) پُررنگ
דומיין ציבורי: دامنه عمومی	העברת קבצים: انتقال فایل
דגל: بنر	רוחב פס: پهنای باند
	סמל: نماد



קניות באינטרנט: خرید آنلاین

היכנס: ثبت نام	מילות מפתח: کلمه کلیدی
שם משתמש: نام کاربری	סיסמה: رمز عبور
עגלת קניות: سبد خرید	קבוצת דיון: گروه خبری
הירשם: اشتراك در	חתימה דיגיטלית: امضای دیجیتال
תפריט נגלל: منوی کشویی	העדפות: ترجیحات
סמן את התיבה: کادر را علامت بزنید	גלישת מילים: سطر بندی متن
שאלות נפוצות: پرسش های متداول	

درس ششم: میوه و سبزیجات

השיעור השישי: פרי וירקות

			
בָּצֵל	חֶסֶה	מֶלֶפּוֹן	עֶגְבִּיָּה
			
לִימון	גֶּזֶר	אַבּוֹקָדוֹ	פֶּלֶפֶל
			
אַבְּטִיחַ	תּוֹת	תְּפוז	תְּפוּחַ

פר'י: میوه	דובדבנים: گیلاس	פטל: تمشک	תות: توت فرنگی	תפוח: سیب
תפוז: نارنگی	אגס: گلابی	בננה: موز	ענבים: انگور	אשכוליות: گریپ فروت
אבטיח: هندوانه	אננס: آناناس	שזיף: آلو	אפרסק: هلو	מנגو: انبه
משמש: زردآلو	רימון: انار	אפרסמון: خرمالو	קיווי: کیوی	קוקוס: نارگیل
לימון: لیمو	ליים: لیموترش		ירקות: سبزیجات	חציל: بادمجان
עגבנייה: گوجه فرنگی	סלרי: کرفس	זוקיני: کدو سبز	תרד: اسفناج	תירס: ذرت
צנון: تربچه	צנון: تربچه	חסה: کاهو	צנון: تربچه	גזר: هویج
פטריות: قارچ	בצל: پیاز	ملفפון: خیار	שعועית ירוקה: لوبیا سبز	תפוחי آدمه: سیب زمینی

השיעור השביעי: מוצרי מזון



ארוחת: وعده غذایی	ארוחת: بוקר: صبحانه	ארוחת: צהריים: نهار	ארוחת ערב: شام	אוכל: غذا (خوراک)
חטיף: میان وعده	חסילונים: میگو	המבורגר: همبرگر	סטייק: استیک	כריך: ساندویچ
ספגטי: اسپاگتی	ביצים: تخم مرغ	מזון קפוא: مواد غذایی منجمد	צ'יפס: سیب زمینی سرخ کرده	מוצרי חלב: فرآورده های لبنی
חלב: شیر	חמאה: کره	גבינה: پنیر	שמנת: خامه	יוגורט: ماست
דגנים: غلات				

משקאות: نوشیدنی‌ها



מים: آب	תה: چای	קפה: قهوه	מיץ: آب میوه	מיץ תפוזים: آب پرتقال
משקה מוגז: نوشابه گازدار	לימונדה: لیموناد	משקה: نوشیدنی	לשתות: نوشیدن	עם קרח: با یخ

אני רוצה כוס מים בבקשה: لطفاً یک لیوان آب

بمסעדה: در رستوران

אנחנו צריכים שולחן לארבעה: ما یک میز ۴ نفره می‌خواهیم
 אני רוצה להזמין שולחן לשניים: می‌خواهم یک میز برای ۲ نفر رزرو کنم
 האם אוכל לראות את התפריט?: ممکن است منو را ببینم؟
 מה אתה ממליץ?: پیشنهاد شما چیست؟
 מה כלול?: ترکیبات آن چیست؟
 האם זה מגיע עם سلط?: آیا با سالاد سرو میشود؟
 מהו מרק היום?: سوپ روز چیست؟
 מה מנת היום?: غذای مخصوص امروزتان چیست؟
 מה היית רוצה לאכול?: چه چیزی میل دارید؟
 הקינוח של היום: دسر روز
 אני רוצה לנסות את המנה המיוחדת לאיזור: می‌خواهم یک غذای محلی را
 امتحان کنم
 איזה סוג של בשר יש לך?: چه نوع گوشتی دارید؟
 אני צריך מפית: من نیاز به یک دستمال سفره دارم
 האם אתה יכול לתת לי קצת יותר מים?: آیا میتوانید به من آب بیشتری
 بدهید؟
 האם אתה יכול להעביר לי את המלח?: آیا میتوانید نمکدان را به من بدهید؟
 אתה יכול להביא לי פירות?: آیا میتوانید برای من میوه بیاورید؟

لوازم رستوران

כף؛ قاشق	מזלג؛ چنگال	סכין؛ کارد	זכוכית؛ لیوان	צלחת؛ بشقاب
שולחן؛ میز	הכיסא؛ صندلی	נייר טישו؛ دستمال کاغذی	מלח؛ نمک	שייקר מלח؛ نمکدان
פלפל؛ فلفل	מפתח؛ دستمال			

درس هشتم: رنگ و لباس

השיעור השמיני: צבע ובגדים



מכנסיים: شلوار	חולצה: بلوز	שמלה: پيراهن	חולצה: پيراهن	חליפה: کت و شلوار
کوبه: کلاه	مٹفחת رأس: روسری	מעיל גשם: پالتو بارانی	כפפות: دستکش	סוודر: سویشرت
חצאית: دامن	کوبه: کلاه لبه دار	ג'ینس: شلوار جین	اوبرول: لباس رویی	חולצת טי: تی شرت
مکنسیים: قزרים: شورت	חגורה: کمر بند	עניבה: کراوات		

צבע: رنگ

לבן: سفید	שחור: سیاه	כחול: آبی	אדום: قرمز
ירוק: سبز	סגול: بنفش	כתום: نارنجی	חום: قهوه ای
צהוב: زرد	אפור: خاکستری	כסף: نقره ای	זהב: طلایی

איזה צבע זה؟: چه رنگی است؟	הצבע הוא אדום: رنگ قرمز است
אני יכול למדוד؟: میتوانم آن را پُرو کنم؟	איפה חדר ההלבשה؟: اتاق پرو کجاست؟





המידה שלי היא לארג! من لباس سایز بزرگ میپوشم

האם יש לך מידה גדולה יותר? سایز بزرگتر دارید?

האם יש לך מידה קטנה יותר? سایز کوچکتر دارید?

זה הדוק מדי: این خیلی تنگ است

זה יושב עלی טוב: این اندازه من است

אני אוהב את החולצה הזו: من این پیراهن را دوست دارم

האם אתה מוכר מעילי גשם? آیا بارانی میفروشید

האם תוכל להראות לי כמה חולצות? آیا می توانید به من برخی از پیراهن ها

را نشان بدهید?

הצבע לא מתאים לי: این رنگ برای من مناسب نیست
האם יש לך אותו בצבע אחר?: آیا رنگ دیگری از این را دارید؟
איפה אני יכול למצוא בגד ים?: از کجا می‌توانم یک دست حوله حمام پیدا
کنم؟
האם תוכל להראות לי את השעון?: آیا می‌توانید این ساعت را به من نشان
دهید؟

تمرین در کلاس؛

اسامی لباس‌های موجود در تصویر صفحه قبل، را بنویسید:

درس نهم: حیوانات و پرندگان

שיעור תשע: בעלי חיים וציפורים



בעלי חיים: حیوانات

חזיר: خوک	کبش: گوسفند	פרה: گاو	حمور: دراز گوش	סוס: اسب
גורילה؛ گوریل	חתול: گربه	גמל: شتر	זברה؛ گورخر	עז: بز
אריה: شیر	ארנב: خرگوش	עוף: جوجه	תרנגול: خروس	תרנגולת: مرغ
נמר: ببر	קוף: میمون	לכבר: موش	כלב: سگ	איל؛ گوزن شمالی
זאב: گرگ	קנגرو: کانگرو	דוב: خرس	ג'یرפה: زرافه	צבי: گوزن

שועל: روباه	פיל: فیل	סנאי: سنجاب	תרנגול: הודו: בوقלמון	ילן: شترمرغ
-------------	----------	-------------	-----------------------------	-------------

ציפורים: پرنده ها

נץ: شاهین	ציפור: پرنده	טווס: طاووس	עורב: کلاغ
ברבור: قو	תוכי: طوطی	יונה: کبوتر	נשר: عقاب
ברווז: اردک	אווז: غاز	ינשוף: جغد	חסידה: لک لک
נקר: دارکوب	עטלף: خفاش	שקנאי: مرغ ماهیخوار	

זוחלים: خزندگان

קوبرה: مار گُبری	צב: لاک پشت	נחש: مار
לטאה: مارمولک	תנין: تمساح	

ג: ماهی

לווייתן: نهنگ	دولفین: دلفین	כריש: کوسه
פינגوین: پنگوئن	שחף: مرغ دریایی	סרטן: خرچنگ
צפרדע: قورباغه		

בגן החיות: در باغ وحش

האם התוכי יכול לדבר؟ آیا طوطی می‌تواند صحبت کند؟

האם הנחש ארסי؟ آیا مار سمی است؟

האם יש תמיד כל כך הרבה זבובים؟ آیا همیشه مگس‌ها زیاد هستند؟

איזה סוג של עכביש؟ چه نوع از عنکبوت؟

מקקים הם מלוכלכים: سوسک‌ها کثیف هستند

האם יש לך כלב؟ آیا شما سگ دارید؟

אני אלרגי לחתולים: من به گربه آلرژی دارم

יש לי ציפור: من یک پرنده دارم

تمرین

اسامی حیوانات جنگل، را بنویسید:

درس دهم: آناتومی (اعضای بدن انسان)

שיעור העשר: אנטומיה



חלקי גוף: اعضای بدن

ראש: سر	שיער: مو	מצח: پیشانی	פנים: صورت	גבה: ابرو
לین: چشم	אוזן: گوش	אף: بینی	לחי: گونه	פה: دهان
שיניים: دندان ها	לשון: زبان	שפתיים: لب ها	סנטר: چانه	לور: پوست
צוואר: گردن	גרון: گلو	וריד: رگ	שריר: ماهیچه	לצב: عصب
ריאה: ریه	צלعا: دنده	עורק: شاهرگ	חוט שדרה: نخاع	עצם: استخوان
כבד: کبد	לב: قلب	כלייה: کلیه	בטן: شکم	מעיים: روده
שלפוחית שתן: مثانه				

אַנטומיָה: آناتومی

מותניים: دور کمر	גב: کمر	חזה: قفسه سینه	כתף: شانه
יד: دست	זרוע: ساعد	מרפק: آرنج	זרוע: بازو
רגל: پا	ציפורן: ناخن	אגודל: شست	אצבע: انگشت
	בהונות: انگشتان پا	קרסول: مچ پا	ברך: زانو



רופא: پزشک

אני צריך לראות רופא: من باید به مطب مراجعه کنم

האם הרופא במשרד?: آیا پزشک در مطب است؟

אתה יכול בבקשה לקרוא לרופא?: آیا میتوانید به دکتر تلفن بزنید؟

מתי יגיע הרופא?: چه موقع پزشک می آید؟

האם את האחות?: آیا شما پرستار هستید؟

אני לא יודע מה יש לי: من نمی‌دانم بیماری من چیست

אבדתי את המשקפים שלי: من عینکم را گم کرده ام

האם אתה יכול להחליף אותם מייד?: آیا می‌توانید همین الان یکی دیگر به

من بدهید؟

האם אני זקוק למרשם?: آیا نسخه نیاز دارم؟

האם אתה נוטל תרופות?: آیا هیچ دارویی مصرف میکنید؟

כן, בשביל הלב שלי: بله برای قلبم

תודה לך על עזרתך: بابت کمک شما سپاسگزارم

درس یازدهم: حمل و نقل عمومی

שיעור אחד עשר: תחבורה ציבורית



מטוס: هواپیما	רכבת: قطار	אוטובוס: اتوبوس	רכבת תחתית: مترو
סירה: قایق	מכונית: خودرو	מעבורת: کشتی	מונית: تاکسی
אופנים: دوچرخه	משאית: کامیون	אופנוע: موتورسیקלט	אמבולנס: آمبولانس
כבאית: ماشین آتش نشانی	ניידת משטרה: ماشین پلیس	טרקטור: טרקטור	מסוק: هلی کوپتر

כיוונים: جهت‌ها



צפון: شمال	דרום: جنوب	מזרח: شرق	מערב: غرب
------------	------------	-----------	-----------

שמאלה: چپ	ימינה: راست	כאן: اینجا	שם: آنجا
-----------	-------------	------------	----------

ישר קדימה: مستقیم	באיזה כיוון؟ در کدام جهت؟	מימין: به راست	משמאל: به چپ
-------------------	---------------------------	----------------	--------------

איפה השירותים؟: دستشویی	איפה תחנת האוטوبוס؟: ایستگاه اتوبوس کجاست؟
מה התחנה הבאה؟: توقف بعدی	האם זו התחנה שלי؟: اینجا پیاده شوم؟

איפה המוזיאון؟: מوزه כגاست?	האם יש דמי כניסה?: آیا باید ورودی بپردازم?
באיזו שעה מתחיל הסרט?: چه زمانی فیلم شروع میشود?	אני רוצה ארבעה כרטיסים בבקשה: لطفاً ۴ بلیط بدهید

תסלח לי, אני צריך לרדת כאן: ببخشید، من باید اینجا پیاده شوم.
 איפה אני יכול למצוא בית מרקחת?: از کجا میتوانم یک داروخانه پیدا کنم?
 איפה יש מסעדה טובה?: کجا یک رستوران خوب وجود دارد?
 האם יש בית מרקחת בקרבת מקום?: آیا داروخانه در این نزدیکی هست?
 האם אתה מוכר מגזינים באנגלית?: آیا شما مجلات به زبان انگلیسی می فروشید?
 האם הסרט באנגלית?: آیا این فیلم به زبان انگلیسی است?

درس دوازدهم: خانه



שיעור השנים עשר: בית

חנייה מקורה: גاراژ	שטיח: فرش	כוננית ספרים: کتابخانه	טלוויזיה: تلویزیون
חצר: حیاط	שטיח: قالیچه	שולחן קפה: میز جلو مبلی	מדיח כלים: ماشین ظرفشویی
קומה: کف زمین	מתג אור: کلید برق	פח אשפה: سطل زباله	מכונת קפה: قهوه ساز
ספה: کاناپه	שקע חשמלי: پریز برق	שולחן: میز	מכונת כביסה: ماشین لباسشویی

דלת: דַר	מקרר: יֶחָפָל	מיטה: תַּחַת خواب	בלנדר: מְחֻלּוּط کن
תקרה: סִפֵּף	תנור: פֶּר	שידה: כֶּמֶד לְבָאס	טוסטר: תוֹסְטֵר
חלון: פִּנְגֵּרָה	מנורה: לָמְפָה	קרש חיתוך: تخته گوشت	תנור חימום: بخاری
	מייבש שיער: סشואר	כיסא: סִנְדֵּלִי	כיריים: גַּז

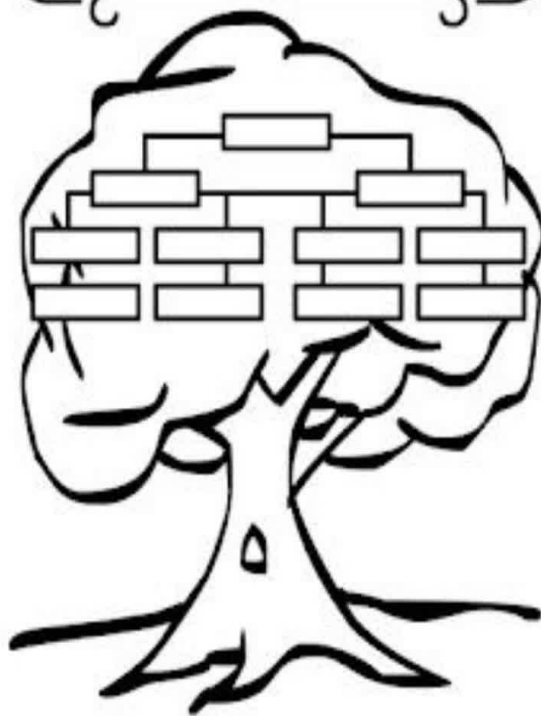
מזגן: תְּהוּיָה כֹנֵנֶה הוּא	סדין: מֵלָפֶה	מחבת: قَابِلֶמֶה
סיר: גִּלְדָּאן	שמיכה: פֶּתוֹ	מחבת טיגון: מַהִיטָבֶה
וילונות: פֶּרְדֵּה הָא	כרית: בָּלֶשׁ	קומקום: כִּתְרִי
	מזרן: תֶּשֶׁק	פותרון: דֶּרְבָּז כֵּן
	קולב: אוֹיֵז לְבָאס	

מראה: אֵינֶה	כיור: רוֹשׁוּיִי	ברז: שִׁיר אֵב
אמבטיה: וָאן חֲמָם	מקלחת: דּוֹשׁ חֲמָם	וילון מקלחת: פֶּרְדֵּה حمام
מגבת: חוֹלֶה	נייר טואלט: שִׁיר תּוֹאֵלֵת	שירותים: תּוֹאֵלֵת



اسامی وسایل بالا که در درس نام برده شده را در جاهای خالی بنویسید.

🌳 کار در کلاس 🌳



درس سیزدهم: ورزش و تفریح

שיעור השלוש עשרה: ספורט ונופש



כדורגל؛ فوتبال	בייסבול؛ بیسبال	כדורסל؛ بسکتبال	כדורעף؛ والیبال
הוקי؛ هاکی	קריקט؛ کریکت	ראגبی؛ راگبی	שחייה؛ شنا
פוטבול؛ فوتبال	צלילה؛ غواصی	גלישה؛ موج سواری	שיט؛ قایق رانی
טניס؛ تنیس	ריצה؛ دویدن	רכיבה על אופניים؛ دوچرخه سواری	חץ וקשת؛ تیراندازی
גولف؛ گلف	סיף؛ شمشیربازی	סקי؛ إسکی	آگراف؛ بوكس
בاولینگ؛ بولینگ	הרמת משקולות؛ وزنه برداری	להשתזף؛ حمام آفتاب گرفتن	החלקה על הקרח؛ إسکی روی یخ

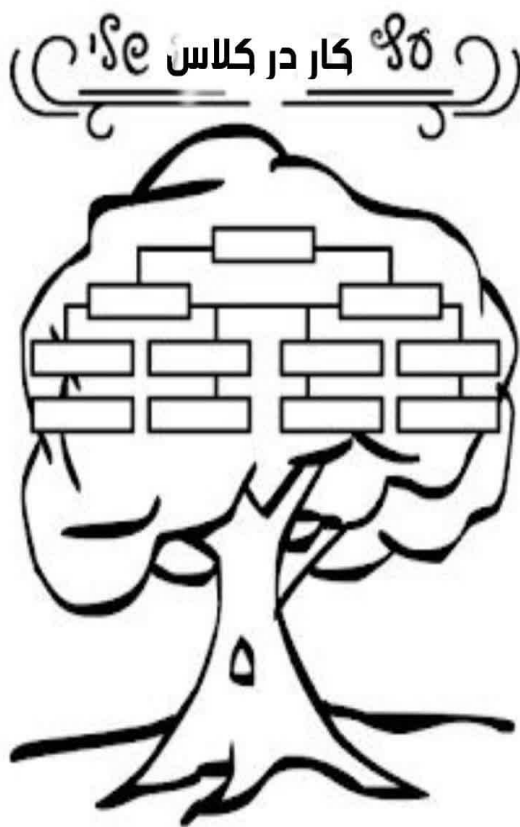


צלילה؛ غواصی

האם החוף חולי؟ آیا ساحل شنی است؟
האם זה בטוח לילדים؟ آیا برای کودکان امن است؟
אנחנו יכולים לשחות כאן؟ می‌توانیم اینجا شنا کنیم؟
האם בטוח לשחות כאן؟ آیا اینجا برای شنا کردن امن است؟
האם יש זרמים تـت-می‌میی מסוכנים؟ آیا جریان آب های خطرناک وجود دارد؟

מה שעת הגאות؟ چه زمانی جزر و مد بالاست؟
מה שעת השפל؟ چه زمانی جزر و مد کم است؟
האם יש זרם חזק؟ آیا یک جریان قوی وجود دارد؟
אני הולך לטיול؛ من می‌خواهم به پیاده روی بروم
האם אנחנו יכולים לצלול כאן בלי סכנה؟ آیا می‌توانیم در اینجا بدون خطر شیرجه بزنیم؟

ورزش‌هایی که در درس آموختید را در جدول زیر بنویسید.



درس چهاردهم: مسافرت

שיעור הארבעה עשר: לנסוע



טיסה؛ پرواز	נמל התעופה؛ فرودگاه	אבדות ומציאות؛ מحل اشیا גمشדה	ברוך הבא؛ خوش آمدید
כרטיס؛ بلیط	מעבר؛ راهرو	איזור איסוף כבודה؛ محل תحويل بار	עגלת מטען؛ چرخ حمل چمدان
דרכון؛ گذرنامه	مغشا؛ سینی	תא מטען؛ محفظه بار همراه	תחנת אוטوبוס؛

ایستگاه اتوبوس				
השכרת רכב; کرایه ماشین	כסף; بال	שורה; ردیف		מספר טיסה; شماره پرواز
מסלול המראה; باند فرودگاه	זנב; دم	מושב; صندلی		ויזה; ویزا
באיזו שעה ננחת?; چه زمانی فرود می آئیم?	נחיתה; فرود	חגורת בטיחות; کمربند ایمنی		מזוודה; چمدان
	המראה; برخاستن	המרת כסף; تبدیل پول		ביקורת דרכונים; مهاجرت
	חגורת הצלה; جلیقه نجات	גובה; ارتفاع		חפצים אבודים; بار گمشده

אני יוצא לחופשה; به تعطیلات میروم	כרטיס איסוף מזוודות; فرم شکایت بار گم شده
הדק את חגורת הבטיחות שלך; کمربند ایمنی خود را ببندید	אני יוצא לנסיעת עסקים; به یک سفر کاری میروم

מלון: هتل



אני צריך שליח؛ من به یک پیشخدمت نیاز دارم
 אתה יכול להשיג לי מונית؟ آیا می توانید برای من یک تاکسی کرایه کنید؟
 ایפה אני יכול למצוא מונית؟ از کجا میتوانم تاکسی پیدا کنم؟
 כמה עולה הנסיעה؟ کرایه چقدر است؟
 תחכה לי בבקשה؛ لطفاً منتظر من بمانید
 אני צריך לשכור מכונית؛ یک ماشین دربست می‌خواهم
 מאבטח؛ نگهبان امنیتی
 אני موכן לעשות צ'ק אאוט؛ من برای تخلیه هتل حاضرم
 אני נהייתי משהותי؛ من از اقامتم لذت بردم
 זהו מלון יפפה؛ این هتل زیباست
 הצוות שלכם נהדר؛ کارمندان شما بی نظیر هستند
 אני אמליץ עליך؛ شما را به دیگران معرفی خواهم کرد
 תודה על הכל؛ بابت همه چیز تشکر میکنم

تمرین در کلاس؛

لغات مربوط به درس را بنویسید:

بخش سوم: صرف افعال

החלק השלישי: הטיית פעלים

صرف فعل ثلاثی مجرد در زمان گذشته

شامَر (نگهبانی کرد) بر وزن فَعَلَ	راعو (گرسنه شدن) بر وزن فَعَلَ
נִשְׁמַרְתִּי - شامرتی - // کردم	רָעַלְתִּי - راعوتی - گرسنه شدم
נִשְׁמַרְתָּ - شامرتا - // کردی	רָעַלְתָּ - راعوتا - گرسنه شدی
נִשְׁמַרְתָּ - شامرت - // کردی (مونث)	רָעַלְתְּ - راعو - گرسنه شد
נִשְׁמַרְ - شامر - // کرد	רָעַלְנוּ - راعونو - گرسنه شدیم
נִשְׁמַרְנוּ - شامرنو - // کردیم	רָעַלְתֶּם - رِعوتِم - گرسنه شدید
נִשְׁמַרְתֶּם - شامرتِم - // کردید	רָעַלְבוּ - راعوو - گرسنه شدند
נִשְׁמַרוּ - شامرو - // کردند ج م	
נִשְׁמַרוּ - شامرو - // کردند ج ث	

تمرین

فعل زیر را صرف کنید:

یاخُل (توانست) بر وزن فَعَلَ خارت (حکاکی کردن) بر وزن فَعَلَ

יָחַלְתִּי - یاخُلْتی - توانستم	
יָחַלְתָּ - یاخُلْتا - توانستی	
יָחַלְ - یاخُل - توانست	
יָחַלְנוּ - یاخُلنو - توانستیم	
יָחַלְתֶּם - یَخُلْتِم - توانستید	
יָחַלְתֶּן - یَخُلْتِن - ج (ث) - توانستید	
יָחַלוּ - یَخْلُو - جمع (م ث) - توانستند	

شاو (برگشتن) بر وزن فاو	مِت (مردن) بر وزن فِل
נָשָׁבְתִי - شَوْتی - برگشتم	מָתִי - مَتی - مُردم
נָשָׁבְתָ - شَوْتَا - برگشتی	מָתָ - مَتَا - مُردی
נָשָׁב - شاو - برگشت	מָת - مِت - مُرد
נָשָׁבְנוּ - شَوْنُو - برگشتیم	מָתְנוּ - مَتْنُو - مُردیم
נָשָׁבְתֶם - شَوْتِم - برگشتید	מָתְתֶם - مَتْم - مُردید
נָשָׁבוּ - شاوو - برگشتند	מָתוּ - مَتُو - مُردند

بُش (خجالت کشیدن) بر وزن بُش	سام (قرار دادن) بر وزن فال
בָּשָׁתִי - بُشتی - خجالت کشیدم	שָׁמַתִי - سَمَتی - قرار دادم
בָּשָׁתָ - بُشتا - خجالت کشیدی	שָׁמַתָ - سَمَتَا - قرار دادی
בָּש - بُش - خجالت کشید	שָׁם - سام - قرار داد
בָּשְׁנוּ - بُشنو - // کشیدیم	שָׁמְנוּ - سَمْنُو - قرار دادیم
בָּשְׁתֶם - بُشتِم - // کشیدید	שָׁמְתֶם - سَمْتِم - قرار دادید
בָּשׁוּ - بُشو - // کشیدند	שָׁמוּ - سامُو - قرار دادند

هالخت (رفتن) بر وزن فاعا	آمرت (گفتن) بر وزن فاعا
הִלַּכְתִּי - هَالَخْتِي - رفتَم	אָמַרְתִּי - آمَرْتِي - گفتَم
הִלַּכְתָּ - هَالَخْتَا - رفتی	אָמַרְתָּ - آمَرْتَا - گفتی
הִלַּךְ - هَالَخَ - رفت	אָמַר - آمَرَ - گفت
הִלַּכְנוּ - هَالَخْنُو - رفتیم	אָמַרְנוּ - آمَرْنُو - گفتیم
הִלַּכְתֶּם - هَالَخْتِمَ - رفتید	אָמַרְתֶּם - آمَرْتِمَ - گفتید
הִלְכוּ - هَالَخُو - رفتند	אָמְרוּ - آمَرُو - گفتند

تمرین:

فعل زیر را صرف کنید.

تال (آوریزان کردن) بر وزن فاعا یارد (فرود آمدن) بر وزن فَعَلَ

	יָרַדְתִּי - یاردتی - فرود آمدم
	יָרַדְתָּ - یارَدتا - فرود آمدی
	יָרַד - یارَد - فرود آمد
	יָרַדְנוּ - یارَدنو - فرود آمدیم
	יָרַדְתֶּם - یَرَدتم - فرود آمدید
	יָרְדוּ - یَرَدو - فرود آمدند

واژه نامه



א

אהבה؛ عشق	אחת؛ یک	אוגוסט؛ اوت	אמן؛ اعتماد	אביב؛ بهار	אסם؛ طویله
אמנות؛ هنر	אחת עשרה؛ یازده	אפריל؛ آوریل	אוקיינוס؛ اقیانوس	אפור؛ خاکستری	ארنب؛ خرگوش
אור؛ نور	ארבע؛ چهار	אוקטوبر؛ اکتبر	אסטרואید؛ ستاره	אישׁ؛ زن	אוو؛ غاز
צבע؛ رنگ	ארבעים؛ چهل	אנשים؛ اشخاص	אדום؛ قرمز	אב חורג؛ ناپدری	אריה؛ شیر
אגם؛ دریاچه	ארבע עשרה؛ چهارده	ארון؛ کمد	אבא؛ پدر	אמש؛ دیشب	אבטיح؛ هندوانه
אי؛ جزیره	אלף؛ هزار	איפור؛ آرایش	אחות؛ خواهر	אולם؛ هال	אטליز؛ قصابی
אורנס؛ آرانوس	ארבע מאות؛ چهارصد	אגס؛ گلابی	אח؛ برادر	אוכל؛ خوراک	אננס؛ آناناس
אגרף؛ بوکس	אלפיים؛ دو هزار	אורז؛ برنج	אמא؛ مادر	אפרסק؛ هلو	אפרسمון؛ خرمالو
אמת؛ راست	אש؛ آتش	אפי؛ پخته شده	אחות؛ پرستار	אתمول؛ دیروز	אבוקد؛ آوکادو
אמן؛ هنرمند	אינטرنט؛ اینترنت	אמبولنس؛ آمبولانس	אור؛ روشن	אם؛ اگر	אמנון؛ تیلپیا
אף؛ بینی	אגודל؛ شست	אף פעם؛ هرگز	אצבע؛ انگشت	או؛ یا	אשכוליות؛ گریپ فروت
אוזן؛ گوش	אוטوبوس؛ اتوبوس	אף אחד؛ هیچ	اولی؛ شاید	אלה؛ آنها	אופנוء؛ موتورسیکلت
אוזניות؛ هدفون	אדריכל؛ معمار	אלה؛ اینها	אנחנו؛ ما	אתם؛ شما	אתראינטرنט؛ وب سایت
אולם؛ با این وجود	אחר؛ دنبال من بیایید	איך؟ چگونه؟	איזה؟ کدام؟	אני؛ من	אסپرگوس؛ مارچوبه
אטרייה؛ رشته فرنگی	אני מצטער؛ متأسفم	איפה؟ کجا؟	אבל؛ اما	ארוך؛ بلند	אם חורגת؛ نامادری
אני לא יודע؛ نمیدانم	ארוחת בוקר؛ صبحانه	אותו הדבר؛ همان	אתה؛ تو	אחר؛ متفاوت	אל תדאג؛ نگران نباش

אשת מכירות؛ فروشنده	אמבטיה؛ وان حمام	אדון؛ مرد شریف
איפה המים؟ آب کجاست؟	איילינر؛ خط چشم	אפונה؛ نخود فرنگی
ארוחה؛ وعده غذایی	אחיין؛ پسر برادر	ארוחת צהריים؛ نهار
אוכמניות؛ بلوبری	אחינית؛ دختر برادر	אח חורג؛ برادر ناتنی
ארבעת אלפים؛ چهارهزار	אחר כך؛ بعد از آن	ארוחת ערב؛ شام
ארטיشوک؛ کنگر فرنگی	אחות חורגת؛ خواهر ناتنی	אוברול؛ لباس ست کامل
אורגنو؛ پونه کوهی	אמצעי זיהוי؛ فرم شناسایی	אחר הצהריים؛ بعد از ظهر
אני רעב؛ من گرسنه هستم	אני לא מבין؛ متوجه نمی‌شوم	איזה צבע זה؟؛ چه رنگی است؟

איפה אתה גר؟؛ کجا زندگی میکنید؟	איפה תחנת האוטوبوس؟؛ ایستگاه اتوبوس کجاست؟
איך اومרים؟؛ شما چطور می‌گویید؟	איזה یوم היום؟؛ امروز چه روزی است؟
איפה המספריים؟؛ قیچی کجاست؟	אתר אינטرنט מאובטח؛ وب سایت امن
איפה השירותים؟؛ دستشویی کجاست؟	

ב

ב: در	בננה؛ موز	ברז؛ شیر آب	בריכה؛ استخر	בלال؛ شوهر	בייטبول؛ بیسبال
בר؛ بار	בשר؛ گوشت	בית؛ ویلا	בנק؛ بانک	בת؛ دختر	באולינג؛ بولینگ
בקבוק؛ بطری	בירה؛ آبجو	בושם؛ ادکلن	ביצה؛ مرداب	בן؛ پسر	בייקون؛ بیکن
בוקר؛ صبح	בצל؛ پیاز	בית ספר؛ مدرسه یا کتابخانه	ברבור؛ قو	בן דוד؛ پسر عمو	בס؛ ماهی بس
בין؛ بین	בית קולנוע؛ سینما	ברווז؛ اردک	בעיר؛ در شهر	בבکשה؛ لطفاً	בשנה הבאה؛ سال بعد
בגلول؛ زیرا	בעלי חיים؛ حیوانات	בוסטר؛ صندلی بلند	בית מרקחת؛ داروخانه	ביצים؛ تخم مرغ	בקלה؛ ماهی کاد
ברווז؛ اردک	ברز؛ زانو	בינוני؛ متوسط	בחוף הים؛ در ساحل	ביסקویت؛ بیسکویت	בוא לכאן؛ بیا اینجا
בחوز؛ خارج از	בלندر؛ مخلوط کن	בטן؛ شکم	בית חולים؛ بیمارستان	באגت؛ باگت	בית תפילה؛ معبد
ביولوجיה؛ زیست شناسی	בהצלחה؛ موفق باشید	בمسדרון؛ در اطراف	באיזה יום؟؛ چه روزی؟	באיזה חודש؟؛ چه ماهی؟	בהונות؛ انگشتان پا
בגריל؛ گریل شده	בקروبه؛ به زودی	בקר؛ گوشت گاو	יבש؛ خشک	בחר؛ انتخاب کنید	בול دوار؛ تمبر
בשבוע הבא؛ هفته بعد	ברוקولی؛ کلم بروکلی	בוקر טוב؛ صبح بخیر	ברוך הבא؛ خوش آمدید	בסדר، תודה؛ خوبم متشکرم	בגדים؛ پوشاک
בחודש הבא؛ ماه بعد	ברק؛ رعد و برق	בשבוע שעבר؛ هفته گذشته	בכל מקום؛ در همه جا	בן כמה אתה؟؛ چند ساله هستی؟	בגד ים؛ مایوی حمام آفتاب
בתוך؛ در	בשר חזיר؛ گوشت خوک	בחודש שעבר؛ ماه گذشته	בתוך؛ داخل	באיזו שעה؟؛ در چه زمانی؟	בובות؛ حیوانات عروسکی
בקבוק؛ لתינוק؛ شیشه شیر بچه	באיזה מעבר؟؛ در کدام راهرو است؟	באיזו שעה ננחת؟؛ چه زمانی فرود می آئیم	ביקורת؛ مهاجرت	בניין؛ ساختمان	באיזה כיוון؟؛ در کدام جهت؟
					בוא/בואי اיתי בבקשה؛ بامن بیا لطفاً

ג

גבעה؛ تپه	גאות؛ مُد	גל؛ موج	ג'ונגل؛ جنگل	גמל؛ شتر	גב؛ کمر
גיאוגرافیه؛ جغرافیا	گیتاره؛ گیتار	گرور؛ کشیدن	گ'نجر؛ زنجبل	گ'یرفده؛ زرافه	گبد؛ ابرو
גרمانیه؛ آلمانی	گلیده؛ بستنی	گلوس؛ برق لب	گید؛ تاندون	گوو ציפורניים؛ ناخن گیر	גבר؛ مرد
גبیلا؛ فنیجان	גזر؛ هویج	גזה؛ گاز پانسمن	גلیשה؛ موج سواری	گلکسیده؛ کهکشان	گیסה؛ خواهر زن
גרון؛ گلو	גן حیوت؛ باغ وحش	גרביים؛ جوراب	گופییه؛ زیر پیراهن	گولر؛ کُلف	גלشن کیکبورد؛ تخته شنا
גובה؛ ارتفاع	גגد؛ در مقابل	גברته؛ خانم، دوشیزه، بانو	گلشن؛ تخته مخصوص اسکی روی آب	גلیشت میلیم؛ سطر بندی متن	گیس؛ برادر زن
גدول؛ بزرگ	גבינת قوטה؛ پنیر کلم		גרביونیم؛ جوراب ساق بلند		ג'نس؛ شلوار چین

ד

דבר לאט؛ آرام صحبت کنید	דואר؛ اداره پست	דוט קום؛ دات کام	דרום؛ جنوب	דוד؛ عمو	דولفین؛ دلفین
דג זהב؛ ماهی طلایی	דירה؛ آپارتمان	דואر זבל؛ هرزنامه	دلته؛ در	دودد؛ عمه	دوب؛ خرس
דרכون؛ گذرنامه	דף הבית؛ صفحه خانگی	דומיין؛ دایرکت؛ دامنه عمومی	دگنیم؛ غلات	دبک؛ چسب	دبش؛ عسل
دوا"ل مוצفون؛ ایمیل رمزگزاری شده	دیلت؛ مهماندار پرواز	دخف؛ فشار دادن	دیسک؛ دیسک	درف آگب؛ ضمناً	دگ؛ ماهی
دوار یוצا؛ صندوق پیام های خروجی	دودورنت؛ اسپری زیر بغل	دفا هاینترنت؛ صفحه اینترنتی	دگل؛ بنر	دفدرفن؛ مرورگر	دבורه؛ زنبور عسل
دلت سنییه؛ دلمشمال؛ درب دوم سمت چپ	دلت راسونه؛ دلد یمن؛ درب اول سمت راست		دگ خرب؛ اره ماهی	دگل؛ پرچم	دلی؛ سطل

ה

המראה; برخاستن	הוקי; هاکي	המבורגר; همبرگر	היסטוריה; تاریخ	הר; کوه	הודו; بوقلمون
הרבה פעמים; بارها	הר געש; آتشفشان	הורים; والدين	היפופוטם; اسب آبی	הולכי רגל; عابر پیاده	הלילה; امشب
היום; امروز	המזון קר; غذا سرد است	הרוח נושבת; باد می‌وزد	האם זה חריף? آیا تند است?	העדפות; ترجیحات	הכול; همه چیز
הם; آنها	היכנס; ثبت نام	העלה; بارگذاری	הורה; دانلود	הירשם; اشتراک در	המרת כסף; تبدیل پول
היא; او	הפעל; اجرا کردن	הודעה; پیام	היפר-קישור; هایپرلینک	הקש; گوش کنید	השכרת רכב; کرایه ماشین
הוא; او	הלכתי לאיבוד; من گم شدم	האם אתה נשוי? متأهل هستید?	היכנס; بفرمائید داخل	הגעה; ورود به مقصد	העברת קבצים; انتقال فایل
האם זה רציני? آیا جدی است?	הודעות יוצאות; پیام های خروجی	השב לכולם; پاسخ به همه	השמש זורחת; آفتابی است	האם אתה מבין? متوجه شدید?	האם יש לך שאלה? سوالی دارید?
החשוב; בבקשה; صورتحساب لطفا	הרמת משקולות; وزنه برداری	האם הדגים טריים? آیا ماهی تازه است?	הודעות שנמחקו; پیام های حذف شده	הבשר נא; گوشت نپخته است	

האם אתה מדבר אנגלית? آیا شما انگلیسی صحبت میکنید?	האם אני יכול לעזור לך? میتوانم به شما کمک کنم?
האם יש מציל? آیا نجات غریق وجود دارد?	האם החוף חולי? آیا ساحل شنی است?
התישאי לי? با من ازدواج میکنی?	האם אתם קרובי משפחה? آیا شما باهم نسبت دارید?

הטמפרטורה ۲۴ מעלות ۲۴ درجه است	החלקה על הקרח; اسکی روی یخ	האם המים קרים? آیا آب سرد است?
-----------------------------------	----------------------------	-----------------------------------

۶

וילון מקלחת؛ پرده حمام	וילונות؛ پرده ها	ואתה؟؛ و شما؟	۱ - و
	וטרינر؛ دامپزشک	ויזה؛ ویزا	וריד؛ رگ

۲

זרוע; بازو	זוקני; کدو سبز	זחל; هزار پا	זאב; گرگ	זהב; طلایی	זהו יום יפה; روز زیبایی است
		זקן; پیر	זנב; دم	זרוע; ساعد	ז'קט; کت

ח

חמ"ש: ۵	חוף: ساحل	חום: قهوه ای	חג: تعطیلات	חתונה: عروسی	חגיגה: جشن	חי: زنده
חמישים: ۵۰	חמה: عطارد	חזירה: سوتین	חיפוشت: سوسک	חותן: پدر	חולצה: پیراهن	חוوه: مزرعه
חמש عשרه: ۱۵	חלל: فضا	חגב: ملخ	חמור: الاغ	חולצה: بلوز	חצאית: دامن	חם: گرم
חמש מאות: ۵۰۰	חליל: فلوت	חציץ: بادمجان	חולדה: موش	חזיר: خوک	חדר: اتاق	חיתול: پوشک
חמשת אלפים: ۵۰۰۰	חסیلون: میگو	חוט דנטلی: نخ دندان	חמאה: کره	חסه: کاهو	חגורה: کمربند	חסידה: لک لک
חֲמֵן: داماد	חול: شن	חמוץ: ترش	חלב: شیر	חדש: جدید	חזק: قوی	חומץ: سرکه
חודש: ماه	חתול: گربه	חוوه: مزرعه	חץ: پیکان	חלק: بعضی	חלק: نرم	חלון: پنجره
חורף: زمستان	חצוצרה: شیپور	חקלאות: کشاورزی	חציר: علف	חברה: دوست دختر	חבל: طناب	חשמלית: تراموا
חזה: قفسه سینه	حدر שינה: اتاق خواب	חצר: حیاط	חם: داغ	حבר: دوست پسر	חوشه: تاریک	חולצת ט: تی شرت
חקלאי: کشاورز	חנות ספרים: کتابفروشی	חיטה: گندم	חטיף: میان وعده	חנייה מקורה: گاراژ	חצות: نیمه شب	חטה: گندم
حدر בית מלון: اتاق هتل	حرب: شمشیر	حدر אוכל: اتاق ناهارخوری	חלקי גוף: اعضای بدن	חכה כאן: اینجا منتظر باشید	حוט שדרه: نخاع	חדل: خردل
حפתים: دکمه سردست	חצי האי: شبه جزیره	חברה: دوست دختر	חותנת: مادر زن	חץ וקשת: تیراندازی	חם עכשיו: گرم است	חגורת הצללה: جلیقه نجات
חومרים מזינים: مواد مغذی	حدر אמבטיה: حمام	חודשי השנה: ماه های سال	חליפה: کت و شلوار	חגורת בטיחות: کمربند ایمنی	حدر כביסה: اتاق رختشویی	חלוק: لباس بلند و گشاد
	חתימה דיגיטלית: امضای دیجیتال	חיל הפרשים: سواره نظام	חיל רגלים: پیاده نظام	חזרה: بازگشت	חקירה: بازجویی	חשמלאי: تکنسین برق

ט

טוב; خوب	טלסקوپ; تلسکوپ	טניס; تنیس	טווס; طاووس	טייץ; ساق
טבלת; حلقه	טלוויזיה; تلویزیون	טוסטר; توستر	טיפת גשם; قطره باران	טייפון; گردباد
טימין; آویشن	טלפון; تلفن	טרקטور; تراکتور	טבח; آشپز	טרופי; استوایی
טונה; ماهی تن	טיסה; پرواز	טייס; خلبان	טיפ; انعام	



יום השנה; سالگرد	יום שמיני; جمعه	ידידות; دوستی	יחד; باهم	יום; روز	ירק; سبز
יום הולדת; تولد	יום שבת; شنبه	ינואר; ژانویه	ילן; شترمرغ	ירח; ماه	יער; جنگل
יום הולדת שמח; تولدت مبارک	יום ראשון; یکشنبه	יוני; ژوئن	יגורט; ماست	ים; دریا	ימינה; راست
ימות השבוע; روزهای هفته	ילדים; فرزندان	יולי; ژوئیه	ישר קדימה; مستقیم	ילדה; دختر	יד; دست
יום שני; دوشنبه	ירקות; سبزیجات	יקום; جهان	ירך; باسن – ران	יותר; بیشتر	יצאה; خروجی
יום שלישי; سشنبه	ישבן; سرین	יורד גשם; بارانی است	יותר مدی; بسیار زیاد	ינשון; جغد	ישן; قدیمی
יום רביעי; چهارشنبه	יפנית; ژاپنی	ילד; فرزند	יורד שלג; برفی است	יונה; کبوتر	יבש; خشک
יום חמישי; پنجشنبه	יפה; زیبا	יתוש; پشه	יצאה; حرکت		

ד

כף; بله	כיריים; گاز	כיתה; کلاس	כדור; کلاس والیبال	כתום; نارنجی	כתיבה; نگارش
כבוד; احترام	כדור; توپ	כדور; توپ	כוכב; لכת; سیاره	כביש; جاده	כלה; عروس
כولס; عصبانی	כוס; لیوان	כלב; سگ	כینور; ویولن	כוננית; سפרים; کتابخانه	כוכב; ستاره
כחול; آبی	כریש; کوسه	כף; قاشق	כדור; هارپ;	כתف; شانه	כניסה; ورودی
כף; بیل	כלב; سگ	כריך; ساندویچ	כיתה; سطح کلاس	כיסנים; پیراشکی	כروب; کلم
כיסا; صندلی	כלי; گیتار; آلت	כروנית; گُل کلم	כدورسل; بسکتبال	כאז; اینجا	כלייד; کلیه
כיוور; روشویی	כלב; سگ	כבד; کبد	כدورگل; فوتبال	כنف; بال	כרית; بالش
כוסברה; گشنیز	כנסیיד; کلیسا	כوبل; کلاه لبه دار	כסה; نقره ای	כבای; آتش نشان	כל; همه

כسا; توپ; صندلی ساحلی	כוכب; سگ; ستاره دریایی	כسا; بטיחות لتنون;	כیسو; میز; روتختی
כوسوت; میدید; پیمانه های اندازه گیری	כیسو; گلدان; ویلچر	כותרות; هودعه; عنوان پیام	כמה; زمان; چه مدت?
כریش; توت; رنگی	כروب; نیلانی; جوانه بروکسل	ככה; مانند این	כמה; چقدر?
כרیت; حیوان; کیسه آب گرم	כریت; کلاه; کیسه یخ	כולم; هر کسی	כریس; بلیط
כفפות; دستکش های پزشکی			

ל

לול؛ گهواره	לווייתן؛ نهنگ	לב؛ سفید	לא؛ خیر	לתאה؛ مارمولک	لاט؛ به آرامی
לבד؛ تنها	לקבור؛ دفن کردن	לשרוף؛ سوزاندن	לוח שנה؛ تقویم	לחך؛ بارهنگ	להרוג؛ کشتن
לחתוך؛ بریدن	להקיא؛ استفراغ کردن	لاט؛ آرام	לחם؛ نان	לב؛ قلب	لرמות؛ تقلب کردن
לשתול؛ کاشتن	لגייס؛ استخدام کردن	לשון؛ زبان	לימונדה؛ لیموناد	לילה؛ شب	לאכול؛ خوردن
ליים؛ لیموترش	להעיד؛ شهادت دادن	לחמניה؛ رول	לח؛ گونه	למעלה؛ طبقه بالا	להתראות؛ خداحافظ
لוח؛ تخته سیاه	לא מוסרי؛ غیر اخلاقی	לקצור؛ برداشت کردن	לקנות؛ خرید	לפחות؛ حداقل	ליمون؛ لیمو
לגדל؛ رشد کردن	ללכוד؛ دستگیر کردن	להגן؛ محافظت کردن	לסת؛ فک	לגלוש؛ وب گردی	لחפש؛ تحقیق
להסیت؛ تحریک کردن	להתפטר؛ استعفا دادن	לפי חודש؛ ماهانه	لוח؛ کلیپ بورد	לאן אתה نوسعه؟؛ کجا میروی؟	لוחم؛ جنگجو

לאחר؛ بعداز	للا؛ بدون	لמה؛ چرا	לבסוף؛ سرانجام
لכ؛ از این رو	למרות؛ هرچند	لدוגמה؛ مثلاً	لتוך؛ داخل
לאורך؛ در امتداد	לחצן لعکبر؛ دکمه ماوس	לא נכון؛ غلط	لכמה זמן؟؛ برای چه مدت
לחץ؛ کلیک کردن	לעדכן؛ به روزرسانی	לחצן؛ دکمه	לאורך הקیر؛ در امتداد نور
לפט؛ اخراج کردن	לוויה؛ مراسم خاکسپاری	למטה؛ طبقه پایین	לסגת؛ عقب نشینی
להשתוף؛ حمام آفتاب گرفتن	לערוך את השולחן؛ چیدن میز	לפני؛ عقب/ قبل از	לילה טוב؛ شب خوش
להתרבות؛ تولید مثل کردن	לפעמים؛ بعضی وقت ها	להשקות؛ آبیاری کردن	לחבל؛ خراب کاری کردن

לצאת לפנסיה؛ بازنشسته شدن

م

מדעים؛ علوم	موفتע؛ متعجب	מחברת؛ دفتر	מתנה؛ هدیه	מת؛ مرده	מפל מים؛ آبشار
מא؟؛ ماه مه	מסיבה؛ مهمانی	מוזיקה؛ موسیقی	מספרים؛ اعداد	מחק؛ پاک کن	מטאור؛ شهاب
מפרץ؛ خلیج	מכנסים؛ شلوار	מר؛ آقای	מים؛ آب	מאדים؛ مریخ	מדבר؛ بیابان
מזל טוב؛ تبریک	מגבות؛ حوله	מטריד؛ چتر	מעיל؛ کت	משקפיים؛ عینک	מזרן؛ تشک
מגפיים؛ بوت	מסקרה؛ ریمل	מדוזה؛ عروس دریایی	מייקاف؛ کرم پودر	מטפחת ראש؛ روتری	מפיות؛ دستمال
מרכז؛ نرم کننده	מחסן؛ آلونک	מייבش؛ خشک کن	מפתחות؛ کلیدها	מראה؛ آینه	מטבח؛ آشپزخانه
מרפסת؛ بالکن	מברשת؛ برس مو	מקלחת؛ دوش حمام	מקרر؛ یخچال	משקל؛ ترازو	מחבת؛ قابلمه
منורה؛ لامپ	מתג אור؛ کلید برق	מרכז؛ مرکز	מוזיאון؛ موزه	מהر؛ سریع	מים؛ آب
מעונן؛ ابری	מזוויד؛ چمدان	מחבת טیגון؛ ماهیتابه	מדחן؛ پارکومتر	מטוס؛ هواپیما	מותניים؛ دور کمر
מעלות؛ درجه	מספריים؛ قیچی	מעלית؛ آسانسور	מתלה؛ آویز	מצח؛ پیشانی	مدحوم؛ دماسنج
מתון؛ معتدل	מכונת קפה؛ قهوه ساز	מרפק؛ آرنج	מאוחר؛ دیر	מיקروگل؛ مایکروفر	מיונז؛ مایونز
מלא؛ پر	מסכה؛ ماسک	משקה؛ نوشیدنی	מיטה؛ تخت خواب	מרתף؛ زیرزمین	מפת שולחן؛ رومیزی
ממתקים؛ شیرینی	מורה؛ معلم	מستیק؛ آدامس	משטרה؛ ایستگاه پلیس	מוסקט؛ جوز هندي	מרכז העיר؛ مرکز شهر
مدים؛ یونیفرم	מזרק؛ سُرنگ	מאפייה؛ نانوایی	מרזב؛ جوی آب	מדרכה؛ پیاده رو	מכבסה؛ خشکشویی
מה؟؛ چیست؟	מערב؛ غرب	מעיים؛ روده	מאפיيه؛ نانوایی	مسעדה؛ رستوران	מرووה؛ مریمی
مگدل؛ داس	مکب؛ رادار	مחר؛ فردا	מעبر؛ راهرو	مول؛ جلو	موکدم؛ در اوایل

מה שמך؟؛ نام شما چیست؟	מאיפה אתה؟؛ اهل کجا هستید؟	מה שלומך؟؛ حال شما چطور است؟
משועמם؛ بی حوصله	מחדד؛ مداد تراش	מתמטיקה؛ ریاضی
מערכת שמש؛ منظومه شمسی	מציל؛ نجات غریق	משקפי שמש؛ عینک آفتابی
מסנן קרינה؛ ضد آفتاب	מקום؛ سوسک خانه	מכנסיים קצרים؛ شورت
מעיל גשם؛ پالتو بارانی	מגבונים؛ دستمال مرطوب نوزاد	מחזיק מפתחות؛ جاکلیدی
מברשת איפור؛ برس آرایش	מברשת שיניים؛ مسواک	משחת שיניים؛ خمیردندان

מזג؛ تهویه کننده هوا	מכונת כביסה؛ ماشین لباسشویی	מייבש שיעر؛ سشوار	מדיח כלים؛ ماشین ظرفشویی	מעבר حציیه؛ خط عابر پیاده
موزون کفوا؛ مواد غذایی منجمد	موزری حلب؛ فرآورده های لبنی	مولون مر؛ گلابی بلستان	میزور؛ مرزنگوش	مولیم؛ صدف دو کفه ای
مکونیه؛ خودرو	مشقه موز؛ نوشابه گازدار	مآوده؛ بخار پز شده	میوز؛ به سمت راست	مسفر تیسو؛ شماره پرواز
میوز؛ آب میوه	میوز تفویم؛ آب پرتقال	مونیه؛ تاکسی	ماوهر یوتر؛ پس از	موسر؛ پرده
ملو؛ نمک	منو؛ یک قسمت	موزو؛ شرق	محر ببورق؛ فردا صبح	مهندس؛ مهندس
ملفوف؛ خیار	ملو؛ کمی	מעבורت؛ کشتی	מעبر لفینه؛ در گوشه	مזکیر؛ منشی
موشم؛ زردآلو	مٹوگن؛ سرخ شده	مشائیه؛ کامیون	مشمالر؛ به سمت چپ	مژش؛ سینی
منو؛ انبه	موزقن؛ تفت داده شده	مسوگ؛ هلی کوپتر	ماوهر؛ پشت	موشب؛ صندلی
مکونت شیکور؛ دستگاه اشعه ایکس	ملزار؛ پیشخدمت مرد	مهدهق؛ گیرنده کاغذ	مחشوب نیذ؛ لپ تاپ	مשהو؛ چیزی
مشرد مکس؛ دفتر گمرک	ملزریه؛ پیشخدمت خانم	مחشبون؛ ماشین حساب	مجرفه؛ شن کش	میم مینرلیم؛ آب معدنی
مٹعن یذ؛ ساک دستی چرخ دار	مکونای؛ مکانیک	מעטפה؛ پاکت	ماوهر؛ پشت	معلل؛ بالای
مسلول همراه؛ باند فرودگاه	مکشیر فکس؛ دستگاه فکس	منوع حیفوش؛ موتور جستجو	מתחות؛ زیر	مخوز؛ بیرون
مابטה؛ نگهبان امنیتی	مکونت צیلوم؛ دستگاه فتوکپی	מעودکن؛ به روز شد	میلوت مפתח؛ کلمه کلیدی	מעبر؛ روی
مشرتو؛ پلیس	مکونت کتیه؛ ماشین تحریر	مودش؛ متن پُررنگ	מעטים؛ کمی از	مסحب؛ اطراف
מהر؛ عجله کنید	مקר؛ پروژکتور	مקלות؛ صفحه کلید	ملوکلر؛ کیف	موشو؛ کشیدن
مودم؛ مودم	مחش؛ رایانه	مخوسفس؛ زبر	مسد نٹونیم؛ پایگاه داده	می؛ چه کسی؟

מחלבה; به جز	מ; از	מכוש; کلنگ	מחרשה; شخم زدن
מחלבה; لبنیات	מרעה; علفزار	מגוייס; تازه سرباز	מאה; قرن
מסוק; هلیکوپتر	מקלעת; منجنیق	מדעי המחשב; علوم کامپیوتر	מה הצבע המועדף עליך; چه رنگی دوست داری?
מדעים; علوم پایه	מתמטיקה; ریاضی	מיליון; میلیون	מונסון; فصل بارندگی

נ

נובמבר؛ نوامبر	נמר؛ بَبر	נחיתה؛ فرود	נפלת؛ من افتادم	נקי؛ تمیز	נקניקיה؛ سوسیس
נייר؛ کاغذ	נשר؛ عقاب	נכד؛ نوه	נכדה؛ نوه دختری	נכון؛ صحیح	נمل؛ بندرگاه
נבל؛ چنگ	נכדים؛ نوه‌ها	נלץ؛ پونز	נכד؛ نوه پسر	נושא؛ موضوع	נקניקיה؛ هات داگ
נהר؛ رودخانه	נملך؛ مورچه	נייר؛ کاغذ	נקל؛ پیچ خوردن	נייר טואלט؛ دستمال توالت	נתראה مחר؛ فردا میبینمت
נוגה؛ ونوس	נחש؛ مار	נשק؛ سلاح	נחמד לראות אותך؛ خوشحالم میبینمت	נחמד לפגוש אותך؛ از ملاقات شما خوشبختم	נקודתיים؛ نقل قول (:)
נפטון؛ نپتون	נקר؛ دارکوب	נמלץ؛ گیرنده	נמל התעופה؛ فرودگاه	נצר חیزון؛ ساقه بامبو	

ס

ספר; کتاب	סליחה; بخشید	סרגל; خط כֶּשֶׁ	סגול; بنفش	ספטמבר; سپتامبر	סופה; طوفان
סבון; صابون	סומק; رژ گونه	סנדלים; صندل	סینی; چینی	סתי; پائیز	סוודر; سویشرت
ספה; کاناپه	סוס; اسب	סכין; چاقو	סרטן; خرچنگ	סוכریوت; آبنبات	סגור; بسته
סדין; ملافه	סוסון ים; اسب دریایی	סیر; گلدان	סטیک; استیک	سلط; سالاد	סمل; نماد
סלری; کرفس	סנאי; سنجاب	סל; سبد	סרטן; خرچنگ	סוכریה; آب نبات	סק; اسکی
סיכת نو; سنجاق سینه	סولیت; حلوا	סירה; قایق	سلون; اتاق پذیرایی	ספרדیت; اسپانیایی	سבתא; مادر بزرگ
סנטר; چانه	סוכر; قند	ספריה; کتابخانه	סوفگنی; دونات	ספگت; اسپاگتی	סבא; پدر بزرگ
سیسمه; رمز عبور	ספר; آرایشگر	סکین; گیلود; ریش تراش	סרגل; کلیه; نوار ابزار	سופת; شلگیم; کولاک	سلمון; ماهی آزاد
سיום; لیמודیم; فارغ التحصیلی	סוף; هفته	סף; شمشیر بازی	سوفت; حوله; طوفان شن	سوس ים; گراز دریایی	سبیم; پدر بزرگ، مادر بزرگ
سینر; پیشبند بچه	سل; کبیا; سبد لباسشویی	סיכת; عניבה; سنجاق کراوات	سوفر; مرقط; سوپر مارکت	سرط; הדבקה; نوار	سیمنی; نشانک گزاری
סלאש; اسلش (/)	סיبرسپی; فضای مجازی	ספר; اورחים; کتاب مهمان	סמן; את; התיבה; کادر را علامت بزنید		

ע

עשר: ۱۰	עשרים ושבע: ۲۷	לכשיו: اکنون	לט: خودکار	ערבית: عربی	לפרון: مداد
עשרים: ۲۰	עשרים ושמונה: ۲۸	עשור: دهه	עצוב: غمگین	לטלף: خفاش	لונות: فصل‌ها
עשרים ואחת: ۲۱	עשרים ותשע: ۲۹	עכביש: عنكبوت	עניבה: کراوات	ענבים: انگور	עגילים: گوشواره
עשרים ושתיים: ۲۲	עשרת אלפים: ۱۰۰۰۰	עורב: کلاغ	עגלה: کالسکه	עיר בירה: پایتخت	עוגיות: شیرینی
עשרים ושלוש: ۲۳	עשר میلیون: ده میلیون	עציץ: گیاه	עכשיו מעונן: ابری است	עכשיו לח: مرطوب است	لور: پوست
עשרים וארבע: ۲۴	עכבר: موش	עצام: استخوان	עצב: عصب	لورק: شاهرگ	لکب: پاشنه
עשרים וחמש: ۲۵	لور: جوجه	لצור: ایست	لוגה: کیک	لרב: عصر	لین: چشم
עשרים ושש: ۲۶	لن: ابر	لבה: ضخیم	لם קרח: با یخ	لזרה: کمک	لכشיו: اکنون
لרב טוב: شب بخیر	لעבנייה: گوجه فرنگی	لغل: گوشت گوساله	לל השולחן: روی میز	לגלת קניות: سبد خرید	لוד: بیشتر
לכشיו: الان	לל יד: کنار	לבור: برای	לובד משרד: کارمند اداری	لזור لی: به من کمک کنید	لورج دین: وکیل
לפרון גבות: مداد ابرو	ליתונאי: روزنامه نگار	לליית גג: اتاق زیرشیروانی			

פ

פברואר؛ فوريه	פיזיקה؛ فيزيك	פלوتو؛ پلوتو	פסנתר؛ پیانو	פیل؛ فیل	פרי؛ میوه
פגום؛ معیوب	פארק؛ پارک	פתוח؛ باز	פינה؛ نبش	פה؛ دهان	פטל؛ تمشک
פستاده؛ پاستا	פלם؛ یکبار	פלפל؛ فلفل دان	פסיפלורה؛ میوه تُرش	פנים؛ صورت	פינגوین؛ پنگوئن
פיگ'مه؛ لباس خواب	פיצה؛ پیتزا	פטרولیله؛ جعفری	פלפל؛ فلفل	פלפל آدوم؛ فلفل هندی	פחות؛ کمتر
פרפר؛ پروانه	פלگ گوף لعلیون؛ میان تنه	פח אשפה؛ سطل زباله	פלפל צ'یلی؛ فلفل تند	פלמינגو؛ فلامینگو	פוטبول؛ فوتبال آمریکایی
פופקורن؛ پاپ کرن	פרת משה רבנו؛ کفشدوزک	פח אשפה؛ سبد کاغذ باطله	פנס רחוב؛ چراغ خیابان	פפריקה؛ فلفل قرمز هندی	פילה مینیون؛ فيله مینیون
פחית؛ قوطی	פינצטה؛ موچین	פורل؛ ماهی قزل آلا	פטور ממס؛ معاف از عوارض	פנקس כתובות؛ دفترچه آزمون	פטريوت؛ قارچ

צ

צידנית؛ کولر	צהוב؛ زرد	צלעה؛ زنبور	צדק؛ مشتری	צלוחית؛ نعلبکی
צלוי؛ کباب شده	צלیر؛ جوان	צدפה؛ صدف	צ'یفس؛ چیپس	צלון؛ تربچه
ציور؛ نقاشی	צלצנת؛ شیشه	צدפה؛ گوشت صدف	צלחת؛ بشقاب	צدף؛ صدف حلزونی
צלילה؛ غواصی	ציפור؛ پرنده	צלوف؛ مارماهی	צלצועים؛ اسباب بازی	צלעות کبش؛ بره
צלון؛ شمال	ציפורן؛ ناخن	צלردل؛ قورباغه	צייר؛ نقاش	צלر؛ پیوست کردن
צور؛ جواهر فروش	צوואر؛ گردن	צامکا؛ خارج شوید	צלצר؛ جیرجیرک	ציפית لکری؛ روبالشتی
צבעי הקשת؛ رنگین کمان	צרפתית؛ فرانسوی	צהריים טובים؛ عصر به خیر	צלعه حזیر؛ گوشت خوک خرد شده	צ'یفس؛ سیب زمینی سرخ شده

ק

קשה؛ سخت	קוטב؛ قطبی	קנקן؛ پارچ	קומקום؛ کتری	קר؛ سرد
קטן؛ کوچک	קוף؛ میمون	קומד؛ کف زمین	קعרה؛ کاسه	קישور؛ پیوند
קריקט؛ کریکت	קنگرو؛ کانگرو	קדימה؛ هدایت	קוקوس؛ نارگیل	קבלه؛ رسید
קצת יותר؛ کمی بیشتر	קצר؛ کوتاه	קיمل؛ زیره سیاه	کیوی؛ کیوی	קלידים؛ ابزار
קטן؛ کوچک	קלוי؛ برشته شده	קינوخ؛ دسر	קפה؛ قهوه	קר لعشיו؛ سرد است
קחטר؛ گوش پاک کن	קצوץ؛ خرد شده	קופסת אוכל؛ جعبه ناهار	קמח؛ آرد	קערית סוכר؛ ظرف شکر
קבוצת دیون؛ گروه خبری	קרוב משפחה؛ فامیل	קניון؛ مرکز تجاری	קטנול؛ اسکوتر	קونسילر؛ پوشاننده
קוראים לי؛ اسمم ... است	קיש חיתוך؛ تخته گوشت	קטשوف؛ سس گوجه فرنگی	קביים؛ عصای زیر بغل	קיץ؛ تابستان
	קניון؛ دره عمیق و باریک	קרם گیلوخ؛ کرم اصلاح	קولب؛ آویز لباس	קریאה؛ روخوانی

ך

רגוע؛ آرام	רכס הרים؛ رشته کوه	רימון؛ انار	ראגבי؛ راگی
ריאה؛ ریه	ריחן؛ ریحان	רטוב؛ خیس	ראש؛ سر
רזה؛ لاغر	רך؛ نرم	ריק؛ خالی	רוקח؛ داروساز
רוסית؛ روسی	רבים؛ بسیاری، زیاد	רועש؛ شلوغ	رשת؛ شبکه
רופא؛ پزشک، دکتر	רואה חשבון؛ حسابدار	רק رגע؛ کمی صبر کنید	רכבת תחתית؛ مترو
רכבת؛ قطار	رمזור؛ چراغ راهنمایی	ריצה؛ دویدن	רחוב؛ خیابان
רשימת קניות؛ لیست خرید	רכיבה על اופניים؛ دوچرخه سواری		

ש

שקנאי؛ مرغ ماهیخوار	שחייה؛ شنا	שפה זרה؛ زبان خارجی	שמחה؛ شاد	שמה؛ خوشحال
שמאלה؛ چپ	שפמנון؛ گریه ماهی	שמיכה؛ پتو	שפתון؛ رژ لب	שמלה؛ پیراهن
		שקوفיות؛ اسلاید	שפתיים؛ لب‌ها	שיער؛ مو

ז

שום; سیر	שמים; آسمان	שוב; دوباره	שבע מאות; ۷۰۰	שבע עשרה; ۱۷	שנים; ۲
שועל; روباه	שפירית; سنجاقک	שקיעה; غروب	שמונה מאות; ۸۰۰	שמונה עשרה; ۱۸	שלוש; ۳
שלشום; پریروز	שולחן; میز	שנה; سال	שלושת אלפים; ۳۰۰۰	שלושים; ۳۰	שש; ۶
שעועית; لوبیا	שכן; همسایه مرد	שבוע; هفته	ששת אלפים; ۶۰۰۰	שישים; ۶۰	שבע; ۷
שטיח; فرش	שכנה; همسایه زن	שחור; سیاه	שבעת אלפים; ۷۰۰۰	שבעים; ۷۰	שמונה; ۸
שדרה; خیابان	שיט; قایق رانی	شمش; خورشید	שמונת אלפים; ۸۰۰۰	שמונים; ۸۰	שנים עשרה; ۱۲
שעון; ساعت	שוק; بازار	שבתאי; زحل		שלוש מאות; ۳۰۰	שלוש עשרה; ۱۳
שינקין; ژامبون	שמנת; خامه	שפל; جزر	שלום; سلام, صلح	שש מאות; ۶۰۰	שש עשרה; ۱۶
شمפו; شامپو	שחק; مرغ دریایی	שוטר; پلیس	שירת לילה; پاتختی	שמן; روغن	שקט; ساکت
שפעת; آنفولانزا	שזيف; آلو	שידה; کمد لباس	שיניים; دندان ها	שבור; شکسته	שוקולד; شکلات
שעועית ירוקה; لوبیا سبز	שלי; مال من	שוודית; سوئدی	שחר; انداختن	שם; آنجا	שירותים; توالت
של; از	שוק; عضله ساق پا	שריר; ماهیچه	שמן; چاق	שר; سرآشپز	שקדים; لوزه ها
שום دבר; هیچ	שלה; مال او مونث	שב; بنشینید	שופט; قاضی	שורה; ردیف	שלך; مال شما
שרברב; لوله باز کن	שקع חשמלי; پریز برق	שם משתמש; نام کاربری	שמור; ذخیره	שלו; مال او مذكر	שקר; دروغ
شمשיه; چتر ساحلی	שביט; ستاره دنباله دار	שולחן کתיבה; میز مطالعه	שרת מאובטח; سرور امن	שלהם; آنها	שאלה; سوال
שנה שעברה; سال گذشته	שלפוחית شتن; مثانه	שבולת שועל; جو	שנה טובה; سال جدید مبارک	שטרודل; آت ساین	שלנו; مال ما

שולחן החתלה؛ میز تعویض پوشک نوزاد	שנורקל؛ لوله مخصوص نفس کشیدن در زیر آب	שלום עולמי؛ صلح بر روی زمین
שמנת מתוקה؛ خامه زده شده	שאלות נפוצות؛ پرسش‌های متداول	שער עלייה؛ گیت سوار شدن به هواپیما
שורש כף יד؛ مَچ دست	שורש לוטוס؛ ریشه لوتوس	שולחן קפה؛ میز جلو مِبلِی

ת

תשע עשרה; ۱۹	תינוק; نوزاد	תנין; تمساح	תבלין; چاشنی	תכשיטים; جواهرات
תשעים; ۹۰	תרנגול הודו; بوقلمون	תרנגול; خروس	תחבורה; رفت و آمد	תקרה; سقف
תשע מאות; ۹۰۰	תפוח; سیب	תרנגולת; مرغ	תה; چای	תיק; کیف
תשעת אלפים; ۹۰۰۰	תרד; اسفناج	תמנון; اختاپوس	תבנית; الگو	תשלום; پرداخت
תודה; متشکر	תשכב; دراز بکش	תוכי; طوطی	תיזהר; مراقب باشید	תשובה; پاسخ
תעודה; کارنامه	תפוחי אדמה; سیب زمینی	תירס; ذرت	תמיד; همیشه	תיקیיה; پوشه
תלמיד; دانش آموز	תחתונים; لباس زیر	תות; توت فرنگی	תנועה; ترافیک	תוף מרים; طبل بزرگ
תוף; طبل	תולעת; کرم	תפוז; نارنگی	תחבושת; باند	תנור; فر
תיק חוף; کیف ساحل	תמרור; تابلوی راهنمایی	תראה לי; به من نشان بده	תחליב רחצה; لوسیون بدن	תא מטען; محفظه بار همراه
תפריט נגלל; منوی کشویی	תיק החתלה; کیسه پوشک	תנור חימום; بخاری	תחנת רכבת; ایستگاه قطار	תחנת אוטوبوس; ایستگاه اتوبوس
תחנת רכבת תחתית; ایستگاه مترو				